

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

دانشگاه دامغان

دانشکده علوم انسانی

پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق (فقه و حقوق جزا)

مطالعه تطبیقی بزه آدم ربایی در حقوق کیفری

ایران و فرانسه

توسط:

آمنه مراد پور

استاد راهنما:

دکتر سید محمود مجیدی

تیر ماه ۱۳۹۵

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

www.rasakhoon.net

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

دانشگاه دامغان

دانشکده علوم انسانی

پایان نامه کارشناسی ارشد فقه و حقوق جزا

مطالعه تطبیقی بزه آدم ربایی در حقوق کیفری ایران و فرانسه

توسط :

آمنه مراد پور

استاد راهنما:

دکتر سید محمود مجیدی

تیرماه ۱۳۹۵

تعهدنامه‌ی اصالت پایان‌نامه/رساله دانشگاه دامغان

اینجانب **آمنه مرادپور** دانش‌آموخته مقطع کارشناسی ارشد رشته **فقه و حقوق جزا** گروه **علوم انسانی** دانشگاه دامغان به شماره دانشجویی **۹۳۵۹۳۰۱۳** که در تاریخ **۱۳۹۵/۴/۲۰** از پایان‌نامه تحصیلی خود تحت عنوان **مطالعه تطبیقی بزه آدم‌ربایی در حقوق کیفری ایران و فرانسه** دفاع نموده‌ام، متعهد می‌شوم که:

- (۱) این پایان‌نامه را قبلاً برای دریافت هیچ‌گونه مدرک تحصیلی یا به عنوان هرگونه فعالیت پژوهشی در سایر دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزشی و پژوهشی داخل و خارج از کشور ارائه ننموده‌ام.
- (۲) این پایان‌نامه، حاصل پژوهش انجام شده توسط اینجانب می‌باشد و موارد استفاده از نتایج دیگران به مرجع مورد استفاده استناد شده است.
- (۳) در کلیه مراحل انجام این پایان‌نامه/رساله، در مواردی که از موجود زنده (یافت‌های آن‌ها) استفاده شده است، ضوابط و اصول اخلاق علمی رعایت شده است.
- (۴) چنانچه بعد از فراغت از تحصیل، قصد استفاده یا هرگونه بهره‌برداری اعم از نشر کتاب، ثبت اختراع و... از این پایان‌نامه را داشته باشم، از حوزه‌ی معاونت پژوهشی و فناوری دانشگاه دامغان، مجوزهای لازم را اخذ نمایم.
- (۵) در صورت ارائه‌ی مقاله‌ی مستخرج از این پایان‌نامه در همایش‌ها، کنفرانس‌ها، سمینارها، گردهمایی‌ها و انواع مجلات، نام دانشگاه دامغان را در کنار نام نویسندگان (دانشجو و استاد راهنما و مشاور) ذکر نمایم.
- (۶) چنانچه در هر مقطع زمانی، خلاف موارد فوق ثابت شود، عواقب ناشی از آن (من جمله مدرک تحصیلی، طرح شکایت توسط دانشگاه و...) را می‌پذیرم و دانشگاه دامغان را مجاز می‌دانم با اینجانب مطابق ضوابط و مقررات مربوطه رفتار نماید.
- (۷) مسئولیت صحت و سقم تمامی مندرجات پایان‌نامه‌ی تحصیلی خود را بر عهده می‌گیرم.

نام و نام خانوادگی دانشجو: **آمنه مراد پور**

امضاء:

تاریخ:

تمامی حقوق مادی و معنوی مترتب بر نتایج، ابتکارات، اختراعات، کتاب و نرم‌افزار حاصل از انجام این پایان‌نامه/رساله، متعلق به **دانشگاه دامغان** می‌باشد. نقل مطلب از این اثر، با رعایت مقررات مربوطه و ذکر منبع بلامانع است.

به نام خدا

مطالعه تطبیقی بزه آدم‌ربایی در حقوق کیفری ایران و فرانسه

توسط:

آمنه مرادپور

پایان نامه

ارائه شده به تحصیلات تکمیلی دانشگاه به عنوان بخشی

از فعالیت های تحصیلی لازم برای اخذ درجه کارشناسی ارشد

در رشته:

فقه و حقوق جزا

از دانشگاه دامغان

ارزیابی و تأیید شده توسط کمیته پایان نامه با درجه: عالی

دکتر سید محمود مجیدی استادیار رشته فقه و حقوق جزا، گروه علوم انسانی، دانشگاه دامغان (استاد راهنما)

دکتر مهدی ذوالفقاری استادیار رشته فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی دامغان (استاد داور)

دکتر محمد حسن حسنی استادیار رشته حقوق کیفری و جرم‌شناسی، گروه علوم انسانی، دانشگاه دامغان (استاد داور)

دکتر رضا قنبری عبدالملکی استادیار رشته ادبیات فارسی، گروه علوم انسانی، دانشگاه دامغان (نماینده تحصیلات تکمیلی)

تیر ۹۵

تقدیم به:

مقدس ترین واژه‌ها در لغت‌نامه دلم، مادر مهربانم که زندگی را مدیون مهر و

عطوفت آن می‌دانم.

پدر، مهربانی مشفق، بردبار و حامی

برادر و خواهرم همراهان همیشگی و پشتوانه‌های زندگی‌ام.

سپاس‌گزاری:

به مصداق « من لم یشکر المخلوق لم یشکر الخالق » بسی شایسته است از استاد فرهیخته و عزیز جناب آقای دکتر سید محمود مجیدی که با کرامتی چون خورشید، سرزمین دل را روشنی بخشیدند و گلشن‌سرای علم و دانش را با راهنمایی‌های کارساز و سازنده بارور ساختند؛ تقدیر و تشکر می‌نمایم.

هم‌چنین تشکر و قدردانی می‌نمایم از اساتید بزرگوار جناب آقای دکتر محمدحسن حسنی و جناب آقای دکتر مهدی ذوالفقاری و جناب آقای دکتر میرسید و دکتر قدیری که در راه کسب علم و دانش مرا یاری نمودند.

در نهایت قدردان زحمات تمام عزیزانی هستم که تا این مرحله از زندگی مرا یاری نمودند.

چکیده

مطالعه تطبیقی بزه آدم‌ربایی در حقوق کیفری ایران و فرانسه

به وسیله‌ی:

آمنه مرادپور

نقایص و ایرادات موجود در سیاست کیفری تنها زمانی معلوم و هویدا می‌شود که شرایط تقنینی آن به صورت مطالعه‌ی تطبیقی با سیاست کیفری کشور دیگری سنجیده شود. در این رساله علاوه بر مقایسه‌ی تطبیقی ارکان مجرمانه و نیز ضمانت اجرای ناظر بر آدم‌ربایی در حقوق کیفری ایران و فرانسه، سیاست‌های کیفری ناظر بر این جرم نیز مورد تحلیل و ارزیابی قرار گرفته است. اگر چه به نظر می‌رسد از نظر ارکان مجرمانه و نیز ضمانت اجرای قانونی، تفاوت‌های اندکی در حقوق کیفری این دو کشور وجود دارد لیکن در زمینه‌ی اعمال سیاست‌های کیفری ناظر بر این جرم تفاوت‌های قابل توجهی مشاهده می‌شود. سیاست کیفری فرانسه بر اساس قانون مجازات ۱۹۹۴ و نیز قانون ۹ مارس ۲۰۰۴ اقدامات متنوعی در مقام حمایت از بزه‌دیده آدم‌ربایی انجام داده است. از یک سو قانون‌گذار با مرتبط ساختن مجازات مرتکبین آدم‌ربایی با مدت زمان سپری شده از ربایش و جرم‌انگاری حالات مشدده، به پاسخ‌های کیفری سرکوب‌گرانه متمایل شده و از سوی دیگر با پذیرش معاذیر قانونی معاف‌کننده و مخففه در سال ۲۰۰۴ متمایل به اقدامات ارفاقی در این زمینه شده است. پذیرش هر دو سیاست کیفری سرکوب‌گرانه و ارفاقی توأمان در جهت حمایت بیشتر از آزادی تن شخص ربوده شده بوده است. پیشنهاد نگارنده طراحی اقدامات نوآورانه به مانند جرم‌انگاری مشدده، حالت سازمان یافته‌ی این جرم و نیز پذیرش نهادهای ارفاقی معاف‌کننده برای این بزه در حقوق ایران است.

کلید واژه‌ها: آدم ربایی، سازمان یافتگی، ربودن، معاذیر قانونی.

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
مقدمه	۱
الف. اهمیت و ضرورت تحقیق	۲
ب. سئوالات تحقیق	۲
پ. فرضیه‌های تحقیق	۲
ت. اهداف و کاربردها	۳
ث. روش تحقیق	۳
ح. سامان‌دهی تحقیق	۴
فصل اول: مفاهیم، مبانی، تحولات و در آمدی بر ارکان آدمربایی در حقوق کیفری	
ایران و فرانسه	۵
۱-۱. مفاهیم و مبانی	۶
۱-۱-۱. مفاهیم	۶
۱-۱-۱-۱. واژه‌شناسی	۶
۱-۱-۱-۱-۱. مفهوم لغوی آدمربایی	۶
۱-۱-۱-۱-۲. مفهوم اصطلاحی آدمربایی	۷
۱-۱-۱-۲. تفکیک آدمربایی از جرایم نزدیک	۸
۱-۱-۱-۲-۱. تفکیک آدمربایی از حبس و توقیف غیرقانونی	۸
۱-۱-۱-۲-۲. تفکیک آدمربایی از گروگان‌گیری	۱۷
۱-۱-۱-۲-۳. تفکیک آدمربایی از بزه نوزاد ربایی	۱۹
۱-۱-۲. مبانی جرم‌انگاری	۲۰
۱-۱-۲-۱. مبانی شرعی	۲۰
۱-۱-۲-۲. مبانی عرفی	۲۲
۱-۱-۲-۲-۱. حمایت از آزادی شهروندان	۲۲
۱-۱-۲-۲-۲. حمایت از امنیت عمومی	۲۳
۱-۲. تحولات تاریخی	۲۴
۱-۲-۱. حقوق ایران	۲۵
۱-۲-۱-۱. در دوران قبل از انقلاب	۲۵
۱-۲-۱-۲. در دوران پس از انقلاب	۲۶
۱-۲-۲. در حقوق فرانسه	۲۷

- ۳-۱. ارکان مجرمانه ۲۸
- ۱-۳-۱. رکن قانونی ۲۸
- ۱-۱-۳-۱. در حقوق ایران ۲۹
- ۱-۱-۳-۱-۱. اصول حاکم بر سیاست کیفری ۲۹
- ۱-۱-۳-۱-۲. تحلیل‌ها و ارزیابی‌ها ۳۰
- ۱-۱-۳-۱-۲-۱. عدم حمایت کامل از بزه دیده ۳۳
- ۱-۱-۳-۱-۲-۲. عدم جامعیت حالات مشدده آدم‌ربایی ۳۴
- ۲-۱-۳-۱. در حقوق فرانسه ۳۴
- ۲-۳-۱. رکن مادی ۳۸
- ۱-۲-۳-۱. رفتار مرتکب ۳۹
- ۱-۱-۲-۳-۱. لزوم فعل مثبت ۳۹
- ۲-۱-۲-۳-۱. تحلیل مفهوم ربودن ۴۱
- ۲-۲-۳-۱. موضوع جرم ۴۳
- ۱-۲-۲-۳-۱. انسان زنده ۴۳
- ۲-۲-۲-۳-۱. وضعیت بزه دیده ۴۴
- ۳-۲-۳-۱. وسیله ارتکاب جرم ۴۶
- ۴-۲-۳-۱. نتیجه مجرمانه ۴۶
- ۵-۲-۳-۱. رابطه سببیت ۴۷
- ۶-۲-۳-۱. شروع به آدم‌ربایی ۴۹
- ۳-۳-۱. رکن روانی ۵۲
- ۱-۳-۳-۱. سوءنیت عام ۵۲
- ۲-۳-۳-۱. سوءنیت خاص ۵۳
- ۳-۳-۳-۱. انگیزه مجرمانه ۵۳
- فصل دوم: پاسخ‌های کیفری سرکوب‌گر ساده و مشدده در قبال آدم‌ربایی ۵۵**
- ۱-۲. اقسام مجازات‌ها ۵۶
- ۱-۱-۲. مجازات‌های اصلی ۵۶
- ۱-۱-۱-۲. مجازات‌های ناظر بر اشخاص حقیقی ۵۶
- ۱-۱-۱-۱-۲. مجازات‌های اصلی ساده ۵۷
- ۱-۱-۱-۱-۱-۲. شلاق ۵۷

مقدمه

الف. اهمیت و ضرورت تحقیق

اکرام و بزرگداشت انسان‌ها از امور مورد تأکید شارع می‌باشد، لذا این مهم هم از سوی شارع و هم در احادیث و روایات معصومین مورد اشاره قرار گرفته است. و از آن‌جا که قوانین ایران متأثر از فقه می‌باشد بر این حق مسلم در قانون اساسی (اصل ۲۲) مهر تأیید نهاده شده است.

اهمیت و ضرورت تحقیق آن‌جا نمایان می‌شود که عدم برخورد صحیح با مرتکبین بزه آدم‌ربایی برابر است با زیر پا گذاشتن امنیت جامعه و آزادی شهروندان، و به عبارت دیگر حق طبیعی آنان نادیده گرفته می‌شود. لذا جا دارد که قانون‌گذاران هر کشوری در برخورد با این جرم که فراتر از مرزهای هر کشوری می‌باشد سیاست سنجیده‌ای را اتخاذ نمایند. مقنن ایران نیز در قوانین جزایی قبل و بعد از انقلاب به این جرم توجه داشته و در قانون مجازات اسلامی و سایر قوانین پراکنده بر لزوم برخورد با این جرم تأکید داشته است.

در حقوق کشور فرانسه نیز اهمیت برخورد با این بزه تا جایی است که قانون‌گذار آن را در زمره جنایات قرار داده و مقررات ویژه‌ای را به منظور مبارزه با مرتکبین آن وضع کرده است. لذا لازم است در رساله‌ی پیش رو به بررسی و ریشه‌یابی مقررات بزه مزبور پرداخته شود.

ب. سؤالات تحقیق

۱. مهم‌ترین تفاوت سیاست کیفری ایران و فرانسه در قبال بزه آدم‌ربایی کدام است؟

۲. سیاست کیفری ایران با تکیه بر چه راه‌کارهایی می‌تواند زمینه بهتر مبارزه با آدم‌ربایی را فراهم کند؟

پ. فرضیه‌های تحقیق

۱. مهم‌ترین تفاوت سیاست کیفری این دو کشور همانا اتخاذ اقدامات حمایتی از بزه‌دیده از طریق نوع و شیوه‌ی خاص تعیین کیفر مرتکبین در حقوق فرانسه و عدم پذیرش آن‌ها در

حقوق ایران می‌باشد.

۲. قانون‌گذار در حقوق کیفری ایران می‌تواند با تکیه بر راه‌کارهایی از قبیل پذیرش نهادها و معاذیر کیفری معاف‌کننده و تخفیف‌دهنده برای آدم‌ربایی از یک سو و نیز طراحی جرم‌انگاری‌های مشدده از قبیل آدم‌ربایی بزه‌دیدگان خاص و یا ارتکاب این جرم به صورت بانندی و گروهی و یا ارتکاب آن از سوی مقامات قضایی و انتظامی به سامان‌بخشی بهتر مقررات مربوط کمک نماید.

ت. اهداف و کاربردها

الف) بزه آدم‌ربایی در زمره جرایم مهم در سطح بین‌المللی می‌باشد و از این رو سعی بر آن است به بررسی و شناسایی این جرم در دو کشور ایران و فرانسه پرداخته شود.

ب) به مقایسه و تطبیق بزه آدم‌ربایی در دو کشور ایران و فرانسه و میزان اهمیت این جرم از دریچه نگاه قانون‌گذاران پرداخته خواهد شد.

ج) نقد و بررسی مواد مرتبط با آدم‌ربایی در قوانین قبل و بعد از انقلاب.

د) با وجود این که جرم آدم‌ربایی از جرایم بسیار مهم و غیرقابل‌گذشت در قانون ایران می‌باشد، متأسفانه از دید حقوقدانان به دور مانده و به ندرت به شرح و بررسی آن پرداخته‌اند. هدف آن است بتوان از طریق این پایان‌نامه گامی در جهت توسعه مطالعات انجام شده در این راستا برداشت.

ث. روش تحقیق

روش به کار رفته در این پژوهش، روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای می‌باشد. براین اساس، سعی بر این شده است که با انجام مطالعات تطبیقی و مقایسه‌ای، مقررات جزایی ایران و فرانسه در قبال بزه آدم‌ربایی مورد کنکاش قرار گیرد.

ح. سازمان‌دهی تحقیق

رساله پیش رو در دو فصل به قلم نگارش درآمده است. فصل نخست: در ارتباط با مفاهیم، مبانی، تحولات و ارکان بزه آدم‌ربایی در حقوق کیفری ایران و فرانسه می‌باشد که در سه مبحث مورد شرح و بررسی قرار گرفته‌اند.

در فصل دوم طی دو مبحث به انواع پاسخ‌های کیفری سرکوب‌گر در قبال آدم‌ربایی و نیز عوامل مؤثر بر تشدید و تخفیف آن‌ها در حقوق کیفری ایران و فرانسه پرداخته شده است.

بخش اول

مفاهیم، مبانی، تحولات و درآمدی بر

ارکان آدمربایی در حقوق کیفری

ایران و فرانسه

این فصل دربرگیرنده‌ی سه مبحث می‌باشد در مبحث نخست مفاهیم و مبانی، در مبحث دوم تحولات تاریخی و در مبحث سوم ارکان مجرمانه مورد مطالعه قرار می‌گیرد.

۱-۱. مبحث نخست: مفاهیم و مبانی

این مبحث به دو گفتار تقسیم می‌شود در گفتار نخست مفاهیم و در گفتار دوم مبانی جرم انگاری مورد شرح واقع خواهد شد

۱-۱-۱. مفاهیم

بررسی مفاهیم از آن جهت بررسی می‌شود که زمینه‌ی طرح مباحث مبنایی‌تر را فراهم می‌سازد. از این رو، در ابتدا واژه‌شناسی مفاهیم اصلی و مهم تحقیق مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱-۱-۱-۱. واژه‌شناسی

۱-۱-۱-۱-۱. مفهوم لغوی آدم‌ربایی

آدم‌ربایی در زبان انگلیسی معادل واژه‌های «kidnapping» و «kidnap» می‌باشد. هم‌چنین آدم‌ربایی (ویژه کودکان، دختران و زنان) معادل واژه‌ی «abduction» است. در زبان انگلیسی «kidnapping anew-born baby» به معنای دزدیدن طفل تازه متولدشده می‌باشد.^[۱] در زبان فرانسه نیز برابر واژه (enlevement)^[۲] و در زبان عربی معادل واژه‌ی (اختطاف) که در برخی موارد برای مطلق آدم‌ربایی و در پاره‌ای از موارد برای ربودن دختر به منظور عمل نامشروع به کار می‌رود.^[۳] قبل از بیان تعریف آدم‌ربایی لازم است بامعنای ربودن آشنا شویم، ربودن در لغت عبارت است از به تردستی و چابکی و حيله از کسی چیزی را گرفتن، هم‌چنین به‌زور و سرعت چیزی را از شخصی بردن.^[۴]

لذا آدمربایی در لغت عبارت از سلب آزادی تن می‌باشد. بنابراین در این تعریف ابتدا باید معنی آزادی تن را دانست. آزادی بدنی هر فرد به‌طوری‌که بتواند از هر نقطه کشور به نقطه دیگر آن، مسافرت نموده یا نقل‌مکان دهد یا از کشور خارج‌شده و به آن مراجعت نماید و چه در داخل کشور و یا خارج از آن اقامت و ترک اقامت نماید و از ربایش و توقیف بدون جهت، محفوظ و مصون باشد. نتیجه‌ی این آزادی لغو بردگی، لغو بیگاری، منع توقیف و حبس بدون مجوز اشخاص است.^[۵]

بنابراین این جرم به معنای سلب آزادی تن دیگری و از طریق جابه‌جایی از محلی به محل دیگر می‌باشد.

۱-۱-۱-۲. مفهوم اصطلاحی آدمربایی

آدمربایی در معنای اصطلاحی عبارت است از: گرفتن و ربودن آدمی برای فروش یا باج‌گیری و یا اجراء مقاصد دیگر اعم از مقاصد سیاسی و غیر آن، مانند این‌که ربوده شده را وسیله‌ی نقل مواد مخدر قرار دهند.^[۶] در تعریفی دیگر نیز، آدمربایی عبارت از استیلا یافتن بر انسان و نقل‌مکان دادن او از محلی به محل دیگر به صورت غیرقانونی و برخلاف میل و اراده و رضایت وی دانسته شده است. و عبارت بدون رضایت شامل عنف، حيله، تهدید و به نحو دیگری خواهد بود.^[۷] در حقوق فرانسه نیز آدمربایی عبارت است از نگه‌داشتن بزه دیده در یک مکان که برخلاف خواسته‌اش در آن حبس شود.^[۸] هم‌چنین در حقوق کامن‌لا آدمربایی به هرگونه توقیف یا جابه‌جایی غیرقانونی کسی به خارج از کشور تعریف شده است.

در ادامه باید گفته شود که آدمربایی به چندین گونه کلی تقسیم می‌شود که به شرح مختصر آن‌ها می‌پردازیم.

۱. آدمربایی سیاسی: آدمربایی‌های سیاسی معمولاً با ربودن شخصیتی سیاسی که معمولاً

دیپلمات یا مأمور دولت است انجام می‌گیرد تا دولتی را به انجام کاری مانند آزادی یک زندانی سیاسی وادار کند.

۲. آدمربایی جنسی: این نوع آدمربایی به موقعیت‌هایی مربوط می‌شود که مرتکب، بزه‌دیده را به قصد تهاجم جنسی به یک مکان دورافتاده می‌برد.

۳. آدمربایی مالی: معمولاً برای اخاذی از کسی یا شرکت ثروتمندی انجام می‌شود.

۴. آدمربایی خانگی: به ربودن کودکی مربوط می‌شود که هنگام طلاق نسبت به سرپرستی او اختلاف بسیاری وجود دارد.

۵. آدمربایی روانی: به قاتلان زنجیره‌ای مربوط می‌شود که بزه دیدگان را به مکان دورافتاده‌ای برده و آن‌ها را به قتل می‌رسانند.

۶. آدمربایی بردگی: معمولاً به زنان مربوط می‌شوند که ربوده می‌شوند و درازای اجبار به کار، اغلب در مشاغل خدمتکاری یا به عنوان بردگان جنسی مورد استفاده قرار می‌گیرند.

۷. آدمربایی مرتبط با گروگان‌گیری: معمولاً با جرایم دیگر ارتکاب می‌یابند مثلاً چنانچه در یک سرقت همراه با آزار وقفه ایجاد شود ممکن است مرتکبان، بزه‌دیدگان را گروگان بگیرند تا فرار آن‌ها تضمین شود.^[۹]

۱-۱-۲. تفکیک آدمربایی از جرایم نزدیک

۱-۱-۱-۲-۱. تفکیک آدمربایی از حبس و توقیف غیرقانونی

توقیف غیرقانونی و بازداشت افراد نیز مانند آدمربایی منجر به سلب آزادی تن می‌شود و از این جهت و برخی جهات دیگر شبیه به آدمربایی است اما میان این دو جرم تفاوت‌هایی نیز وجود دارد که باید مورد توجه قرار گیرد و قبل از بیان این تفاوت‌ها ضروری است که عنصر قانونی جرم بازداشت غیرقانونی بیان گردد. این جرم در مواد ۵۷۵ و ۵۸۳ قانون مجازات اسلامی

پیش‌بینی شده است. ابتدا دو ماده فوق ذکر می‌شود تا زمینه‌ی تحلیل و مقایسه فراهم شود.

ماده ۵۷۵ مقرر می‌دارد: «هرگاه مقامات قضایی یا دیگر مأمورین ذی‌صلاح برخلاف قانون، توقیف یا دستور بازداشت یا تعقیب جزایی یا قرار مجرمیت کسی را صادر نمایند به انفعال دائم از سمت قضایی و محرومیت از مشاغل دولتی به مدت پنج سال محکوم خواهند شد.

ماده ۵۸۳: «هر کس از مقامات یا مأمورین دولتی یا نیروهای مسلح یا غیر آن‌ها، بدون حکمی از مقامات صلاحیت‌دار، در غیر مواردی که در قانون جلب یا توقیف اشخاص را تجویز نموده، شخصی را توقیف یا حبس کند یا عنفا در محلی مخفی نماید، به یک تا سه سال حبس یا جزای نقدی از شش تا هجده میلیون ریال محکوم خواهد شد».

یکی از تفاوت‌های آدم‌ربایی و توقیف غیر قانونی، وجود برخی ابهامات در مورد شمول آن در توقیف غیر قانونی است که در مورد آدم‌ربایی صدق نمی‌کند.

در مورد مرتکبین (بزه توقیف) بین حقوقدانان اختلاف نظر می‌باشد: برخی حقوقدانان معتقدند همه افراد اعم از آنکه مقام دولتی داشته یا نداشته باشند می‌توانند مرتکب این جرم شوند؛^[۱۰] اما برخی دیگر چنین اعتقادی ندارند و این‌گونه استدلال کرده‌اند که: «ماده ۵۸۳ مرتکب جرم را مقامات یا مأمورین دولتی یا نیروهای مسلح دانسته است که اگر چنین باشد، تفاوت آن با جرم آدم‌ربایی که از سوی افراد عادی صورت می‌گیرد روشن است؛ اما عبارت یا «غیر آن‌ها» که به دنبال مأمورین دولتی آمده است، شمول این ماده نسبت به افراد عادی را تقویت می‌کند، سابقه وضع این ماده نشان می‌دهد که اختصاص به کارمندان دولت نداشته است زیرا ماده ۱۹۳ قانون مجازات عمومی که در مورد این جرم بود، به توقیف دانش‌آموزان توسط معلمان اشاره داشت و ماده ۷۱ قانون تعزیرات هم آورده بود «اولیای قانونی اطفال از قبیل پدر نسبت به اولاد و ولی نسبت به مجنون از مفاد این ماده مستثنی می‌باشد مشروط بر اینکه اقدام اولیا از حد قانونی تجاوز ننماید» قرینه‌ای که برای اختصاص این جرم به کارمندان دولت وجود دارد، ذکر

این ماده در فصل مربوط به تقصیرات مقامات و مأمورین دولتی است که حذف افراد عادی در اصلاحات بعدی آن را تقویت می‌کند.^[۱۱] علیرغم وجود این اختلاف در مورد توقیف غیر قانونی، چنین ابهامی در مورد بزه آدم‌ربایی و شمول آن بر همه‌ی مرتکبین وجود ندارد.

در اینجا لازم است به تفاوت توقیف و مخفی کردن با حبس پرداخته شود به این ترتیب که:

حبس کردن معمولاً برای مدت طولانی‌تر و داخل مکان معین و محصورى مانند خانه انجام می‌شود. علی‌الاصول این مکان نباید آن‌چنان وسیع باشد که اطلاق عنوان حبس بر عمل نگه‌داشتن وی در آن محل امکان‌پذیر نباشد؛ بنابراین جلوگیری از ترک ایران توسط دیگری را نمی‌توان حبس نامید، ولی اگر وی داخل کشور بیاید و از خروج وی از ساختمان فرودگاه جلوگیری شود ممکن است چنین عنوانی صادق باشد. در توقیف لزوماً فرد در مکان محصورى نگه‌داشته نمی‌شود؛ بنابراین کسی که با اتخاذ عنوان مجعول، سرنشینان خودروبی را به بهانه بازرسی خودرو آن‌ها، مدتی در کنار خیابان نگه‌داشته و اجازه رفتن به آن‌ها نمی‌دهد مرتکب توقیف غیرقانونی می‌شود. تفاوت مخفی کردن با حبس آن است که در مخفی کردن، دور نگاه‌داشتن قربانی از دید دیگران مد نظر مرتکب می‌باشد و این کار لزوماً در محل بسته و محصورى انجام نمی‌شود، مثلاً این که کسی فرزند صغیر دیگری را داخل خانه خود نگه دارد بدون اینکه خانه‌اش لزوماً قفل و بست محکمی داشته باشد.^[۱۲]

جرم مذکور در مواد ۵۸۳ و ۵۷۵ جرمی مستمر و عمدی است بنابراین کسی که در حین خوابگردی در اتاقی را به روی دیگری می‌بندد یا بدون اطلاع از حضور دیگری در خانه و یا به تصور اینکه او کلیدی در اختیار دارد، در خانه را قفل کرده و می‌رود به دلیل فقدان عنصر روانی، مرتکب این جرم نمی‌شود. لیکن انگیزه مرتکب در مسئولیت کیفری وی مؤثر نیست؛ مثل اینکه پدر یا معلم دانش‌آموزی برای مجبور کردن وی به درس خواندن، اقدام به محبوس کردن وی نماید.

همین‌طور کارفرمایی که به‌قصد جلوگیری از نقض قرارداد کار توسط کارگر در را به روی او می‌بندد تا مانع خروج وی از کارگاه شود، علی‌رغم برخورداری از انگیزه خوب، مرتکب جرم موضوع ماده ۵۸۳ می‌شود. لیکن هرگاه کارگری که داخل معدنی در اعماق زمین مشغول کار است، برای ترک زود هنگام محل کار، از کارفرما بخواهد که وسیله‌ای را داخل معدن بفرستد تا وی را به سطح زمین بیاورد، عدم انجام این کار توسط کارفرما موجب تحقق عنوان مجرمانه حبس غیرقانونی از سوی وی نمی‌شود، زیرا کارفرما موظف به ایجاد تسهیلات برای کارگر در جهت نقض قراردادش با کارفرما نمی‌باشد.

مقنن در ماده ۵۸۴ برای کسی که با تهیه کردن مکان با مرتکب جرم مذکور در ماده ۵۸۳ معاونت نماید مجازات حبس از سه ماه تا یک سال یا جزای نقدی از یک میلیون و پانصد هزار ریال تا شش میلیون را تعیین کرده است.

تهیه کردن مکان ممکن است در هر مرحله از حبس، بازداشت یا مخفی کردن صورت گیرد. ذکر کیفیات مخففه و مشدده در میزان مجازات مرتکب و معاون از نگاه قانون‌گذار به دور نمانده است و قانون‌گذار در مواد ۵۸۵ و ۵۸۷ به تأثیر کیفیات مخففه و مشدده در میزان مجازات مرتکب و معاون پرداخته است. کیفیت مخففه مذکور در ماده ۵۸۵ عبارت است از رها کردن شخص توقیف‌شده (که شامل شخص محبوس و مخفی‌شده هم می‌شود)، یا انجام دادن اقدام لازم برای رها شدن وی، مثل باز گذاشتن در یا دادن کلید به شخص محبوس و یا گزارش کردن محل نگهداری فرد به خانواده او یا پلیس. این کار باید، اولاً: قبل از مورد تعقیب قرار گرفتن مرتکب یا معاون، یعنی قبل از صدور کیفرخواست علیه او، ثانیاً: قبل از انقضای پنج روز (یعنی پنج شبانه‌روز یا ۱۲۰ ساعت) از تاریخ توقیف، حبس یا مخفی کردن شخص صورت بگیرد. به نظر می‌رسد که با توجه به اطلاق ماده، این تخفیف نه‌تنها شامل معاونت مذکور در ماده ۵۸۴ یعنی تهیه‌کننده مکان، بلکه شامل کسانی که به طرق دیگری در ارتکاب جرم

معاونت کرده باشند نیز می‌شود.

آنچه مطابق ماده ۵۸۷ کیفیت مشدده محسوب می‌شود عبارت است از:

اولاً: تهدید به قتل (که خود دارای عنوان مجرمانه مستقلی می‌باشد) و ثانیاً شکنجه و آزار بدنی می‌باشد.

نکته قابل ذکر در مورد ماده ۵۸۷، به مجازات پیش‌بینی شده در آن مربوط می‌شود. این مجازات عبارت است از «یک تا پنج سال حبس و محرومیت از خدمات دولتی». به نظر برخی حقوقدانان خدمات دولتی را نمی‌توان شامل هر خدمتی که دولت در اختیار شهروندان قرار می‌دهد (مثل انشعاب برق، آب و گاز) دانست زیرا در آن صورت دامنه و گستره این مجازات بسیار وسیع و نامشخص می‌شود که پیش‌بینی چنین ضمانت اجراهای گسترده و مبهمی در یک قانون کیفری پذیرفتنی نیست. بنابراین منظور مقنن محرومیت از خدمت دولت و به عبارت دیگر از اشتغال و استخدام دولتی بوده است که خود اعم از انفصال از خدمت دولت می‌باشد، به عبارت دیگر هرگاه مستخدم دولت این جرم را مرتکب شود، از خدمت دولتی منفصل و اگر غیر از مستخدم دولت آن را انجام دهد از به استخدام درآمدن دولت محروم می‌شود. از ماده ۵۸۷ برمی‌آید که منظور از محرومیت، محرومیت دائمی است.^[۱۳]

جرم موضوع این ماده، شباهت زیادی با جرم آدم‌ربایی دارد، بنابراین ممکن است در مواردی میان این دو جرم، اشتباه شود اما تفاوت‌هایی میان آن‌ها وجود دارد که به شرح زیر می‌باشد:

اولاً: فاعل جرم توقیف غیرقانونی، مقامات قضایی و مأمورین ذی‌صلاح هستند و این جرم مخصوص مواردی می‌باشد که سلب آزادی تن به عنوان اجرای قانون صورت گیرد ولی در واقع، غیرقانونی باشد و مرتکب با سوءاستفاده از موقعیت خود اقدام به چنین عملی می‌کند اما آدم‌ربایی توسط افراد عادی و به صورت مخفیانه و بدون هدف اجرای قانون صورت می‌گیرد

بلکه هدف نامشروعی همچون اخاذی یا تجاوز جنسی و نظایر این‌ها در پس آن نهفته است و مرتکب ادعای قانونی بودن عمل خود را ندارد.

البته باید در نظر داشت که چنین برداشتی از مواد قانونی توقیف در حقوق ایران می‌شود زیرا در حقوق فرانسه حقوق دانان به تبعیت از قانون‌گذار بزه توقیف و حبس غیر قانونی را عام دانسته و شامل همه‌ی مرتکبین قلمداد کرده‌اند. (موضوع ماده‌ی ۱-۲۲۴) البته اگر توسط مقامات اداری و عمومی انجام شود مشمول ماده‌ی قانونی دیگری خواهند شد (۴-۴۳۲).^[۱۴]

ثانیاً: عبارت «جلب، توقیف، حبس» که در مواد ۵۷۵ و ۵۸۳ بیان‌شده است عرفاً با آدم‌ربایی تفاوت دارد زیرا این جرم از طریق صدور قرار و دستور و به صورت ارادی و علنی انجام می‌شود اما جرم آدم‌ربایی معمولاً به صورت مخفیانه و دور از چشم دیگران انجام می‌شود.^[۱۵]

عنصر قانونی این جرم در حقوق کشور فرانسه در ماده ۱-۲۲۴ مورد اشاره قرار گرفته است. به موجب این ماده عمل کردن بدون دستور قانون‌گذار و خارج از موارد پیش‌بینی‌شده توسط قانون، بازداشت، آدم‌ربایی، حبس و توقیف غیر قانونی فرد می‌باشد. دستگیری و حبس خودسرانه به عنوان سلب آزادی فرد یا افراد به حساب می‌آید. پس در عمل حبس کردن حیوان هیچ جرمی رخ نداده است. علی‌رغم این‌که قانون‌گذار هیچ توضیحی در این زمینه ارائه نداده است، نظر دادگاه مشخص می‌کند که هدف از اتهام و دستگیری صرفاً حفاظت از اشخاص حقیقی است، زیرا از آنجایی که شرکت و به‌طور کلی اشخاص حقوقی ذاتاً توانایی رفع آسیب مستقیم و شخصی از کسی را ندارند، شایستگی لازم را برای این‌که جزئی از جامعه مدنی را داشته باشند را ندارند.

علاوه بر این، باید توجه داشت که حقوق دانان فرانسوی مهم‌ترین تفاوت آدم‌ربایی را با بزه توقیف، در ماهیت مجرمانه‌ی آنها دیده‌اند. توضیح آن که توقیف غیر قانونی در حقوق فرانسه همواره ماهیت مستمر داشته است. البته رویه‌ی قضایی فرانسه ماهیت مستمر این جرم را به

صورت منطقی اجرا کرده است. از این رو، نسبت به مراقبت بیماری که جهت نظارت بروی اجباراً او را در مکانی قرار داده، جرم توقیف را نپذیرفته است. این در حالی است که آدمربایی در تفاوتی آشکار ماهیتی آنی داشته است. دستگیری و حبس خودسرانه افراد واجد شرایطی می‌باشد که در ادامه به شرح آن می‌پردازیم.

سلب آزادی اشخاص به سه روش انجام می‌شود. از طرفی ماده ۳۴۱ قانون مجازات عمومی پیشین فرانسه بیان می‌داشت بازداشت، توقیف و حبس غیر قانونی که عنصر مادی این جرم می‌باشد. دو مورد اخیر نیز می‌توانند مترادف و هم‌معنی با یکدیگر باشند؛ اما در مورد جرم فردی که فراهم آورنده‌ی مکان برای اجرای نگهداری یا حبس غیرقانونی بوده، اشاره‌ای نشده و به طور واضح در قانون سال ۱۹۹۴ مورد توجه قرار نگرفته است. بنابراین روشن است که بر طبق ماده ۷-۱۲۱ قانون جزایی، تشخیص کمک یا شراکت در جرم برای فرد فراهم آورنده‌ی مکان نگهداری یا حبس خودسرانه، با دشواری مواجه است. از طرف دیگر، قانون‌گذار سال ۱۹۹۲ این سه شکل را در دو قالب بیان کرده، دستگیری از طرفی و توقیف و حبس غیرقانونی از طرف دیگر.

دستگیری طبق ماده ۱-۲۲۴ به عملی اطلاق می‌شود که فرد به هر روشی دستگیر می‌شود و آزادی رفت و آمد از او سلب می‌شود لازم به ذکر است که این عمل جنبه پیشگیری آنی دارد. در مقابل، حبس و توقیف کردن جرمی مستمر است، یعنی اجرا آن در بازه‌ای زمانی رخ می‌دهد. [۱۶]

بنابراین این جرم شامل عملی می‌شود که قربانی در محلی دستگیرشده، علی‌رغم میل، خود را زندانی می‌بیند. دو عنوان توقیف و حبس غیرقانونی به طور عملی موقعیت‌های مختلف و درجات مختلفی را شامل می‌شود. بنابراین عنوان توقیف و حبس کردن با مراقبت و توقیف ساده از بیماری بیمارستانی به منظور متوقف کردن پیشرفت بیماری‌اش اشتباه گرفته نمی‌شود.

همان‌گونه که اشاره شد توقیف و حبس جرمی ادامه‌دار است، اما حکم دادگاه اغلب بیان می‌دارد که مهم نیست نگهداری قربانی بیش از چند دقیقه به طول بینجامد. حتی اگر این حبس چند لحظه بینجامد تا وقتی که انجام دهندگان آن آزادی را با اختیار به شخص برنگردانند، جرم رخ داده است و زیاد مهم نیست که آن‌ها کنترلشان را به دلیل شرایط غیر وابسته به اراده‌شان از دست داده باشند.

از دیگر شرایط مرتبط با رکن مادی در جرم توقیف غیرقانونی و سایر عنصر مادی موضوع ۱-۲۲۴، لزوم مشارکت فعال می‌باشد. با در نظر گرفتن عبارات استفاده‌شده توسط قانون‌گذار در ماده ۱-۲۲۴ قانون جزایی و همچنین اصل قانونیت جزایی، در تصمیمات دادگاه این امر در نظر گرفته می‌شود که صرف شرکت انفرادی در جنبش اعتصابی و حضور آن‌ها در محل‌های کاری، هنگامی که دو رییس شرکتی به صورت غیرقانونی محبوس شده‌اند، برای متهم کردن این افراد که فقط تماشاچی ماجرا بوده‌اند و مدرکی دال بر نقش فعال آن‌ها در ارتکاب جرم و ارادی بودن کارشان وجود ندارد، کفایت نمی‌کند. جرم تنها وقتی صورت می‌گیرد که فرد، سهمی فعال و ارادی در کمک به عامل ایجادکننده‌ی مانع برای آزادی قربانی داشته باشد، اما این مشخصه دو توضیح را ایجاب می‌کند.

از یک طرف لزوم شرکت فعال به این معنی نیست که ضرورتاً بایستی اعمال خشونت رخ داده باشد. مشارکت فعال به عملی اطلاق می‌شود که کارکنان یک مجموعه به صورت خودسرانه، رئیس را علی‌رغم میل باطنی‌اش در محل کار حبس کرده‌اند، حتی اگر متوسل به خشونت نشده باشد تا به این طریق او را مجبور کنند که به مطالبات آن‌ها تن دردهد. دادگاه جنایی بعد از مشاهده عوامل مادی و عمدی ارتکاب جرم، برای از بین بردن انگیزه اصلی حصر را می‌شکند و متهمین را آزاد می‌کند، زیرا درگیری و مشاجرات کاری اغلب اوقات موجبات صدمه و کارافتادگی افراد کم و بیش درگیر را فراهم می‌کند و همچنین مانع از این می‌شود که سیستم

قضایی بتواند بدون توسل به اعمال خشونت، پیگیری‌های سرکوب‌گرانه خود را دنبال کند.

از طرفی دیگر قوانین قدیمی، بیان می‌داشت که محکومیت نه تنها باید بر کسی اعمال شود که شخصاً اعمال دستگیری، توقیف و یا حبس فردی را انجام می‌دهد، بلکه نسبت به کسی که باعث می‌شود قربانی را دستگیر، توقیف و حبس کنند نیز اعمال شود.^[۱۷]

از آن چه ذکر گردید می‌توان چنین برداشت نمود که تفاوت اصلی توقیف غیر قانونی و آدم‌ربایی در حقوق کیفری ایران و فرانسه به ماهیت آن‌ها مربوط نمی‌شود و در هر دو نظام حقوقی بزه توقیف به دارا بودن ماهیت مستمر شناخته شده و آدم‌ربایی نیز آنی می‌باشد. مهم در این زمینه، آن است که در حقوق ایران برداشت اکثر حقوق‌دانان آن است که توقیف غیر قانونی مخصوص مقامات صلاحیت‌دار بوده، لیکن چنین برداشتی در حقوق فرانسه وجود ندارد و قانون‌گذار به طور کلی دو نوع مقررات در این زمینه پیش‌بینی نموده است. مقرراتی ناظر بر بازداشت، آدم‌ربایی، توقیف و یا حبس غیر قانونی ارتکاب یافته توسط انسان‌های معمولی جامعه (۱-۲۲۴) و نیز مقرراتی ناظر بر ارتکاب جرایم فوق توسط افرادی که وظیفه‌ی عمومی در جامعه انجام می‌دهند (۴-۴۳۲)

در این زمینه باید به دو نکته دیگر نیز اشاره کرد:

نکته اول: عامل انجام دهنده بایستی با هشیاری، آزادی فردی را سلب کند. پس در این صورت جرم ارادی است و فردی که بر اثر بی‌احتیاطی یا بی‌توجهی کسی را محبوس نموده شامل این موضوع نمی‌شود. این مورد هیچ‌گونه مشکلی ایجاد نمی‌کند.

نکته دوم: عامل انجام دهنده جرم بایستی به این‌که ناعادلانه آزادی کسی را سلب می‌کند آگاه باشد. ماده ۱-۲۲۴ قانون جزایی، تنها کسانی را که «بدون دستور قضایی و خارج از اصول پیش‌بینی‌شده» عمل کرده‌اند را در نظر گرفته است.

در انتها باید به مجازات مقرر برای این جرم توسط حقوق کشور فرانسه اشاره کرد.

این مجازات فقط مربوط به افراد حقیقی است و به سه صورت محکومیت عادی و محکومیت شدید و محکومیت‌های اضافی تکمیلی و دوره امنیت می‌باشد.^[۱۸]

۱-۱-۳. تفکیک آدمربایی از گروگان‌گیری

در قانون مجازات اسلامی ایران قانون‌گذار هیچ تمایزی میان گروگان‌گیری و آدمربایی قائل نشده و موضوع هر دو جرم، انسان زنده است. هرچند مرز بین آدمربایی و گروگان‌گیری بسیار نزدیک است، ولی به لحاظ وجود چند اصل حقوقی، نمی‌توان گروگان‌گیری را دقیقاً طبق ماده ۶۲۱ مجازات کرد

نخستین اصل حقوقی می‌گوید در امور کیفری و جزایات، قاضی مکلف است از اصل تفسیر مضیق استفاده کند و حق تفسیر موسع را ندارد این اصل ارزشمند حقوقی در حال حاضر مانع از مجازات گروگان‌گیری در مصداق آدمربایی می‌گردد.

دوم این‌که باید قانون به نفع متهم تفسیر شود، یعنی اگر درجایی قانون نداریم یا قانون اجمال دارد، باید به نفع متهم رفتار کرد، این نیز مشخصاً از مجازات گروگان‌گیری در اصل آدمربایی ممانعت می‌نماید.

سومین اصل نیز به این اشاره می‌کند که در جزایات نمی‌شود قیاس کرد مثلاً نمی‌توان گفت چون گروگان‌گیری از لحاظ عنصر مادی مثل آدمربایی است و آدمربایی مجازات دارد، پس می‌توان در خصوص گروگان‌گیری هم آن را به کاربرد.^[۱۹]

در این میان عرف نیز جایگاه ویژه دارد در عرف عام (مردم) و در عرف خاص (حقوقدانان)، وقتی از آدمربایی صحبت می‌شود، مثل این است که جرم عادی رخ داده، جرمی که هدف آن، انتقام و انگیزه مادی است، اما در گروگان‌گیری به محض وقوع، فعل سیاسی به ذهن خطوط

می‌کند، یعنی به نظر می‌رسد گروگان‌گیری با اهداف سیاسی انجام شده است. در دایره‌المعارف حقوقی جهان هم همین‌طور تلقی شده است یعنی گروگان‌گیری به جرایم سیاسی مربوط می‌شود. پس با قبول این مطلب به ناچار باید بپذیریم که انگیزه جرایم عادی، مادی و انگیزه وداعی جرایم سیاسی شرافتمندانه است، یعنی در جرایم مادی متهم برای منفعت‌طلبی دست به جرم می‌زند و در جرایم سیاسی برای اعتلای کشور، مبارزه با ظلم، دفاع از مردم، مبارزه با استبداد و مانند این‌ها اقدام می‌کند. علاوه بر این باید توجه کرد که نحوه رسیدگی به جرایم مادی و سیاسی متفاوت است، در قانون ما نیز پذیرفته‌اند که این جرم باید در دادگاه‌ها به صورت علنی و با حضور هیئت منصفه و در محاکم عمومی دادگستری مورد رسیدگی قرار بگیرد. البته با وجود سکوت قانون در مورد گروگان‌گیری یک استثنا وجود دارد و آن این‌که، اگر این گروگان‌گیری داخل هواپیما باشد، دو قانون برای آن وجود دارد: یکی قانون مجازات اخلاک‌گران در هواپیما و خرابکاری در وسایل و تجهیزات مصوب چهارم اسفند ۱۳۲۹ و دیگری قانون الحاق رژیم طاغوتی ایران به کنوانسیون جلوگیری از اعمال غیرقانونی علیه امنیت هواپیمای کشوری مصوب هفتم خرداد ۱۳۵۲ که در این دو قانون، خرابکاری و گروگان‌گیری و ربودن هواپیما با صدمه زدن به آن‌ها مجازات دارد. ولی نکته قابل توجه این است که با وجود اینکه، این قوانین هنوز اعتبار اجرایی دارد ولی چندان به آن‌ها توجه نمی‌شود. همان قوانینی که مجازاتی شدیدتر از ماده ۶۲۱ قانون مذکور دارد و به حبس سنگین و اعدام برای گروگان‌گیران نیز اشاره می‌کند.

نکته‌ی عجیب آن است که تعریفی از گروگان‌گیری در قوانین سابق و فعلی ایران وجود ندارد لکن با توجه به پذیرش کنوانسیون بین‌المللی علیه گروگان‌گیری از سوی جمهوری اسلامی ایران و نص صریح ماده ۹ قانون مدنی که بیان می‌دارد که: «مقررات عهدی که بر طبق قانون اساسی بین دولت ایران و سایر دول منعقد شده باشد در حکم قانونی است». این جرم در

حقوق ایران نیز مورد پذیرش واقع شده است.^[۲۰]

ماده ۴-۲۲۴ قانون مجازات فرانسه نیز از نظر اعمال سیاست کیفری مطلوب، لازم است مورد توجه قرار گیرد. از یک جهت سیاست کیفری تشدید و از طرف دیگر سیاست تشویقی را تعیین نموده است. مطابق ماده ۴-۲۲۴ قانون کشور فرانسه: «اگر شخص به عنوان گروگان، برای زمینه سازی یا کمک به ارتکاب جنایت یا جنحه، یا برای کمک به فرار یا برای مصون ماندن مباشر یا معاون جنایت یا جنحه یا برای اجرای دستور یا شرط، به ویژه باج، بازداشت، ربوده، حبس یا توقیف شده باشد. جرم پیش بینی شده در ماده ۱-۲۲۴، مجازات حبس جنایی عمومی تا سی سال خواهد داشت» دو بند اول ماده ۲۳-۱۲۳ راجع به دوره تأمین، در مورد این جرم اعمال می شود. «در موارد پیش بینی شده در ماده ۲-۲۲۴، اگر شخصی که طبق شرایط تعریف شده در بند اول، گروگان گرفته شده است پیش از پایان روز هفتم از تاریخ زندانی شدنش، به طور ارادی آزاد شود، بدون آن که دستور یا شرط، اجرا شده باشد، مجازات حبس جنحه ای تا ده سال خواهد داشت» در مورد اجرای این متن، حکم دادگاه بیان می دارد که شرایط بد دستگیری گروگان، ماهیتی واقعی دارد و در نتیجه اثراش در مورد هم‌دستان و شریکان نیز وسعت می یابد.^[۲۱]

۱-۱-۴. تفکیک آدم ربایی از بزه نوزاد ربایی

ماده ۶۳۱ ق.م.ا. به جرم دزدیدن و مخفی کردن و جابه جا نمودن طفل تازه متولد شده اشاره دارد. این ماده مقرر می دارد: «هرکس طفلی را که تازه متولد شده است بدزدد یا مخفی کند یا او را به جای طفل دیگری غیر از مادر طفل قلمداد نماید به شش ماه تا سه سال حبس محکوم خواهد شد و چنانچه احراز شود که طفل مزبور مرده بوده مرتکب به یکصد هزار تا پانصد هزار ریال جزای نقدی محکوم خواهد شد.»

موضوع بزه نوزاد ربایی، طفل تازه متولد شده است یعنی همان نوزاد انسان که نام آدم بر او

صدق می‌کند. بنابراین در اینجا جرم آدم‌ربایی رخ داده است، و اگر ماده ۶۳۱ به صورت خاص بیان نمی‌شد مشمول ماده ۶۲۱ می‌بود.

با توجه به موضوع جرم، سلب آزادی تن یا عدم رضایت مجنی‌علیه به لحاظ شرایط ویژه سنی منتفی است و شاید به همین دلیل و به دلیل منتفی بودن آسیب‌های حیثیتی، مجازات نوزاد ربایی و اخفای آن اخف از آدم‌ربایی تعیین شده باشد که البته این امر مورد انتقاد حقوقدانان قرار گرفته است زیرا نوزاد به مراتب آسان‌تر، در معرض تعرض بزهکاران می‌باشد.^[۲۲] در مقام تفاوت میان دو ماده ۶۲۱ و ۶۳۱ حقوقدانان بر این عقیده می‌باشند که ماده ۶۳۱ ناظر به موردی است که شخصی طفل تازه متولد شده را می‌رباید تا خودش او را بزرگ کند اما اگر مرتکب ربودن طفل، او را به قصد اخاذی یا هر منظور سوء دیگر بر باید مشمول ماده ۶۲۱ خواهد بود. بنابراین در جرم طفل ربایی انگیزه شرط نیست.^[۲۳]

در حقوق فرانسه و بر اساس قانون مجازات عمومی قدیم، قانون‌گذار بزه نوزادربایی را از آدم‌ربایی تفکیک نموده، سیاستی شبیه وضعیت فعلی حقوق ایران که در قانون مجازات عمومی جدید قانون‌گذار اقدام به وضع مقرراتی عام در این زمینه نموده و ماده‌ی قانونی خاصی در مورد نوزادربایی وجود ندارد. از این نظر هم می‌توان به تفاوتی بین سیاست کیفری ایران و فرانسه در زمینه‌ی تفکیک این دو بزه در حقوق ایران و عدم تفکیک آن در حقوق فرانسه اشاره نمود.

۱-۱-۲. مبانی جرم انگاری

۱-۱-۲-۱. مبانی شرعی

خداوند در قرآن، انسان را بسیار تکریم کرده است و می‌فرماید «و لقد کرّمنا بنی آدم و حملناهم فی البر و البحر و رزقناهم من الطیبات و فضلناهم علی کثیر ممن خلقنا تفضیلاً».

«ما فرزندان آدم را بسیار گرامی داشتیم و آن‌ها را به مرکب دریا و خشکی سوار کردیم و از هر

غذای پاکیزه روزی دادیم وایشان را بر بسیاری از مخلوقات خود برتری و فضیلت بخشیدیم (آیه ۷۰ سوره اسراء)».

آزادی انسان در روایت ائمه معصومین (علیهم‌السلام) جزء خلقت و سرشت انسان دانسته شده است که انسان بدون آن معنا ندارد.^[۲۴]

جرم آدم‌ربایی از دیرباز وجود داشته و حقوقدانان مسلمان نیز در برخی از ابواب فقه به بیان احکام مرتبط با آدم‌ربایی پرداخته‌اند که از جمله در باب حد سرقت، ربودن انسان مورد بحث و بررسی قرار گرفته است.

بر اساس اتفاق نظر فقهای شیعه و سنی، شرط تحقق سرقت آن است که موضوع سرقت، مال باشد و انسان آزاد مال نبوده و ربودن او سرقت محسوب نمی‌شود^[۲۵] و در نتیجه نمی‌توان مجازات سرقت را در این مورد اجرا کرد و از این جهت تفاوتی نمی‌کند که فرد ربوده شده کودک یا بالغ باشد اما اگر فرد ربوده شده عبد نابالغ یا دیوانه باشد در این زمینه اختلاف نظر وجود دارد و عناوین مجرمانه انتخاب شده از سوی فقها برای آن‌ها متعدد می‌باشد. نخست: سرقت، دوم: افساد فی الارض. برخی از فقها در توجیه عنوان سرقت این گونه آورده‌اند:

«اگر کسی عبد نابالغ یا مجنون را بدزدد دستش قطع می‌شود زیرا عبد نابالغ و مجنون مال محسوب می‌شوند و امکان سرقت آن‌ها وجود دارد اما اگر کبیر و بالغ باشد دست رباینده قطع نمی‌شود زیرا سرقت آن‌ها امکان ندارد و اگر کسی با زور ایشان را برباید سرقت محسوب نمی‌شود بلکه غصب است، مگر اینکه مجنی علیه خواب باشد که در این صورت دست سارق قطع می‌شود، زیرا سرقت چنین شخصی امکان دارد».^[۲۶]

در مقابل، عده کثیری از فقها تحقق عنوان سرقت را در مورد آدم‌ربایی ممکن نمی‌دانند اما به استناد به روایات^[۲۷] مجازات سرقت را برای این جرم هم برقرار کرده‌اند و در توجیه آن به

نظریه افساد فی الارض استناد می‌جویند چراکه در تحقق محاربه صرف کشیدن اسلحه کفایت نمی‌کند بلکه علاوه بر آن ایجاد ترس و هراس و ناامنی هم لازم است؛ بنابراین از آنجاکه آدم‌ربایی عبارت است از سلب آزادی شخص یا اشخاصی و نیز جابه‌جا کردن آن‌ها که ممکن است فعل جابه‌جایی همزمان با فعل ربایش صورت بگیرد. چنان چه این نوع ربایش موجب ایجاد هراس و سلب امنیت در جامعه گردد، می‌توان بر آن شخص، اطلاق محارب و مفسد فی الارض کرد.^[۲۸]

اگر عمل مذکور از مصادیق فساد باشد لازم است مجازات چهارگانه مفسد بر آن مترتب گردد. سؤالی که در این زمینه مطرح می‌شود این است که آیا قطع ید به واسطه فساد است؟ در این زمینه میان فقها اختلاف نظر می‌باشد عده‌ای از فقها قطع ید را به واسطه افساد می‌دانند نه از باب حدود.^[۲۹]

در مقابل، گروهی از فقها نسبت به تحقق عنوان افساد فی الارض مخالفت کرده‌اند و معتقدند که: «نزدیکتر به احتیاط، ترک قطع دست و تعزیر آدم‌ربا مطابق نظر حاکم می‌باشد».^[۳۰] نکته آخر این‌که: قانون‌گذار اسلام برای تمام افعال حرام و کارهای ناشایست، مجازات تعیین نکرده است بلکه تعداد محدودی از آن‌ها را مورد حکم قرار داده و بقیه را به نحو کلی در اختیار و به عهده حاکم شرع گذاشته است که وی می‌تواند برحسب اقتضای شرایط و مصلحت جامعه، مجازات تعزیری مناسبی را برای فعل محرم مقرر دارد.

۱-۲-۱-۱. مبانی عرفی

در بحث از مبانی عرفی لازم است دو موضوع مورد مطالعه قرار گیرد: ۱. حمایت از آزادی شهروندان، ۲. حمایت از امنیت عمومی.

۱-۲-۱-۱. حمایت از آزادی شهروندان

حقوق شهروندی و نهادینه کردن آن یکی از موضوع‌های مورد توجه همگان است و طرح آن از

چند جهت حائز اهمیت می‌باشد نخست: ازدیدگاه حقوقی که همانا احیای حقوق تضييع شده‌ی شهروندان از جامعه از جمله وظایف مهم حکومت هست. دوم: از دیدگاه روان‌شناختی که احیای حقوق شهروندان تأثیر مثبتی در کاهش جرایم ناشی از مشکلات روانی دارد.^[۳۱]

مسئله حقوق شهروندی و از جمله آزادی تن که بارزترین مصداق آزادی‌های شخصی است از موضوعات مورد توجه همگان می‌باشد. در این راستا هر دولتی موظف به تأمین آزادی شهروندان و حمایت از آن می‌باشد که لازمه آن مقابله با ارتکاب جرایم می‌باشد. جرم آدم‌ربایی در زمره جرایمی است که ارتباط تنگاتنگی با آزادی مردم هر جامعه‌ای دارد و این حق را مورد تهدید جدی قرار می‌دهد، چراکه ممکن است همراه با صدمه بدنی و معنوی به قربانی جرم باشد. بیم قربانیه جرم آدم‌ربایی شدن مانع از آن می‌شود که شهروندان یک جامعه بتوانند از حق آزادی خود بهره‌مند شوند و همواره باید در پی این باشند که در دام آدم‌ربایان گرفتار نشوند. در نتیجه مقابله با آدم‌ربایی برابر است با تأمین آزادی افراد یک جامعه‌ی انسانی؛ بنابراین این حق از نگاه قانون‌گذاران به دور نمانده است و برای تأمین آن در قوانین همه کشورها از جمله ایران و فرانسه به جرم‌انگاری اعمال خلاف آزادی از جمله آدم‌ربایی پرداخته‌اند. در حقوق فرانسه، آدم‌ربایی در قسمت مربوط به جرایم علیه آزادی اشخاص ذکر گردیده است. با این تفاوت که در قانون مجازات عمومی قدیم به صورت مجزا از بازداشت و توقیف و در قانون جدید در کنار آنها ذکر شده است.

۱-۱-۲-۲-۲. حمایت از امنیت عمومی

امنیت در زمره حیاتی‌ترین هدف و بالاترین منفعت تمامی جوامع به شمار می‌آید. امنیت، برخورداری از وضعیتی ایمن و مطمئن در برابر خطرات و تهدیدها و نیز احساس امن و رهایی از اضطراب و دغدغه تعبیر می‌شود.^[۳۲] امنیت عمومی درگرو امنیت فردی می‌باشد، به این معنی که؛ تا زمانی که افراد یک جامعه احساس امنیت و آرامش نداشته باشند نمی‌توان ادعای برقرار

بودن امنیت عمومی را داشت. جرایم همواره تهدیدکنندهی امنیت افراد جامعه بشری می‌باشند. آدم‌ربایی نیز در زمره مهم‌ترین جرایمی است که خطری جدی برای امنیت عمومی تلقی می‌گردد و به تعبیری دیگر؛ آدم‌ربایی با هر هدف و مقصودی که باشد، اعم از سیاسی و جنسی و مالی و ... امنیت جامعه را هدف قرار می‌دهد؛ بنابراین دولت‌ها با وضع قوانین و مقررات مختلف در جهت مبارزه با آدم‌ربایی، سعی در برقراری امنیت جامعه خود دارند. با وجود مطالب فوق‌الذکر اهمیت جرم‌انگاری و مبنای آن برای تمامی کشورها به صورت یکسان نمی‌باشد. نگاه اجمالی به مقررات تدوین شده در زمینهی آدم‌ربایی در حقوق کیفری ایران و فرانسه نشان می‌دهد که تا چه میزان تفاوت آشکاری بین این دو کشور از نظر اهمیت به جرم‌انگاری این جرم وجود دارد. سمت و سوی کلی مقررات جزایی فرانسه چه در قانون مجازات عمومی قدیم و چه در قانون مجازات جدید و نیز تحول قانون‌گذاری در ۹ مارس ۲۰۰۴ به طرف حمایت از بزه‌دیده در بزه آدم‌ربایی است. تلاش مقنن در این کشور آن بوده تا با وضع مقررات از یک سو سرکوب‌گرانه و از یک سو ارفاقی، هر چه زودتر مرتکبین جرم، بزه‌دیده را آزاد نمایند و یا صدمه نزنند. اقدام به وضع مقررات جدید فرانسه ناظر به پذیرش معاذیر قانونی مخففه و معاف‌کننده در همین راستا می‌باشد. توضیح بیشتر در این زمینه در قسمت تحلیل سیاست کیفری ایران و فرانسه ارائه می‌شود.

۲-۱. تحولات تاریخی

از زمانی که خداوند انسان را آفرید، آزادی را جزء ذات جدایی‌ناپذیر او قرارداد و به عنوان حق طبیعی انسان شمرده و برای زایل‌کنندگان آن مجازاتی را تعیین نموده است. به‌هرروی از جهت تاریخی آدم‌ربایی سابقه دیرینه در ادیان و جوامع بشری دارد و این مسئله حتی در

قدیمی‌ترین آثار قانونی به‌مانند حمورابی به چشم می‌خورد. در مورد آدم‌ربایی تاکنون مقررات مختلفی وضع گردیده است قانون‌گذار سعی کرده است در زمان‌های مختلف برای مبارزه با این پدیده شنیع، مقرراتی را وضع نماید.

این مبحث به دو گفتار تقسیم می‌شود، گفتار نخست تحولات تاریخی در حقوق ایران و گفتار دوم در حقوق فرانسه می‌باشد.

۱-۲-۱. حقوق ایران

مشروح این گفتار در دو قسمت الف و ب به شرح زیر می‌باشد.

۱-۲-۱-۱. در دوران قبل از انقلاب

برای اولین بار در حقوق کیفری ایران مواد ۱۹۵، ۱۹۶، ۲۰۲، ۲۰۳، ۲۰۹ قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴ به ترتیب، به ربودن طفل تازه متولدشده و طفل دارای سن حداقل کم‌تر از ۱۶ سال تمام و نیز ربودن پسر یا دختر بیش از ۱۵ سال و کم‌تر از ۲۰ سال را جرم تلقی و برای آن مجازات تعیین نموده بود.

ماده ۲۰۹ نیز برای افرادی که به عنف، تهدید و یا حيله کسی را برای عمل منافی عفت یا برای وادار کردن او به این عمل و نیز برای ازدواج براباید یا مخفی کند حسب مورد حبس جنایی و یا حبس جنحه ای تعیین کرده بود.

در سال ۱۳۳۵ ماده واحده طرح قانونی مربوط به تشدید مجازات رانندگان متخلف به تصویب رسید. در گذشته این قانون به عنوان یک قانون خاص در کنار مقررات آدم‌ربایی وجود داشت و مورد عمل قرار می‌گرفت اما در حال حاضر آدم‌ربایی با وسیله نقلیه در ماده ۶۲۱ قانون مجازات اسلامی پیش‌بینی شده و لذا قانون مزبور منسوخ می‌باشد.

در سال ۱۳۵۳ با لغو مواد ۲۰۲، و ۲۰۳ ق. م. ع. قانون تشدید مجازات ربایندگان اشخاص وضع

شد و به موجب ماده ۱۲ این قانون مقررات مواد ۲۰۲ و ۲۰۳ ق.م.ع. لغو گردید. اداره حقوقی قوه قضاییه نیز در نظریه ۱۳۷۶/۵/۱۴-۷/۱۲۰۸ آورده است «با توجه به قانون مجازات اسلامی که نتایج و آثار ناشی از ربودن اشخاص، مثل صدمات پیش‌بینی‌شده در قانون تشدید مجازات ربایندگان اشخاص و یا جرایم دیگر مثل لواط و هتک ناموس و غیره مشمول و مؤخر ق.م.ا. است و باتوجه به این‌که ماده ۶۲۱ قانون اخیر التصویب باکلیتی که دارد بالأخص قسمت اخیر آن، که مواد مذکور در قانون تشدید مجازات ربایندگان اشخاص را دربرمی‌گیرد، قانون تشدید مجازات ربایندگان اشخاص مصوب ۱۳۵۳/۱۲/۱۸ منسوخ است. ماده ۶۲۱ ق.م.ا. در خصوص مجازات اشد است.»

۱-۲-۲-۱. در دوران پس از انقلاب

تحولات تاریخی مربوط به جرم آدم‌ربایی در دوران پس از انقلاب به این شرح می‌باشد:

الف) ماده ۹۷ ق.م.ا. بخش تعزیرات مصوب سال ۱۳۶۲ ربودن طفل تازه متولد شده را جرم شناخت و برای آن مجازات تعیین می‌کرد لکن این قانون در مورد سایر موارد آدم‌ربایی کاملاً ساکت بوده و محاکم با در نظر گرفتن موازین شرعی و قانونی به قوانین موضوعه سابق در این زمینه مراجعه و استناد می‌کردند.

ب) قانون تشدید مقابله با اقدامات تروریستی دولت آمریکا مصوب ۱۳۶۸ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید. طبق ماده واحده مذکور رییس جمهور موظف شده است به منظور مقابله به‌مثل در برابر اقدامات آمریکا جهت دستگیری و مجازات آمریکایی‌ها و عوامل آن، که در محاکم قضایی ایران محکوم شده‌اند، اقدامات لازم را معمول دارند.

ج) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ که مواد ۶۲۱ و ۶۳۱ آن، مقررات عام و کلی مربوط به جرم آدم‌ربایی و ربودن طفل تازه متولدشده را بیان نموده است.

در ماده ۶۲۱، قانون‌گذار اشاره به این موضوع کرده است که هرکس به قصد مطالبه وجه یا مال و یا به قصد انتقام و یا به هر منظور دیگری به عنف یا تهدید یا حيله و یا به هر نحو دیگری شخصاً یا توسط دیگری شخصی را برباید و یا مخفی کند به حبس ۵ تا ۱۵ سال محکوم خواهد شد، در صورتی که سن مجنی علیه کمتر از ۱۵ سال تمام باشد یا ربودن توسط وسایل نقلیه انجام پذیرد و یا به مجنی علیه آسیب جسمی یا حیثیتی وارد شد مرتکب به حداکثر مجازات تعیین شده محکوم خواهد شد. و در صورت ارتکاب جرایم دیگر به مجازات آن جرم نیز محکوم می‌گردد و تبصره همان ماده مجازات شروع به ربودن را ۳ تا ۵ سال حبس تعیین نموده است.

۱-۲-۲. در حقوق فرانسه

در حقوق فرانسه تحولات سه‌گانه‌ای در زمینه‌ی بزه‌ی آدم‌ربایی مشاهده می‌شود.

نخست قانون مجازات عمومی پیشین که مواد قانونی متعددی را از ماده‌ی ۳۴۱ تا ۳۴۴ به بزه‌ی آدم‌ربایی در کنار بزه بازداشت و توقیف و حبس غیر قانونی اختصاص داد. به طور کلی یکی از تفاوت‌های سیاست کیفری ایران و فرانسه در این زمینه، به همین موضوع از نظر شکلی نیز مربوط می‌باشد. در حقوق فرانسه همواره ۳ جرم آدم‌ربایی، بازداشت و توقیف یا حبس غیر قانونی در کنار هم ذکر شده‌اند، لیکن در حقوق ایران به صورت مجزا و منفک از یکدیگر بوده‌اند. در هر حال، قانون‌گذار فرانسوی ۴ ماده را که مربوط به تعیین وصف مجرمانه و تعیین ضمانت اجراهای ساده و مشدده بود را در قالب مواد قانونی فوق‌الذکر بیان نمود. مقایسه‌ی مواد قانونی قدیم با مواد لازم‌الاجرای فعلی در زمینه‌ی آدم‌ربایی و نیز توقیف و بازداشت نشان می‌دهد که تا چه میزان مقررات جزایی فرانسه کامل و جامع شده است. بدون تردید این تغییرات - که در قسمت رکن قانونی به صورت کامل تشریح خواهد شد - تحت تأثیر ظهور مکاتب مختلف کیفری جدید نیز بوده است.

مرحله‌ی دوم قانون‌گذاری فرانسه در این زمینه مربوط به قانون ۹ مارس ۲۰۰۴ می‌باشد که طی آن قانون‌گذار تحقق بزه آدم‌ربایی را از طریق باند سازمان یافته به عنوان یکی از کیفیات مشدده‌ی جدید مطرح ساخت (موضوع ماده‌ی ۲-۵-۲۲۴).^[۳۳]

علاوه بر این، قانون‌گذار با وضع و تدوین ماده‌ی ۱-۵-۲۲۴، عذر قانونی معاف‌کننده‌ای را برای مباشر جرم مطرح ساخت که تا پیش از آن در حقوق فرانسه وجود نداشت. بر اساس ماده‌ی فوق‌الذکر هر گاه شخصی که شروع به ارتکاب جنایت‌های پیش‌بینی شده در این فصل کرده را با اطلاع به مقام اداری یا قضایی، موجب جلوگیری از ارتکاب جرم و احیاناً شناسایی دیگر مباشران یا معاونان شود، از مجازات معاف می‌گردد. البته ماده‌ی فوق‌الذکر قسمت دومی نیز دارد، که در قسمت رکن قانونی فرانسه تشریح می‌گردد.

مرحله‌ی سوم در مورد تحولات ناظر بر بزه آدم‌ربایی در حقوق فرانسه مرتبط با رویکردهای جدید قانون مجازات ۱۹۹۴ در این زمینه است که قانون‌گذار، مواد قانونی از ماده‌ی ۱-۲۲۴ تا ۲-۵-۲۲۴ را به آن اختصاص داد.

۱-۳-۳. ارکان مجرمانه

ارکان متشکله جرم آدم‌ربایی عبارت است از رکن قانونی، رکن مادی و رکن روانی. که در این مبحث طی سه گفتار به آن پرداخته خواهد شد.

۱-۳-۱. رکن قانونی

یکی از مهم‌ترین اصول از حقوق جزا اصل قانونی بودن جرم و مجازات است. به این معنی که تا زمانی که قانون‌گذار عملی را جرم ندانسته و برای آن مجازات تعیین نکرده باشد، انجام آن عمل

مانعی ندارد.^[۳۴]

۱-۱-۳-۱. در حقوق ایران

جرم آدمربایی از آن دسته اعمالی است که قانون‌گذار به‌صراحت انجام آن را جرم‌انگاری کرده است به‌این‌ترتیب که جرم آدمربایی یا دزدیدن دیگری ابتدا در مواد ۲۰۲ و ۲۰۳ قانون مجازات عمومی سابق مصوب ۱۳۰۴ مطرح گردید و به دنبال آن ماده واحده طرح قانونی مربوط به تشدید مجازات رانندگان متخلف در سال ۱۳۳۵ به تصویب رسید. در سال ۱۳۵۳ با لغو مواد ۲۰۲ و ۲۰۳ قانون مجازات عمومی، قانون تشدید مجازات ربایندگان اشخاص وضع شد؛ که به‌موجب ماده ۱۲ این قانون مقررات مواد ۲۰۲ و ۲۰۳ قانون مجازات عمومی لغو شد و در حال حاضر با تصویب ماده ۶۲۱ ق.م.ا. که اعلام می‌دارد: «هر کس به‌قصد مطالبه وجه یا مال یا به قصد انتقام یا به هر منظور دیگری به‌عنف یا تهدید یا حيله یا به هر نحو دیگری شخصاً یا توسط دیگری شخصی را برباید یا مخفی کند به حبس از ۵ تا ۱۵ سال محکوم خواهد شد. در صورتی که سن مجنی علیه کمتر از ۱۵ سال تمام باشد یا ربودن توسط وسیله نقلیه انجام پذیرد یا به مجنی علیه آسیب جسمی یا حیثیتی وارد شود مرتکب به حداکثر مجازات تعیین‌شده محکوم خواهد شد و در صورت ارتکاب جرایم دیگر به مجازات آن جرم نیز محکوم می‌گردد.» به جرم‌انگاری این بزه در حقوق ایران پرداخته شده است.

۱-۱-۳-۱. اصول حاکم بر سیاست کیفری

در رابطه با اصولی که بر سیاست کیفری ایران در مورد بزه آدمربایی حاکم است می‌توان به‌صراحت بیان کرد که قانون‌گذار تدبیر و سیاست‌های مختلف در این باره داشته و هدفش بر این بوده است که از گذشته تا به امروز به نوعی از افراد جامعه‌اش و امنیت آن‌ها و نظم جامعه حمایت کافی به عمل آورد.

سیاست کیفری ایران در قبال بزه آدم‌ربایی را از زمان تصویب قانون ۱۳۰۴ تاکنون، می‌توان این‌گونه بیان کرد:

الف) حمایت از طفل کمتر از ۱۵ سال: که این افراد به دلیل کم سن و سال بودن و عدم توانایی لازم در برخورد با زور و اجبار فرد آدم‌ربا مورد حمایت قرار گرفته است که قانون‌گذار مجازات آنان را تا حداکثر ۱۵ سال قرار داده است.

ب) حمایت از طفل تازه متولدشده: این نوزادان در بدو تولد باید مورد حمایت والدین خود قرار گیرند و چون چهره آنان به‌سادگی قابل تشخیص برای افراد نیست به‌آسانی می‌توان آنان را جابه‌جا کرد؛ بنابراین کسانی که طفل را پیدا می‌کند، باید به تکلیف قانونی خود عمل کنند و الا به جرم ترک فعل محکوم می‌شوند و می‌توان مرتکب را با توجه به قانون مجازات خودداری از کمک به مصدومین و رفع خطرات جانی مصوب ۱۳۵۴ به مجازات حبس تا یک سال و یا جزای نقدی تا ۵۰۰۰۰ ریال محکوم کرد.

ج) حمایت از اشخاصی مورد آسیب و صدمه جسمی و حیثیتی. قانون‌گذار با وضع ماده ۶۲۱ قانون مجازات اسلامی با تعیین کردن مجازات حداکثر ۱۵ سال حبس خواسته است از این افراد در برابر هجوم ناحق افراد آدم‌ربا حمایت کند. بنابراین باید گفت که قانون‌گذار برای آدم‌ربایان و واکنش‌های آنان جرم سنگین و درعین حال مشدد در نظر گرفته است تا تدابیری باشد برای جلوگیری از بزه آدم‌ربایی.^[۳۵]

۱-۳-۱-۲. تحلیل‌ها و ارزیابی‌ها

در راستای ارزیابی ماده ۶۲۱ ق.م.ا. باید به بررسی و تطبیق این ماده قانونی با قوانین پیش از آن پرداخت تا بتوان قضاوتی منصفانه از این ماده قانونی به عمل آورد:

الف) ماده ۶۲۱ با ذکر عبارت «به هر منظور دیگری» آدمربایی را به هر منظور دیگری جرم دانسته و قابل مجازات می‌داند، بنابراین این ماده مقررات ماده ۲۰۹ ق. م. ع. سابق که آدمربایی به منظور عمل منافی عفت و یا وادار کردن به عمل مزبور یا به منظور ازدواج را جرم تلقی نموده بود و نیز مقررات ماده ۱ قانون تشدید مجازات ربایندگان اشخاص که آدمربایی به هر منظور سوء دیگر را جرم پیش‌بینی کرده بود را نسخ ضمنی کرده است.

ب) عبارت «ربودن توسط وسایل نقلیه» در «ماده ۶۲۱» نسخ ماده واحده قانون تشدید مجازات ربایندگان متخلف است. این ماده در مورد رانندگانی بود که شخصاً یا با شرکت دیگری مرتکب ربودن شخص یا اشخاص موجود در آن وسیله می‌شوند.

ج) در رابطه با نسخ ماده ۲ قانون تشدید مجازات ربایندگان اشخاص، میان حقوقدانان اختلاف نظر می‌باشد؛^[۳۶] برخی بر این عقیده می‌باشند که در خصوص فوت، ماده ۲ قانون تشدید منسوخ است اما برخی دیگر نسخ ماده ۲، توسط ماده ۶۲۱ را دارای ابهام جدی می‌دانند، چراکه ماده ۶۲۱ اشاره‌ای به ناپدید شدن مجنی علیه ندارد و همچنین مجازات ایراد صدمات مذکور در ماده ۲ به موجب مقررات ق.م.ا. هرگز اعدام و قصاص نیست؛ بنابراین ماده ۲ به صورت خاص آن را بیان کرده است و دلیلی بر نسخ آن وجود ندارد.^[۳۷]

د) در ماده ۳ قانون تشدید مجازات ربایندگان اشخاص، به جرم لواط یا هتک ناموس توأم با آدمربایی اشاره شده که به لحاظ عبارت «در صورت ارتکاب جرم مذکور در ماده ۶۲۱» منسوخ است.

ه) در مواد ۴ و ۵ قانون تشدید مجازات ربایندگان اشخاص، سه نوع صدمه احصا شده که عبارت‌اند از جسمی و حیثیتی و روانی، درحالی‌که در ماده ۶۲۱ تنها به صدمه جسمی و حیثیتی اشاره شده. مواد ۴ و ۵ مذکور در قسمت صدمه جنسی و حیثیتی منسوخ و در قسمت روانی به اعتبار خود باقی است.

و) از آنجاکه ماده ۶۲۱ حکم خاص در مورد ناپدید شدن مجنی علیه در اثر آدم‌ربایی ندارد، مقررات ۴ و ۶ قانون تشدید مجازات ربایندگان اشخاص در این زمینه نسخ نشده‌اند.

ز) ماده ۶۲۱ ارتکاب آدم‌ربایی توسط دیگری را پیش‌بینی کرده است؛ بنابراین موضوع ماده ۷ قانون تشدید مجازات ربایندگان اشخاص منتفی است.

م) در خصوص ماده ۸ اختلاف نظر وجود دارد از طرفی می‌توان گفت که ماده ۸ در مواردی که به قانون تشدید مجازات عمل می‌شود قابل‌اعمال است؛ اما در خصوص مجازات قصاص یا دیه یا تعزیرات نمی‌توان به آن عمل کرد، بلکه باید مقررات عمومی جرایم فوق را اعمال نمود؛ بنابراین اگر صدمه به مجنی علیه منجر به مرض دائم شود و مرتکب، مجنی علیه را تحویل ضابطان دادگستری دهد و دادگاه بخواهد بر اساس ماده ۲ قانون تشدید مجازات حکم بدهد می‌تواند مجازات را به مقدار پیش‌بینی‌شده در این ماده تخفیف دهد. از طرفی دیگر ممکن است گفته شود که تخفیف مجازات جرم آدم‌ربایی تابع مقررات خاص ماده ۸ می‌باشد بنابراین عموم مقررات ماده ۳۸ ق.م.ا. را تخصیص می‌زند.

ن) مواد ۹، ۱۱، ۱۰ قانون تشدید در حال حاضر کاربردی ندارند و در عداد مواد منسوخ قرار گرفته‌اند.^[۳۸]

اکنون با ذکر مواد قانونی لازم‌الاجرا در حقوق کیفری ایران می‌توان چنین ارزیابی نمود که سیاست کیفری ایران در زمینه‌ی بزه آدم‌ربایی بسیار ابتدایی و فاقد جامعیت کافی بوده است. درست است که قانون‌گذار با پیش‌بینی حالات مشدده شامل آدم‌ربایی اطفال زیر ۱۵ سال، ایراد صدمه به بزه‌دیده آدم‌ربایی و نیز ارتکاب آدم‌ربایی از طریق وسایل نقلیه تا حدودی سیاست کیفری حمایتی خود را از بزه‌دیده اعلام نموده است، لیکن مقنن می‌توانست با تدوین مقررات کامل‌تری در این زمینه، حمایت جامع‌تری را از بزه‌دیده انجام دهد. سیاست کیفری ایران به نظر نگارنده دارای ایراد می‌باشد. نخست آن که برای قانون‌گذار جایگاه و شخصیت مرتکبین

هیچ تفاوتی نمی‌کند. با توجه به آن که ارتکاب این جرم از سوی مقامات مرتبط با دستگاه عدالت کیفری راحت‌تر است، شایسته بود قانون‌گذار مقررات جداگانه‌ای را برای ارتکاب این جرایم توسط مقامات اداری و انتظامی پیش‌بینی می‌کرد. علاوه بر این امروزه بسیاری از جرایم این چنینی نسبت به انسان‌های دارای شخصیت اجتماعی و یا وضعیت اقتصادی به صورت گروهی و سازمان یافته انجام می‌شود که قانون‌گذار می‌توانست به مانند حقوق فرانسه، این وضعیت (ارتکاب آدم‌ربایی از طریق باند سازمان یافته) را در زمره‌ی حالات مشدده قرار دهد. از طرف دیگر در جهت تشویق مرتکبین آدم‌ربایی اقدامات ارفاقی را به مانند جرایم ارتشاء و جعل پیش‌بینی نکرده است. پیشنهاد می‌شود قانونگذار با پذیرش معاذیر قانونی معاف‌کننده و مخففه از این جهت به حمایت از بزه‌دیده جرم آدم‌ربایی اقدام نماید. تشریح رکن قانونی آدم‌ربایی در حقوق فرانسه به ویژه پس از اصلاحات سال‌های ۱۹۹۴ و نیز ۲۰۰۴ می‌تواند نمونه‌ای در این زمینه برای قانون‌گذار در حقوق ایران باشد تا بر تکمیل مقررات خود اقدام نماید. با توجه به مطالب فوق، مواد ذیل در ادامه تشریح می‌شود.

۱. عدم حمایت کامل از بزه‌دیده

سیاست کیفری ایران در زمینه‌ی بزه آدم‌ربایی زمانی نقایص و ایرادات خود را نشان می‌دهد که با مقررات ناظر بر سیاست کیفری کشور دیگری مقایسه شود. برای مثال در حقوق کیفری فرانسه جهت تشویق مرتکبین بزه آدم‌ربایی، زمان‌هایی تعیین شده تا آنها بزه‌دیده را آزاد نموده و از تخفیف‌ها و معافیت‌های قانونی بهره‌مند گردند. در حالی که چنین مقرراتی در حقوق کیفری ایران مشاهده نمی‌شود. به طور کلی طراحی اقدامات ارفاقی معاف‌کننده و مخففه در قانون مجازات جدید فرانسه در سال ۱۹۹۴ بر همین مبنا صورت گرفته است. در مقام تشریح رکن قانونی آدم‌ربایی در حقوق فرانسه جلوه‌های دیگری از حمایت مقنن فرانسوی از بزه‌دیده این جرم تشریح خواهد شد. قانون‌گذار ایران نیز می‌توانست از این تغییرات و رویکردها استقبال

نماید.

سیاست کیفری ایران در زمینه‌ی برخی از جرایم مهم مانند جعل، قلب سکه و ارتشاء به پذیرش معاذیر قانونی معاف کننده و مخففه اقدام نموده است. پذیرش این اقدامات ارفاقی در راستای تسهیل کشف جرم، دستگیری مرتکبین و نیز حمایت از بزه‌دیدگان جرایم مربوطه می‌باشد. با این وجود در برخی از جرایم مهم دیگر چنین اقداماتی را مورد پذیرش قرار نداده است. پیشنهاد می‌گردد که قانون‌گذار وجود این نهادهای ارفاقی را در راستای حمایت از نظم عمومی جامعه و نیز فرد بوده شده مورد پذیرش قرار دهد.

۲. عدم جامعیت حالات مشدده آدم‌ربایی

با توجه به این که مرتکبین بزه آدم‌ربایی به هدف دستیابی به منافع مالی، سیاسی و یا مانند آن دست به ارتکاب این جرم می‌زنند، و از طرف دیگر غالب حالات ارتکاب یافته این جرم به صورت سازمان یافته و به صورت گروهی می‌باشد در بسیاری از کشورها به مانند فرانسه، سازمان یافته بودن ارتکاب این جرم موجب تشدید مجازات مرتکبین می‌شود. فقدان چنین سیاست کیفری در حقوق ایران مشاهده می‌شود.

۱-۳-۲. در حقوق فرانسه

در حقوق کیفری فرانسه مقررات لازم‌الاجرا بر بزه آدم‌ربایی از یک سو مواد ۱-۲۲۴، ۲-۲۲۴، ۳-۲۲۴، ۴-۲۲۴ و ۵-۲۲۴ می‌باشند که در سال ۱۹۹۴ در حقوق کیفری این کشور لازم‌الاجرا شد و از سوی دیگر مواد ۱-۲۲۴-۵ و ۲-۲۲۴-۵ می‌باشد که از تاریخ ۹ مارس ۲۰۰۴ به مقررات پیشین ملحق گردید.

مقایسه‌ی مقررات ناظر بر این جرم در قانون مجازات قدیم و جدید، به خوبی نشان می‌دهد که تا چه میزان مقررات ناظر بر این جرم در سال‌های ۱۹۹۴ و ۲۰۰۴ دچار تغییر شده است. در

قانون مجازات عمومی پیشین، قانون‌گذار فرانسوی در مواد ۳۴۱ تا ۳۴۴ به تبیین رکن قانونی این جرم پرداخته بود. در ماده ۳۴۱ با تکیه بر معیار زمان سپری شده از ربایش بزه‌دیده‌ی آدم‌ربایی به تعیین ضمانت اجرای آدم‌ربایی پرداخته بود، رویکردی که در قانون مجازات جدید فرانسه تا حدودی دچار تغییر شد. در ماده‌ی ۳۴۱ قانون‌گذار بیان می‌کرد که در صورتی که زمان ربایش فرد از یک ماه طولانی‌تر شد، مجازات مرتکبین، حبس ابد و در صورتی که زمان مربوطه کمتر از یک ماه باشد، مجازات حبس جنایی ۱۰ تا ۲۰ سال و در صورتی که کمتر از ۵ روز باشد مجازات مربوطه ۲ تا ۵ سال خواهد بود. در قانون مجازات جدید فرانسه (۱-۲۲۴) قانون‌گذار ضمانت اجرای اولیه را به طور کلی تا ۲۰ سال حبس جنایی تعیین نموده که البته در مواردی مجازات مرتکبین تشدید و در حالاتی تقلیل می‌یابد. در ماده‌ی ۳۴۲ قانون مجازات قدیم، قانون‌گذار فرانسوی اقدام به جرم‌انگاری معاونت به صورت مستقل نموده بود، و مجازات مشابه مباشر برای کسانی که زمینه‌ی ارتکاب جرم را تسهیل می‌کنند، تعیین نمود. در ماده‌ی ۳۴۳ قانون مجازات قدیم فرانسه، قانون‌گذار حالت مشدده‌ای را تعیین کرده بود. بر اساس آن، در صورتی که اقدام به آدم‌ربایی جهت تسهیل جرم دیگری یا جهت عدم کشف جرم دیگری صورت بگیرد، مجازات به حبس ابد تبدیل می‌شود. علاوه بر این، ماده‌ی ۳۴۴ همان قانون، ۲ حالت دیگر را برای تبدیل شدن مجازات عادی آدم‌ربایی (تا ۲۰ سال حبس جنایی) به حبس ابد معین کرده بود. نخست زمانی که تحقق بزه آدم‌ربایی، توقیف و بازداشت به کمک جعل سند یا اقدام متقلبانه‌ای صورت گیرد، و در حالت دوم زمانی که بزه‌دیده جرم تهدید به مرگ و یا شکنجه شده باشد.

ارزیابی سیاست کیفری فرانسه در قانون مجازات قدیم نشان می‌دهد که قانون‌گذار با رویکرد حمایتی از بزه‌دیده اقدام به جرم‌انگاری بزه آدم‌ربایی نموده و سمت و سوی کلی مقررات حالت سرکوب‌گرانه پیدا نموده است. در قانون مجازات جدید فرانسه مصوب ۱۹۹۴ و نیز قانون الحاقی

۹ مارس ۲۰۰۴، به نظر می‌رسد قانون‌گذار به دنبال سیاست‌های کیفری ذیل بوده است:

۱. اتخاذ رویکرد حمایتی جامع از بزه‌دیده

قانونگذار به جهت حمایت از بزه‌دیده آدم‌ربایی چند نوع اقدام را انجام داده است. نخست آن که مجازات مباشر را به موضوع آزادی فرد ربوده شده مرتبط دانسته است. در قانون قدیم فرانسه، ۳ حالت در این زمینه پیش‌بینی شده بود که در مبحث قبلی تشریح شد. در قانون مجازات جدید نیز، قانون‌گذار از یک سو به تعیین ضمانت اجرای کلی (تا ۳۰ سال حبس جنایی) اقدام نموده و از سوی دیگر، در ماده‌ی ۱-۲۲۴ تصریح نموده که این مجازات می‌تواند به ۵ سال حبس جنحه‌ای تقلیل یابد. ماده‌ی ۱-۲۲۴ در این زمینه مقرر می‌دارد: «بازداشت، آدم‌ربایی، حبس یا توقیف اجباری شخص، بدون دستور مقام‌های صالح و خارج از موارد پیش‌بینی شده در قانون، مجازات حبس جنایی عمومی تا بیست سال خواهد داشت. با وجود این، جز در موارد پیش‌بینی شده در ماده‌ی ۲-۲۲۴ اگر شخصی که حبس یا توقیف شده، به طور ارادی پیش از پایان هفتمین روز از تاریخ زندانی شدنش آزاد شود مجازات حبس جنحه‌ای تا پنج سال و جزای نقدی تا ۷۵۰۰۰ یورو خواهد داشت.»

در قانون مجازات جدید نسبت به ماده‌ی ۳۴۱ ق.م. قدیم، دو تغییر مشاهده می‌شود. نخست آن که در صورت آزادی فرد در هفتمین روز، مجازات بسیار کاهش می‌یابد. دوم آن که در کنار حبس، قانون‌گذار به مانند سایر جرایم به تعیین مجازات نقدی نیز متمایل شده است.

اقدام دیگر قانون‌گذار در جهت حمایت از بزه‌دیده، تشدید مجازات در صورت ایجاد نقص عضو یا معلولیت در بزه‌دیده می‌باشد. ماده‌ی ۲-۲۲۴ در این زمینه مقرر کرده است: «اگر بزه‌دیده دچار نقص عضو یا معلولیت دائمی باشد که عمداً یا به علت شرایط نگهداری، از غذا یا مراقبت محروم شده باشد مجازات جرم پیش‌بینی شده در ماده ۱-۲۲۴، حبس جنایی عمومی تا سی سال خواهد بود. اگر پیش از این جرم یا همراه با آن، شکنجه یا اعمال وحشیانه‌ای ارتکاب یابد

یا منجر به مرگ بزه دیده شود، مجازات آن، حبس جنایی عمومی تا ابد خواهد بود. با وجود این، جز در موارد پیش‌بینی شده در ماده‌ی ۲-۲۲۴ اگر شخصی که حبس یا توقیف شده، به طور ارادی، پیش از پایان هفتمین روز از تاریخ زندانی شدنش آزاد شود مجازات حبس جنح‌های تا پنج سال و جزای نقدی تا ۷۵/۰۰۰ یورو خواهد داشت.»

۲. جرم‌انگاری مشدده سازمان یافتگی جرم

از جمله نوآوری‌های قانون‌گذار فرانسه بر اساس قانون الحاقی ۹ مارس ۲۰۰۴، همانا جرم‌انگاری مشدده بزه آدم‌ربایی در صورت ارتکاب آن به صورت سازمان یافته می‌باشد. در این رابطه مواد ۱-۵-۲۲۴ و ۲-۵-۲۲۴ مقرر می‌دارد: «... باوجود این، جز در موارد پیش‌بینی شده در ماده‌ی ۲-۲۲۴ اگر شخصی که حبس یا توقیف شده، به طور ارادی، پیش از پایان هفتمین روز از تاریخ زندانی شدنش آزاد شود، مجازات حبس جنح‌های تا پنج سال و جزای نقدی تا ۷۵/۰۰۰ یورو خواهد داشت.»

۳. پذیرش نهادهای ارفاقی معاف‌کننده و مخففه

از جمله تغییرات مهم و اساسی که قانون مجازات جدید فرانسه در سال ۱۹۹۴ انجام داده است، پذیرش نهادها و اقدامات ارفاقی معاف‌کننده و مخففه برای مرتکبین بزه آدم‌ربایی است. پذیرش این تغییرات در راستای حمایت از بزه‌دیده و حفظ تمامیت جسمانی و نیز آزادی تن وی بوده است. در این راستا، قسمت دوم ماده‌ی ۱-۵-۲۲۴ مقرر می‌دارد: «اگر شخصی که شروع به جنایت‌های پیش‌بینی شده در این فصل کرده است، با اطلاع به مقام اداری یا قضایی، موجب جلوگیری از ارتکاب جرم و احیاناً شناسایی دیگر مباشران یا معاونان شود از مجازات معاف می‌شود.»

اگر مباشر یا معاون یکی از جنایت‌های پیش‌بینی شده در این فصل، با اطلاع به مقام اداری یا

قضایی، موجب جلوگیری از ادامه جرم شده یا مانع از آن شده باشد که جرم به مرگ یا معلولیت دائم انسان بینجامد و احیاناً موجب شناسایی دیگر مباشران یا معاونان شده باشد مجازات سالب آزادی وی به نصف کاهش پیدا می‌کند. اگر مجازات، حبس جنایی عمومی تا ابد باشد به حبس جنایی عمومی تا بیست سال کاهش می‌یابد.

ماده ۲-۵-۲۲۴: «اگر جرایم پیش‌بینی شده در بند اول ماده‌ی ۱-۲۲۴ و مواد ۲-۲۲۴ تا ۵-۲۲۴ در باند سازمان یافته ارتکاب یابد مجازات‌ها به جزای نقدی تا ۱/۰۰۰/۰۰۰ یورو به این ترتیب افزایش می‌یابد:

۱. اگر مجازات جرم، حبس جنایی عمومی تا بیست سال باشد به حبس جنایی عمومی تا سی سال افزایش می‌یابد.

۲. اگر مجازات، حبس جنایی عمومی تا سی سال باشد، به حبس جنایی عمومی تا ابد افزایش می‌یابد.

رکن قانونی این جرم در کشور فرانسه ماده ۱-۲۲۴ می‌باشد. این ماده محتوای بخش اول فصل چهارم، عنوان دوم جلد ۲ قوانین جزایی با نام «ربایش و حبس غیرقانونی» می‌باشد. مطابق این ماده: «بازداشت، آدم‌ربایی، حبس یا توقیف اجباری شخص، بدون دستور مقام‌های صالح و خارج از موارد پیش‌بینی‌شده در قانون، مجازات حبس جنایی عمومی تا بیست سال خواهد داشت»
دو بند اول ماده ۲۳-۱۳۲ راجع به دوره تأمین در مورد این جرم، اعمال می‌شود. باین‌وجود، جز در موارد پیش‌بینی‌شده در ماده ۲-۲۲۴ اگر شخصی که حبس یا توقیف‌شده، به طور ارادی، پیش از پایان هفتمین روز از تاریخ زندانی شدنش آزاد شود مجازات حبس جنحه ای تا پنج سال و جزای نقدی تا ۷۵۰۰۰ یورو خواهد داشت.

۱-۳-۲. رکن مادی

یکی از ارکان تشکیل دهنده‌ی عمومی جرم، رکن مادی است، بدون تردید این رکن در کنار دو رکن دیگر معنا پیدا می‌کند. در واقع، اگر عنصر مادی جرم نباشد جرمی تحقق نمی‌یابد. در رکن مادی ابتدا باید جرم فعلیت یابد، وجود خارجی پیدا کند و صرف تصور وارد، که فعلیت نیافته و یا تهیه مقدمات ارتکاب آن، جرم محسوب نمی‌شود. هم‌چنین مجرم باید مبادرت به فعل یا ترک فعلی کند که ملموس، محسوس و عینی بوده و در قانون عنوان مجرمانه داشته باشد.^[۳۹]

در این گفتار سعی بر این است که رفتار مرتکب (الف)، موضوع جرم (ب)، وسیله ارتکاب جرم (ج)، نتیجه مجرمانه (د)، رابطه سببیت (ه)، شروع به آدم‌ربایی (و)، مورد بحث و بررسی قرار گیرد.

۱-۳-۲-۱. رفتار مرتکب

جرایم یا با فعل محقق می‌شوند و یا با ترک فعل، جرم آدم‌ربایی در زمره جرایمی است که به صورت فعل واقع می‌شود.

رفتار فیزیکی لازم برای تحقق این جرم «ربودن» است. همان‌طوری که ربودن مال مستلزم نقل مکان کردن مال دیگری بدون رضایت وی می‌باشد، برای تحقق جرم آدم‌ربایی نیز، برخلاف جرم حبس کردن غیرقانونی باید شخص دیگری بدون رضایت خودش چه به طور پنهانی و چه به صورت علنی جابه‌جا شود.^[۴۰]

این بخش به دو قسمت تقسیم می‌شود ۱- لزوم فعل مثبت ۲-تحلیل مفهوم ربودن که هر کدام را در جایگاه خود بررسی خواهیم کرد.

۱-۳-۲-۱-۱. لزوم فعل مثبت

رفتار مرتکب در جرم آدم‌ربایی فعل مادی و خارجی است همان‌طور که در ماده ۶۲۱ ق. م. ا. مصوب ۱۳۷۵ آمده می‌توان گفت عنصر مادی جرم آدم‌ربایی، عبارت است از ارتکاب فعل و رفتار

مادی فیزیکی (فعل + خارجی) مبنی بر ربودن شخص به قصد مطالبه وجه یا مال از وی یا به قصد انتقام یا به هر منظور دیگری مثل سرقت و ربودن مال، پول، طلا و جواهرات همراه وی که به این دلیل ممکن است به عنف یا تهدید یا حيله یا به هر نحو دیگری صورت گیرد و نیز ممکن است رباینده شخصاً اقدام به ربایش دیگری کرده باشد یا توسط دیگری مرتکب این عمل شده و علاوه بر این، عمل ربایش انسان ممکن است توسط وسایل نقلیه انجام پذیرد یا به مجنی علیه آسیب جسمی یا حیثیتی وارد شود که در این صورت، به حداکثر مجازات تعیین شده محکوم خواهد شد و همگی این مسایل بیانگر فعل مادی مثبت هستند، جرم مذکور با ترک فعل محقق نمی‌شود و باید حتماً فعل مادی باشد، مانند ربودن که مستلزم استیلا یافتن بر انسان و نقل مکان او از محلی به محل دیگری است اما این طریق ربودن که در بالا ذکر شد چه با عنف یا تهدید یا حيله باشد، فرقی ندارد و همگی جنبه تمثیلی دارند، چون در قسمت‌های دیگر ماده بیهوش کردن متهمی و غیره را نیز شامل می‌شود. البته برخی حقوقدانان ضمن پذیرش ارتکاب جرم آدم‌ربایی با فعل مادی مثبت، تحقق این جرم را با ترک فعل بعید نمی‌دانند؛ مانند این که شخصی در آسانسور گرفتار شود و به مسئول خرابی آسانسور اطلاع دهد و او به قصد خفه کردن شخص گرفتار از نجات وی خودداری کند.^[۴۱]

در دعوایی چنین مطرح شده است که سه نفر سارق، خودرویی را اجاره کرده و در طول مسیر، دست و پای راننده را بسته و در صندوق عقب اتومبیل قرار می‌دهند و به وسیله اتومبیل از بانک، سرقت مسلحانه کرده و سپس اتومبیل را همراه با راننده آن که در صندوق عقب اتومبیل مخفی کرده‌اند رها می‌کنند. سؤالی که در اینجا به ذهن می‌رسد این است که در اینجا چند جرم رخ داده؟

گروهی معتقدند مخفی کردن دیگری مقدمه سرقت است و مجازات جداگانه ندارد اما دیدگاه موجه‌تر چنین است: «با توجه به صراحت ماده ۶۲۱ ق.م.ا. که عنوان می‌دارد (...به هر منظور

دیگر... و به هر نحو دیگر... بر باید یا مخفی کند) و با توجه به مخفی کردن شاکی در صندوق عقب، ربودن نامبرده مصداق عینی پیدا کرده و محکومیت آنان به اتهام سرقت مسلحانه از بانک ارتباطی با آدم‌ربایی نداشته و جرم مستقلی است. این اقدامات مقدمه جرم اصلی (سرقت مسلحانه) نیز نمی‌باشد زیرا مقدمه باید ملازمه با جرم اصلی داشته باشد که در فرض سؤال چنین ملازمه‌ای وجود ندارد. در خصوص سرقت خودرو نیز نامبردگان، مرتکب بزه سرقت شده‌اند که با توجه به سرقت مسلحانه از بانک، تعدد مادی از نوع واحد محسوب می‌شود که پس از صدور رأی با دادنامه قبلی ادغام می‌شود.^[۴۲]

در حقوق فرانسه برای تحقق جرم، ارتکاب فعل مثبت ضروری است. رویه قضایی نیز معتقد است که صرف حضور در صحنه ارتکاب جرم برای تحقق مسئولیت کسانی که فقط تماشاگر بوده‌اند و نقش مثبت آنان در ارتکاب عمل ثابت نشده بود، کافی نیست. بنابراین عنصر مادی جرم، در صورتی به اثبات می‌رسد که مباشر، در ایجاد مانع برای آزادی بزه دیده، مشارکت کنش‌گر داشته باشد.^[۴۳] در این رابطه باید به دو نکته اشاره کرد:

نخست: لزوم مشارکت کنش‌گر به این معنا نیست که حتماً باید اعمال خشونت شود. پس درجایی که کارکنان یک شرکت بدون هیچ‌گونه خشونتی رئیس خود را ربوده باشند جرم محقق شده است.

دوم: مجازات نه تنها بر کسی که شخصاً مرتکب عمل ربایش می‌شود اعمال می‌گردد بلکه کسی هم که با واسطه دست به این اعمال می‌زند را در برمی‌گیرد.^[۴۴]

۱-۳-۲-۱. تحلیل مفهوم ربودن

واژه «ربودن» که در ماده مزبور دو بار مورد استفاده قرار گرفته است با توجه به معنای لغوی و حقوقی آن (ربودن در ماده ۲۶۷ ق.م.ا.) ظاهراً ملازمه با جابه‌جایی دارد و لذا صرف بازداشت یا سلب آزادی تن از اشخاص را نمی‌توان آدم‌ربایی دانست. با این حال، جابه‌جایی باید به گونه‌ای

باشد که مفهوم عرفی ربودن را متبادر نماید و لذا اگر کسی، شخص بازداشت شده را از طبقه اول خود به طبقه دوم آن منتقل نماید، نمی‌توان صرف این عمل را آدم‌ربایی دانست. از جمله «یا ربودن توسط وسیله نقلیه انجام پذیرد» مذکور در قسمت اخیر ماده که از جهات تشدید است به طور ضمنی نیز ضرورت جابه‌جایی قابل استنباط است. هم‌چنین، ربودن باید به عنف، تهدید، حيله و به صورت غیرقانونی باشد؛ بنابراین در مواردی که کسی برای اعمال حقی و یا برای انجام تکلیف قانونی مرتکب فعل ربودن شود مانند این‌که کسی از طرف مقامات صلاحیت‌دار قضایی اقدام به دستگیری متهم و انتقال او به حوزه قضایی دیگری کرده باشد. مشمول مقررات بزه آدم‌ربایی نمی‌شود. ضمناً ربودن می‌تواند به صورت مستقیم (مباشرت) یا بالتسبیب باشد که در ادامه در این رابطه توضیحات بیشتری ارائه خواهد شد.

در ادامه‌ی بحث ربودن لازم است به آنی و مستمر بودن بزه آدم‌ربایی اشاره کرد. قبل از بیان این مطلب لازم است به تعریف جرم مستمر و آنی پرداخته شود. جرم مستمر جرمی است که عنصر مادی جرم در آنات و لحظه‌ای پیوسته زمان تحقق می‌یابد و قانون‌گذار استمرار مادی عمل را جرم می‌داند نه تحقق لحظه‌ای آن را؛ اما در جرایم آنی تحقق لحظه‌ای جرم ملاک می‌باشد.^[۴۵] در رابطه با آنی و مستمر بودن این جرم میان حقوقدانان اختلاف نظر می‌باشد، پاره‌ای از حقوقدانان معتقدند که جرم آدم‌ربایی، جرم آنی است زیرا موجب سلب آزادی موقتی از مجنی‌علیه می‌گردد و به محض این‌که شخص ربوده شد محقق می‌گردد هرچند طی زمانی کوتاه باشد. در مقابل، برخی براین عقیده می‌باشند که قائل به آنی بودن جرم آدم‌ربایی با مشکلات فراوانی روبه‌روست.

اولاً: اگر لازمه آدم‌ربایی را جابه‌جایی شخص بازداشت شده بدانیم آنی بودن این جرم محل تردید است زیرا جابه‌جایی اقدامی است که نیازمند گذشت زمان و مسافتی متعارف است.

ثانیاً: اگر این جرم را جرم آنی بدانیم مرور زمان آن از لحظه وقوع جرم می‌باشد. حال اگر شخص

رَبوده‌شده مدتی طولانی در اختیار آدم‌ربا قرار داشته باشد شروع مرور زمان از همان لحظه اول باید محاسبه شود که با وصف مستمر بودن آدم‌ربایی سازگار نیست. در نتیجه آدم‌ربایی از نظر این عده از حقوقدانان جرم مستمر است و شروع مرور زمان آن از لحظه آزادی شخص ربوده شده و مشروط به این که مدت زمان متعارف از ربودن گذشته باشد، می‌باشد.^[۴۶] اشاره به یکی از آراء هیأت عمومی دیوان عالی کشور به روشن تر شدن موضوع کمک می‌کند.

«چون متهم بعد از شرب خمر بانوی شاکیه را به عنوان مسافر به اتومبیل خود سوار نموده و با عبارات رکیک و مستهجن مورد آزار و اذیت قرار داده و شاکیه قبل از وقوف به قصد متهم، خود را از وسیله نقلیه در حال حرکت به بیرون پرتاب کرده و نجات داده و متهم نیز به صحت موارد مذکور اقرار نموده لذا با توجه به مراتب بالا و سایر اوضاع و احوال منعکس در اوراق پرونده به نظر اکثریت اعضای هیأت عمومی، عمل مرتکب در حد شروع به آدم‌ربایی قابل مجازات بوده و نتیجتاً رأی تجدیدنظر خواسته ابرام می‌شود».^[۴۷]

در حقوق کشور فرانسه ربایش به عملی اطلاق می‌شود که فرد به هر روشی دستگیر می‌شود و آزادی رفت آمد از وی سلب می‌شود. در واقع ربایش به متوقف کردن بسیار نزدیک است. مطابق حقوق این کشور ربایش جنبه پیش‌گیری آنی دارد و به عبارت دیگر در زمره جرایم آنی محسوب می‌شود.

۱-۲-۲-۲. موضوع جرم

در این قسمت به بررسی دو مبحث می‌پردازیم: نخست (انسان زنده) و دوم (وضعیت بزه دیده)

۱-۲-۲-۱. انسان زنده

آدم‌ربایی از نظر عنصر مادی شباهت زیادی به ربودن مال دیگری دارد و تفاوت اساسی این دو در موضوعی که ربوده شده (مال و انسان) می‌باشد.

موضوع جرم آدم‌ربایی انسان زنده است این موجود انسانی با توجه به اطلاق عبارت «شخصی»

در ماده ۶۲۱ ق. م. ا. شامل تمامی اشخاص اعم از زن و مرد و کوچک و بزرگ می‌شود و جنسیت و سن تأثیری در ماهیت این جرم ندارد و فقط در صورتی که سن مجنی علیه کمتر از ۱۵ سال تمام باشد و یا آسیب جسمی یا حیثیتی به وی وارد شود برابر ماده ۶۲۱ ق. م. ا. مجازات مرتکب حداکثر مجازات قانونی خواهد بود. از طرف دیگر، نظر به این که هدف قانون‌گذار از وضع مقررات مربوط به آدم‌ربایی، حمایت از آزادی تن اشخاص است و بالطبع فردی که فوت کرده دیگر اهلیت آزادی را از دست داده و دیگر شخص محسوب نمی‌شود، هم‌چنین با توجه به اصل تفسیر مضیق قوانین جزایی، می‌توان گفت که ربودن شخص مرده یا مقتول تخصصاً از قلمرو شمول ماده ۶۲۱ خارج است؛ و چنان‌چه جسد انسان از لحاظ تاریخی و فرهنگی و یا به لحاظ تشریح در علم پزشکی مالیت داشته و قابل خرید و فروش باشد، ممکن است ربودن مشمول عنوان سرقت قرار گیرد. در مقررات کیفری ایران حکم ربودن جسد بیان‌نشده و برای صرف ربودن آن مجازاتی پیش‌بینی نشده است؛ اما چنان‌چه ربودن جسد مقتولین توأم با مخفی کردن باشد و یا ربودن اجسادشان به منظور امحای آثار جرم باشد، مشمول مقررات مذکور در مواد ۶۳۵ و ۶۳۶ ق. م. ا. می‌شود.^[۴۸]

قوانین کشور فرانسه در این زمینه مشابه حقوق ایران بوده و از نظر آن‌ها این جرم فقط نسبت به انسان زنده محقق می‌گردد. بنابراین اشخاص حقوقی و حیوانات از بزه دیده واقع شدگان این جرم مستثنی می‌باشند.

۱-۳-۲-۲. وضعیت بزه دیده

در جرم آدم‌ربایی ساده، هم در حقوق ایران و هم در حقوق فرانسه بزه دیده باید حداقل، پانزده سال سن داشته باشد و در غیر این صورت و برحسب مورد ممکن است مشمول آدم‌ربایی مشدد (قسمت اخیر ماده ۶۲۱ و ۵-۲۲۴) و یا دزدیدن طفل تازه متولدشده (ماده ۶۳۱) گردد. جنسیت، دین، ملیت و امثال این‌ها مؤثر در تحقق جرم نخواهد بود.

لازمه جرم آدم‌ربایی و اخفاء عدم رضایت طرف است و لذا رضایت او مانع تحقق جرم خواهد بود، اشکال زوال رضایت مؤثر نیست و قانون‌گذار با تصریح به «...به عنف یا تهدید یا حيله یا به هر نحو دیگر شخصی را بر باید یا مخفی نماید...» بر ضرورت عدم رضایت و بی‌تأثیری شکل زوال آن، مهر تایید نهاده است.

تحقق عنف نیز به دو صورت می‌باشد؛ نخست: به صورت مادی، از قبیل بستن دست‌وپا، مضروب و مجروح کردن، دست‌وپای کسی را گرفتن و امثال آن انجام گیرد و دوم: به شکل غیرمادی مانند آن‌که تهدید نسبت به طرف یا خانواده او صورت پذیرد. در این شکل از عنف، هرچند بزه دیده با اراده خود وارد اتومبیل می‌شود و یا حتی خود به محل اخفا می‌رود ولی چون چنین اقدامی به لحاظ فقدان اختیار صورت گرفته، عدم رضایت تلقی می‌گردد. هم‌چنین، آدم‌ربایی ممکن است با توسل به حيله و تقلب و نیرنگ واقع شود مانند آن‌که مرتکب با استفاده از تاکسی یا اتومبیل مسافرکش، طرف را فریب دهد و یا برعکس به عنوان مسافر، سوار تاکسی شود و با دادن آدرس، راننده را به جهتی که قصد ربودن او را دارد دلالت نماید که در صورت تحقق سایر شرایط، آدم‌ربایی محقق خواهد شد. قانون‌گذار به مصادیق فوق اکتفا نکرده و با اضافه کردن جمله «یا به هر نحو دیگر...» بر ضرورت عدم رضایت بزه دیده تأکید بیشتری می‌نماید تا امکان سوءاستفاده مرتکب را منتفی سازد. عنف، تهدید و فریب در صورتی جزئی از عمل مرتکب محسوب می‌شود که نسبت به ربوده شده نیز اعمال شده باشد اعم از این‌که شخص ربوده شده قادر به درک باشد یا نباشد؛ مانند ربودن بیماری که در حالت کما و بیهوشی است یا قادر به مقاومت نیست.

جرم آدم‌ربایی با رضایت بزه دیده قابل تحقق نیست، در نتیجه اگر پسری با فریب دختری او را قانع به فرار نماید و مشارالیها عاقل، بالغ و مختار باشد نمی‌توان چنین شیوه‌ای را آدم‌ربایی با توسل به حيله و تقلب دانست.^[۴۹]

۱-۳-۲-۳. وسیله ارتکاب جرم

آدمربایی از جمله جرایمی است که نوع وسیله در ماهیت آن مؤثر نیست و فقط می‌تواند در میزان مجازات مؤثر باشد. همان‌طور که در ماده ۶۲۱ ق.م.ا. آمده است ربودن با وسیله نقلیه سبب تعیین حداکثر مجازات یعنی ۱۵ سال حبس برای مرتکب خواهد بود. وسیله نقلیه بیشتر منصرف به وسیله نقلیه موتوری می‌باشد، اما اطلاق آن در اینجا شامل وسیله نقلیه غیر موتوری، مانند دوچرخه نیز می‌شود و به نظر می‌رسد منظور قانون‌گذار، وسایلی است که ارتکاب جرم آدمربایی را تسهیل می‌کنند، هرچند وسیله‌ای مانند تراکتور باشد.^[۵۰]

۱-۳-۲-۴. نتیجه مجرمانه

جرایم از حیث نتیجه مجرمانه به دودسته تقسیم می‌شوند: جرایم مطلق و جرایم مقید. جرایم مطلق به جرایمی گفته می‌شود که برای تحقق آن‌ها صرف احراز وقوع رفتار مادی برای تحقق جرم کافی بوده و نیازمند عامل دیگری به عنوان نتیجه جرم نیست. جرایم مقید جرایمی هستند که برای وقوع آن‌ها علاوه بر رفتار فیزیکی (مادی) تحقق عامل دیگری به عنوان نتیجه جرم برای تکمیل رکن مادی آن لازم و ضروری می‌باشد

حال باید بررسی شود که آدمربایی جزء کدام دسته از جرایم می‌باشد، مطلق یا مقید؟

در این زمینه میان حقوقدانان اختلاف نظر می‌باشد که به شرح آن‌ها می‌پردازیم:

پاره‌ای از حقوقدانان آدمربایی را یک جرم مطلق می‌دانند،^[۵۱] درحالی‌که برخی از حقوقدانان اعتقاد به مقید بودن این جرم دارند و این‌گونه استدلال کرده‌اند: هرچند که در ماده ۶۲۱ ق.م.ا. نتیجه ذکر نشد ولی با این حال آدمربایی و اخفاء مقید به نتیجه هستند، نتیجه نیز سلب آزادی از فرد ربوده‌شده یا اخفا شده بود و در این‌گونه جرایم نتیجه با عمل همراه است و از آن منفک نمی‌باشد، زیرا به محض ربودن یا اخفا فرد، آزادی وی سلب می‌شود، به بیان دیگر، درست است که نقل مکان، نتیجه این جرم نمی‌باشد و به عبارت بهتر رفتار مادی این جرم به حساب

می‌آید، اما هر نقل مکان دادنی هم مصداق جرم آدم‌ربایی نیست نقل مکان دادن باید به نحوی باشد که منتهی به سلب آزادی فرد ربوده شده گردد. پس اگر عملیات واقع شده به نحو کامل موجبات سلب آزادی فرد را فراهم ننماید و آن را به صورت جزئی منتقل کند باید از شروع به جرم آدم‌ربایی بحث کرد. همچنین می‌توان این رویه را تحت عنوان یک قاعده کلی در نظر گرفت که شروع به جرم، خاص «جرائم مقید» می‌باشند مگر این که قانون‌گذار عکس آن را پیش‌بینی کرده باشد.^[۵۲]

۱-۳-۲-۵. رابطه سببیت

در ماده ۶۲۱ ق.م.ا. آدم‌ربایی یا اخفا به دو شکل مطرح گردیده است.

نخست: مباشرت، قانون‌گذار این مصداق را با جمله «...شخصاً...شخصی را بر باید...» مشخص نموده و منظور موردی است که آدم‌ربایی توسط مرتکب یا مرتکبین مستقیماً و بدون واسطه انجام می‌گیرد مانند آن که فرد یا افرادی به محل کار دیگری مراجعه و او را به عنف یا تهدید به داخل اتومبیل انداخته و برابند.

دوم: مداخله غیرمستقیم و در مصداقی که بیش از یک نفر در آدم‌ربایی دخالت نمایند: «... هر کس توسط دیگری شخصی را بر باید یا مخفی کند به حبس از پنج تا پانزده سال محکوم خواهد شد...» در مورد سبب اقوی از مباشر بودن جمله اخیر میان حقوقدانان اتفاق نظر است با استناد به منطوق جمله و با پذیرش این که جمله اخیر متضمن اجمال و ابهام است و این که ضرورت تفسیر، الزامی است و این که تفسیر باید در راستای احراز نظر مقنن صورت پذیرد، به نظر می‌رسد، مقنن در این ماده بر آن بوده که بر مصداق اقوی بودن سبب از مباشر اشاره نماید و اعلام دارد که سببی که در ربودن یا اخفا دیگری اقوی باشد به مجازات مباشر محکوم گردد. اهم دلایل در تایید این دیدگاه عبارت‌اند از:

- استفاده قانون‌گذار از واژه «توسط» در عبارت «توسط دیگری» که به واقع، در این جمله،

«دیگری» نقش واسطه دارد نه مرتکب.

- تصریح در تعیین مجازات برای «هرکس» و به دلیل انتساب جرم به او.
- عدم تعیین مجازات برای «دیگری» به دلیل عدم انتساب جرم به او و یا فقدان مسئولیت کیفری او به دلیل آن که در حین ارتکاب جرم عاقل، بالغ و یا مختار نبوده است (ماده ۱۴۰ ق م ا)، بنابراین اگر (الف) مبادرت به فریب دادن و اغفال (ب) در مورد هویت (ج) نماید و عمل ربودن توسط (ب) صورت گیرد یا اگر (الف) با اکراه (ب)، او را وادار به ربودن (ج) کند، (الف) مشمول ماده ۶۲۱ ق. م. ا. خواهد بود. در غیر این صورت اگر (الف) از (ب) بخواهد که در قبال دریافت مبلغی، (ج) را برباید، اقدام (الف)، معاونت در آدمربایی و (ب) به اتهام آدمربایی مجازات خواهد شد.

با تحلیلی دیگر می‌توان این‌گونه بیان کرد که مباشرت مجرم در ارتکاب آدمربایی شرط نیست. وی ممکن است این کار را همان‌طور که در ماده آمده است «توسط دیگری» انجام دهد؛ مثلاً اینکه صغیر غیر ممیز یا مجنونی را به ربودن کسی برانگیزد، یا با وانمود کردن به این‌که کودکی فرزند اوست و باید وی را، علیرغم میل خودش، به جایی مثل بیمارستان یا دبستان و نظایر آن ببرد، دیگری را به ربودن کودک بگمارد و یا زن بیهوشی را در تاکسی دیگری گذاشته و به وی وانمود کند که آن زن، همسر اوست و از راننده بخواهد که زن را به نشانی مشخصی ببرد. همه این مثال‌ها به مواردی مربوط می‌شود که در آن‌ها سبب اقوی از مباشر است.^[۵۳] اما درجایی که رئیس یک باند آدمربایی دستور ربودن شخص دیگری را به اعضای باند که دارای شرایط مسئولیت کیفری می‌باشند، صادر می‌کند و آنان نیز این دستور را آگاهانه اجرا می‌کنند میان حقوقدانان اختلاف نظر می‌باشد برخی معتقدند که در اینجا معاونت رخ داده است زیرا در چنین حالتی رئیس باند معاون جرم بوده است؛^[۵۴] اما پاره‌ای از حقوقدانان بر این عقیده می‌باشند که در اینجا نیز آدمربایی صورت گرفته است، زیرا صرف دستور ربایش ممکن است

عنصر مادی این جرم قرار گیرد.^[۵۵] به نظر نگارنده این جرم مشمول عنوان مجرمانه مجزایی یعنی سردستگی گروه مجرمانه (م ۱۳۰ ق.م.ا.) می‌باشد.

مطابق رویه قضایی کشور فرانسه، مجازات، نه تنها بر کسی که شخصاً مرتکب عمل ربایش می‌شود قابل اعمال است بلکه بر کسی هم که به واسطه، دست به این اعمال می‌زند نیز قابل اعمال است.^[۵۶]

۱-۳-۲-۶. شروع به آدمربایی

شروع به جرم در ق. م. ا. در سه ماده‌ی ۱۲۲، ۱۲۳، ۱۲۴ آمده است. با بررسی مواد ذکر شده می‌توان بیان نمود که شروع به جرم عبارت است از توسل همراه با سوءنیت به عملیات اجرایی جرم که به واسطه دخالت عوامل خارجی که اراده فاعل در آن دخالت نداشته، به نتیجه مورد نظر نرسیده است.

با توجه به این تعریف باید گفت شرط تحقق شروع به جرم آدمربایی از نظر عنصر معنوی، داشتن قصد ارتکاب جرم است و از نظر عنصر مادی، شروع به اجرای جرم (به عبارت دیگر عملیات اجرایی جرم) و متوقف ماندن غیرارادی می‌باشد.

تبصره ماده ۶۲۱ در مورد شروع به آدمربایی مقرر می‌دارد: «مجازات شروع به ربودن، حبس تعزیری درجه پنج است.»

شروع در آدمربایی، تابع احکام عمومی شروع در سایر جرایم است. بنابراین از تکرار این مطلب که مربوط به حقوق جزای عمومی است خودداری کرده و تنها به ذکر چند نکته بسنده می‌کنیم:

اول: بر اساس ظاهر تبصره موصوف، شروع در مخفی کردن دیگری مجازات ندارد، زیرا مخفی کردن، عنوان مجرمانه‌ای است که با آدمربایی تفاوت دارد و شاید قانون‌گذار به عمد، شروع در مخفی کردن را بیان نکرده است زیرا جرم مخفی کردن، جرمی مطلق است که به محض شروع،

پایان می‌یابد و جرم به صورت کامل، محقق می‌شود. هرچند که خلاف این ادعا بعید نمی‌باشد زیرا شروع در مخفی کردن، بدون این که منتهی به مخفی کردن گردد قابل تصور است؛ مانند این که شخصی شروع به مخفی کردن دیگری کند و در حال قفل کردن در باشد که دستگیر شود، به علاوه این که اگر جرم مخفی کردن را جرم مستمر بدانیم، لحظات آغازین مخفی کردن، شروع در مخفی کردن به حساب خواهد آمد زیرا برای تحقق کامل این جرم باید زمانی نسبتاً طولانی سپری شود. هم‌چنین این احتمال که قانون‌گذار «شروع در آدم‌ربایی» را برای شروع در مخفی کردن نیز به کار برده باشد، احتمال ضعیفی است هرچند تبصره را ناظر به متن ماده بدانیم که به هر دو جرم اشاره دارد؛ زیرا حکم به چنین مجازات سنگینی نیاز به تصریح قانون‌گذار دارد.

دوم: ممکن است جرم آدم‌ربایی به صورت ناگهانی و بدون قصد قبلی رخ دهد، در این مورد ملاک تشخیص شروع آدم‌ربایی، آغاز عملیات مادی است (نظریه عینی)، یعنی آدم‌ربا عملیاتی را آغاز کند که مستقیماً به ربودن دیگری منتهی شود و این اقدامات، معمولاً بیانگر قصد او نیز هست؛ اما صرف قصد را نمی‌توان ملاک قرارداد، بنابراین اگر شخصی قصد ربودن کودکی را داشته باشد و برای اینکه اعتماد او را به خود جلب کند برای او شکلات بخرد و با او شروع به صحبت کردن کند و با او مقداری راه برود، این عملیات را نمی‌توان شروع در آدم‌ربایی دانست بلکه عملیات مقدماتی است اما همین که دست او را می‌گیرد تا او را سوار اتومبیل کند و ببرد، و سپس پدر طفل از راه برسد و کودک را از دست او بگیرد، شروع در آدم‌ربایی کرده است و مشمول تبصره ماده ۶۲۱ خواهد بود. البته اگر عملیات فریب دادن، جزئی از آدم‌ربایی هم باشد، شروع در جرم به حساب می‌آید، مانند اینکه شخصی، کودک را با این عنوان که قصد بردن وی را نزد پدرش دارد، سوار اتومبیل خود کند و در این هنگام دستگیر شود.

سوم: سؤالی که در اینجا مطرح است این است که آیا ماده ۱۲۲ ناسخ تبصره ماده ۶۲۱ و موارد

خاص دیگر می‌باشد یا موارد خاص، عموم ماده ۱۲۲ را تخصیص می‌زند؟ (چراکه ماده ۱۲۲ ق. م. ا. برخلاف ماده ۴۱ ق. م. ا. ۱۳۷۵ برای شروع در جرم در حالت‌های مختلف، مجازات تعیین کرده است و از جمله برای آدم‌ربایی که مجازات آن، حبس تعزیری درجه ۳ می‌باشد، حبس تعزیری درجه ۴ تعیین کرده است) در پاسخ به این سؤال باید چنین گفت که هر دو احتمال قابل دفاع است اما احتمال دوم با اصول حقوقی سازگارتر می‌باشد.

ضمناً، شروع به آدم‌ربایی و تحقق آن موکول به پنهان‌کاری و یا اخفای ربوده‌شده نیست و تمامیه این اقدامات ممکن است به طور علنی انجام و حتی شخص ربوده‌شده در معرض دید باشد. محل شروع آدم‌ربایی و یا محل استقرار ربوده شده مؤثر در وقوع جرم نیست و بنابراین اگر کسی از خیابان ربوده شده و در منزل خودش نگهداری گردد جرم آدم‌ربایی را باید محقق دانست. [۵۷]

این نهاد در حقوق کیفری فرانسه ضمن ماده ۴-۱۲۱ مورد اشاره قرار گرفته است که مجازات یکسانی را به مانند مباشر جرم برای شروع کننده‌ی جرم تعیین می‌کند لیکن ماده‌ی ۱-۵-۲۲۴ را نیز باید توجه داشت که مقرر می‌دارد:

«اگر شخصی که شروع به جنایت‌های پیش‌بینی‌شده در این فصل کرده است با اطلاع به مقام اداری یا قضایی، موجب جلوگیری از ارتکاب جرم و احیاناً شناسایی دیگر مباشران یا معاونان شود از مجازات معاف می‌شود.

اگر مباشر یا معاون یکی از جنایت‌های پیش‌بینی‌شده در این فصل، با اطلاع به مقام اداری یا قضایی موجب جلوگیری از ادامه جرم شده یا مانع از آن شده باشد که جرم به مرگ یا معلولیت دائم انسان بینجامد و احیاناً موجب شناسایی دیگر مباشران یا معاونان شده باشد مجازات سالب آزادی وی به نصف کاهش پیدا می‌کند. اگر مجازات حبس جنایی عمومی تا ابد باشد به حبس جنایی عمومی تا بیست سال کاهش می‌یابد.»

۱-۳-۳. رکن روانی

جرم با اجتماع عناصری از جمله عنصر روانی تحقق می‌یابد، عنصر معنوی فعل و انفعال ذهنی مرتکب است که بر نقض امر یا نهی قانون‌گذار قرار گرفته است، در نتیجه برای ارتکاب جرم و بزه‌کار بودن، پیش از همه باید از توانایی درک و اراده برخوردار بود، ذکر این نکته نیز ضروری است که عنصر روانی باید با عنصر مادی تقارن داشته باشد و برخورداری مرتکب از عنصر روانی در زمانی قبل یا بعد از تحقق عنصر مادی کافی نمی‌باشد.^[۵۸] بسته به این که جرم آدم‌ربایی را یک جرم مطلق یا مقید بدانیم عنصر معنوی مورد نیاز برای این جرم نیز متفاوت خواهد بود. پیش‌تر اشاره شد که میان حقوقدانان در زمینه‌ی مطلق یا مقید بودن جرم آدم‌ربایی اختلاف نظر می‌باشد. با در نظر گرفتن مقید بودن بزه آدم‌ربایی رکن روانی در سه مبحث مورد مطالعه قرار می‌گیرد:

الف) سوءنیت عام (ب) سوءنیت خاص (ج) انگیزه مجرمانه

۱-۳-۳-۱. سوءنیت عام

هر جرمی نیاز به سوءنیت عام (اراده و علم) دارد، لذا برخلاف سوءنیت خاص، شرط ضروری برای تحقق همه جرایم می‌باشد. جرم آدم‌ربایی نیز یک جرم عمدی است و نیاز به قصد مجرمانه و سوءنیت دارد، یعنی مرتکب باید بداند عملی را که انجام می‌دهد از نظر قانون جرم است و با این حال عمداً آن را انجام دهد، همچنین لازم است از موضوع جرم اطلاع داشته باشد، به این ترتیب که باید «قصد ربودن انسان زنده‌ای را برخلاف میل وی داشته باشد» بنابراین هرگاه وی از وجود کسی در داخل صندوق عقب خودرو مطلع نبوده و خودرو را حرکت دهد، یا انسان خوابیده‌ای را جسدی پنداشته و آن را به قصد پنهان یا دفن کردن آن، حرکت دهد و یا به طور

صادقانه در مورد رضایت فردی که وی را با خود می‌برد اشتباه کرده باشد، مرتکب جرم آدم‌ربایی نخواهد شد.

۱-۳-۲. سوءنیت خاص

قصد تحقق نتیجه مجرمانه و هدف نهایی مرتکب از ارتکاب جرم، شرط لازم برای تحقق برخی جرایم می‌باشد یعنی مرتکب علاوه بر اراده آگاه بر ارتکاب جرم باید نتیجه آن را هم اراده کرده باشد. انتقال از مکانی به مکان دیگر و سلب آزادی از متهم و به عبارت دقیق‌تر قصد ربودن و مخفی کردن متهم، سوءنیت خاص این جرم می‌باشد. هرچند در این زمینه همان‌گونه که قبلاً توضیح داده شد، میان حقوقدانان اختلاف نظر می‌باشد و برخی قائل به این می‌باشند که این جرم نیازی به سوءنیت خاص ندارد و سوءنیت عام کفایت می‌کند و بنابراین یک جرم مطلق می‌باشد.

۱-۳-۳. انگیزه مجرمانه

انگیزه با قصد مجرمانه تفاوت دارد و آن علتی است که مرتکب را وادار به ارتکاب جرم می‌کند. باوجود قصد مجرمانه، انگیزه اعم از شرافتمندانه و غیر شرافتمندانه در تحقق جرم بی‌تأثیر است و تنها بر میزان مجازات مؤثر است.^[۵۹] هدف و انگیزه در ارتکاب جرم آدم‌ربایی با توجه به ماده ۶۲۱ «قصد مطالبه وجه، قصد انتقام و هر منظور دیگری» می‌باشد که در مسئولیت کیفری بی‌تأثیر است. گاهی مرتکب دارای انگیزه شرافتمندانه می‌باشد، مثل اینکه، کسی، فردی را که در اثر سانحه‌ای بی‌هوش شده است را داخل خودرو گذاشته و راهی بیمارستان شود و یا دختری را که در معرض تجاوز و هتک حیثیت است را برباید تا گزندی به او نرسد. در همه این موارد با توجه به ظاهر ماده ۶۲۱ آدم‌ربایی اتفاق افتاده است و انگیزه مرتکب تنها موجب تخفیف مجازات مرتکب خواهد شد، هرچند برخی حقوقدانان بر این عقیده‌اند که با توجه به منطوق حقوقی و انصاف قضایی نباید چنین عملی را مشمول ماده مذکور بدانیم. هم چنان که سابقه

وضع این ماده بیانگر این مطلب است. زیرا ماده یک قانون تشدید مجازات ربایندگان اشخاص، به جای عبارت «هر منظور دیگری» عبارت «هر منظور سوء دیگری» را به کار برده بود. در نتیجه، باید گفت که انگیزه خیرخواهانه، در اینجا نسبت به مسئولیت کیفری وجود دارد و سوءنیت را به کلی ضایع می‌کند. ذکر این نکته لازم است که رضایت واقعی و توافق قبلی آدم‌ربا و ربوده‌شده‌ی بالغ به انگیزه ازدواج، به علت فقدان (عنف، تهدید یا حيله) تحقق جرم آدم‌ربایی را منتفی می‌سازد.^[۶۰]

در حقوق کشور فرانسه عنصر معنوی این جرم به این صورت می‌باشد که عامل انجام دهنده بایستی با هشیاری، آزادی فردی را سلب کند. پس در این صورت جرم ارادی است و فردی که بر اثر بی‌احتیاطی یا بی‌توجهی کسی را محبوس نموده شامل این موضوع نمی‌شود. دیگر این که عامل انجام دهنده جرم بایستی به این که ناعادلانه آزادی کسی را سلب می‌کند آگاه باشد. ماده ۱-۲۲۴ قانون جزایی، تنها کسانی را که «بدون دستور قضایی و خارج از اصول پیش‌بینی شده» عمل کرده‌اند را در نظر گرفته است.

بخش دوم

پاسخ‌های کیفی سرکوب‌گر ساده و

مشدده در قبال آدم‌ربایی

در بخش دوم طی دو مبحث به انواع پاسخ‌های سرکوبگر در قبال آدم‌ربایی و نیز عوامل مؤثر بر تشدید و تخفیف آن‌ها پرداخته خواهد شد.

۲-۱. اقسام مجازات‌ها

آنچه از دیرباز از سوی قانون‌گذاران برای مقابله با بزهکاری در نظر گرفته شده است مجازات می‌باشد؛ به عبارت دیگر، کیفر همیشه و همه‌جا واکنش هیئت اجتماع علیه عملی است که او را می‌رنجاند، اما این واکنش برحسب سطح فرهنگ بسیار متفاوت است. در حالی که نقش کیفر در جوامع نوین ما، قبلاً ارباب و سزا دادن بوده و امروزه تأمین بازگشت بزهکار به آغوش جامعه است، مع‌الوصف، مفهوم آن در جوامع باستانی کاملاً متفاوت است زیرا موضوع آن در این جوامع استقرار مجدد تعادل گسیخته شده بر اثر جنایت است تا خطر یا بلای قدرت شوم برگردانده شود.^[۶۱]

در یک تقسیم‌بندی، مجازات‌ها به اصلی و تکمیلی و تبعی تقسیم می‌شوند و در طبقه‌بندی دیگر، مجازات‌ها به بدنی، سالب و محدود کننده آزادی، مالی، سالب حق، سالب حیثیت و محرومیت از خدمات عمومی تقسیم می‌شوند.^[۶۲]

۲-۱-۱. مجازات‌های اصلی

در این گفتار به انواع مجازات‌های ناظر بر اشخاص حقیقی و حقوقی پرداخته خواهد شد.

۲-۱-۱-۱. مجازات‌های ناظر بر اشخاص حقیقی

قانون‌گذار برای هر جرم یک یا چند مجازات تعیین کرده است که اجرای آن‌ها تنها به موجب حکم قطعی دادگاه امکان‌پذیر است. این‌ها مجازات‌های اصلی نام دارد از این حیث که تابع مجازات دیگری نمی‌باشند. گاهی ممکن است مقنن مجازات‌های اصلی متعددی را در قانون

پیش‌بینی کرده باشد که در این صورت قاضی مکلف به صدور حکم محکومیت به همه آن‌ها می‌باشد. طبق ماده ۶۲۱ ق.م.ا. مجازات‌های اصلی پیش‌بینی‌شده برای جرم آدم‌ربایی حبس از ۵ تا ۱۵ سال است که در صورت همراه شدن این جرم با علل مشدده، مرتکب به حداکثر مجازات محکوم خواهد شد.

بنابراین، صرف انجام جرم آدم‌ربایی دارای مجازات مقرر در ماده ۶۲۱ می‌باشد و نمی‌توان بزهکار را به بیش از یک مجازات محکوم کرد و همین محکومیت، مجازات اصلی او محسوب می‌شود، اما چنانچه آدم‌ربا علاوه بر جرم آدم‌ربایی مرتکب جرایم دیگری هم شود قانون‌گذار موظف به صدور حکم محکومیت به هر دو مجازات خواهد بود.

در قانون جزای فرانسه نیز برای جرم آدم‌ربایی مجازات حبس جنایی عمومی تا بیست سال تعیین شده است که مجازات اصلی این جرم می‌باشد.

مجازات‌های اصلی به دو قسم ساده و مشدده تقسیم می‌شود. مجازات‌های اصلی ساده را تحت سه عنوان، شلاق، سالب آزادی و جزای نقدی مورد بحث قرار خواهیم داد.

۲-۱-۱-۱-۱. مجازات‌های اصلی ساده

مجازات‌های اصلی ساده تحت سه عنوان شلاق، سالب آزادی و جزای نقدی مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

۲-۱-۱-۱-۱. شلاق

مجازات شلاق در کشور ما برعکس مجازات قطع عضو دارای سابقه قانون‌گذاری است. با آن‌که قانون لغو مجازات شلاق (مصوب تیر ۱۳۳۴) موارد خاص و نادر مجازات مذکور را از قوانین کیفری آن زمان حذف کرد، ولی اصلاحات قانون مجازات عمومی، (مصوب خرداد ۱۳۵۲) بر آن بود، که یک‌بار برای ابد قلم بطلان بر این مجازات بکشد. پس از انقلاب، به موجب قوانین

مصوب، مجازات شلاق در آغاز با عنوان تنبیه بدنی، (مواد ۶ و ۷ و ۸ لایحه قانونی تشدید مجازات مرتکبین جرائم مواد مخدر و اقدامات تأمین و درمانی به منظور مداوا، اشتغال به کار معتادین، مصوب ۱ خرداد ۱۳۵۹ شورای انقلاب اسلامی)، سپس جلد و تازیانه (قانون حدود و قصاص و مقررات آن، مصوب ۳ شهریور ۱۳۶۱ کمیسیون امور قضایی مجلس شورای اسلامی) بار دیگر در شمار ضمانت‌های اجرایی کیفری درآمدند. از آن پس در قانون تعزیرات، (مصوب مرداد ۱۳۶۲) مجازات شلاق که میزان آن از ۷۴ ضربه تجاوز نمی‌کرد، پس از مجازات حبس ضمانت اجرای متداول گردید و به دیگر قوانین پراکنده کیفری راه یافت. لیکن در قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات (مصوب خرداد ۱۳۷۵) قانون‌گذار ضمن کاستن از موارد اعمال مجازات شلاق و جایگزین کردن حبس به جای آن کوشیده است تا حدودی تناسب میان فعل مجرمانه و این مجازات برقرار سازد و در انتخاب مجازات شلاق و مجازات‌های دیگر امتیاز بیشتری به قاضی اعطاء کند.^[۶۳] در قانون مصوب سال ۹۲ نیز موارد اعمال مجازات شلاق محدود می‌باشد. لازم به ذکر است که مجازات شلاق، مجازاتی است که نه تنها اثر اصلاحی- تربیتی برای بزهکار ندارد، بلکه اثر ناتوان‌سازی نیز ندارد، اما با توجه به ماهیت آن، که آسیب جسم شدیدی برای مرتکب به همراه دارد و نیز نحوه اجرای آن، به نظر می‌رسد که بیش‌تر به منظور بهره‌مندی از آثار بازدارندگی عام و خاص، از آن استفاده می‌شود. کیفر شلاق به دو نوع حدی و تعزیری تقسیم می‌شود.

نخست: شلاق حدی، در این نوع مجازات بر اساس موازین فقهی تعداد ضربات معین شده و پس از اثبات جرم بایستی اجرا شود، نظیر حد شرب خمر که ۸۰ ضربه است. در صورت عدم تحمل کیفر محکوم‌علیه، امکان تبدیل آن به انواع دیگر مجازات وجود ندارد، اما نحوه‌ی اجرای حکم قابل تغییر است.

دوم: شلاق تعزیری، در این نوع حداکثر تعداد ضربات شلاق تعیین شده است و در صورت اثبات

جرم قاضی می‌تواند حکم به همان تعداد یا کم‌تر بدهد. در اینجا امکان تبدیل کیفر شلاق به مجازات‌های جایگزین و یا تغییر نحوه اجرای حکم وجود دارد.

به طور کلی مجازات‌های بدنی یکی از آثار قرون وسطی است و در آن دوره از تاریخ، بشر در مقام اجرای مجازات به تنبیهات بدنی متوسل می‌شدند. قرن‌ها از آن دوره تاریخی گذشت و در نتیجه تحولات زندگی بشر و تحقیقات علما و دانشمندان رشته حقوق جزایی بالاخره مجازات از جنبه انتقام افراد از یکدیگر خارج شد.^[۶۴]

۲-۱-۱-۱-۱-۲. سالب آزادی

در ادبیات کیفری به زبان فارسی دو لفظ زندان و حبس برای نشان دادن مفهوم مجازات سالب آزادی به عنوان مجازات بیش از همه مرسوم بوده است. زندان یا ندامتگاه در زبان فارسی نام محلی است که محکومین به مجازات سالب آزادی در آن نگهداری می‌شوند و مسامحتاً به محل نگهداری هر دو دسته از محکومین و متهمین هم گفته می‌شود و شاید از این جهت که زندانی در زندان از کرده خود نادم و پشیمان می‌شود به این محل ندامتگاه نیز گفته‌اند. مواد ۳ و ۴ «آیین‌نامه زندان‌ها سال ۱۳۸۴» در تعریف زندان و بازداشتگاه بیان می‌دارد:

ماده ۳: «زندان محلی است که در آن محکومانی که حکم آنان قطعی شده است با معرفی مقامات صلاحیت‌دار قضایی و قانونی برای مدت معین یا به‌طور دائم به منظور تحمل کیفر، با هدف حرفه‌آموزی، بازپروری و بازسازی نگه‌داری می‌شوند.»

ماده ۴: «بازداشتگاه محل نگهداری متهمانی است که با قرار کتبی مقام‌های صلاحیت‌دار قضایی تا اتخاذ تصمیم نهایی به آنجا معرفی می‌شوند.»

بنابراین مفهوم حبس با هر شکل و عنوانی اجرا شده یا نامیده شود عبارت از سلب آزادی است.^[۶۵]

در مورد تاریخچه حبس باید گفته شود که قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴ به تبعیت از قانون فرانسه سه نوع حبس (با اعمال شاقه، مجرد و تأدیبی) را پیش‌بینی کرده بود. حبس‌های با اعمال شاقه با طرحی جدید و حبس‌های جنایی ۱ و ۲ در کنار حبس‌های جنایی و جنحه‌ای توسط قانون مجازات عمومی اصلاحی ۱۳۵۲ از میان رفت.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، با آن که تقسیم‌بندی جرایم در قانون مجازات دچار تغییرات اساسی شد همچنان مجازات حبس مورد استفاده قرار می‌گرفت. در قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۵ نیز که از جمله خصوصیات اصلی آن بازگشت به مقررات مصوب دوران قبل از انقلاب بود مجازات سالب آزادی به عنوان ضمانت اجرای بسیاری از جرایم مورد قبول واقع گردید. به طور کلی زندان‌ها به زندان بسته، مراکز حرفه‌آموزی و اشتغال که خود شامل مؤسسه‌های حرفه‌آموزی و کاردرمانی است، تقسیم می‌شوند. هم‌چنین بازداشتگاه‌ها نیز به طبقاتی تقسیم گردیده است. بر این اساس، در نظام زندان‌های کشور سه نوع بازداشتگاه وجود دارد، یکی «بازداشتگاه عمومی»، دیگری، «بازداشتگاه امنیتی»، سوم، «بازداشتگاه موقت».^[۶۶]

از منظر قانون‌گذاری در مورد مجازات حبس باید گفته شود که: مجازات حبس از جمله مجازات‌هایی است که در بخش تعزیرات مورد استفاده قرار گرفته است. نگاهی گذرا به قانون مجازات اسلامی گویای این مطلب است که میزان استفاده از این مجازات نسبت به مجازات‌های دیگر به مراتب بیش‌تر است. قانون‌گذار ایران نیز تمایل زیادی به جانشین کردن مجازات حبس به جای شلاق داشته است.

در حقوق کیفری فرانسه نیز کیفر سالب آزادی به عنوان یکی از کیفرهای ناظر بر جرایم پذیرفته شده است. از این رو در قوانین مصوب دوران انقلاب و میانی فرانسه به ویژه قانون جزای ۱۷۹۱ و ۱۸۱۰ به عنوان یکی از مجازات‌ها انتخاب گردید. قانون جزای جدید ضمن طبقه‌بندی جرایم به جنایت، جنحه و خلاف در هر کدام از این نوع جرایم، اصلاحات مهمی را

نیز به وجود آورد. در زمینه‌ی حبس‌های جنایی بر خلاف قانون قدیم که این‌گونه حبس‌های جنایی را گاهی با عنوان ترذیلی و ترهیبی توصیف می‌کرد و گاهی برخی از آنان را مانند تبعید صرفاً ترذیلی می‌دانست، در قانون جدید به دلیل تغییر در شرایط حبس‌های جنایی و حذف کردن کیفر تبعید، چنین توصیفی مشاهده نمی‌شود.^[۶۷] به‌علاوه در حالی که در قانون جزای سابق، حداکثر مجازات حبس جنایی ۲۰ سال تعیین شده بود در قانون جزای جدید به جهت ایجاد سلسله مراتب بر اساس شدت جرایم و مجازات‌ها، حبس جنایی ۳۰ سال نیز پیش‌بینی شده است. (ماده‌ی ۱-۱۳۱). هم‌چنین حداقل مجازات در امور جنایی یک سال حبس تعیین شده است. (۱۸-۱۳۲). قانون جزای جدید با حفظ مجازات‌های جنایی سیاسی و عمومی، انواع کیفر سالب آزادی جنایی را شامل حبس جنایی عمومی و سیاسی ابد، حبس جنایی عمومی و سیاسی ۳۰ ساله، حبس جنایی سیاسی و عمومی ۲۰ ساله و حبس جنایی سیاسی و عمومی ۱۵ ساله دانسته است (م ۱-۱۳۱). جرایم جنحه‌ای نیز در قانون جزای جدید فرانسه همراه با تغییرات مهم و اساسی بوده است، و آن این‌که، قانون‌گذار با تعیین ضمانت اجراهای متعدد برای این دسته از جرایم، از آثار نامطلوب زندان‌های کوتاه‌مدت بر زندانیان اجتناب ورزیده است. از این رو در حالی که ماده ۹ قانون سابق، مجازات‌های ناظر بر جنحه‌ها را شامل زندان، محرومیت از برخی حقوق اجتماعی و جزای نقدی می‌دانست، در قانون جزای جدید قانون‌گذار مجازات جرایم جنحه‌ای را شامل شش مورد دانسته است. این موارد عبارت‌اند از؛ زندان، جریمه، زندان قابل تقویم به جریمه، کار عام‌المنفعه، مجازات‌های محدودکننده حق و مجازات‌های تکمیلی. مقنن در قانون جدید سعی کرده است تا با افزایش تعداد مجازات‌های اصلی، در جرایم جنحه‌ای، آمار محکومین به حبس‌های کوتاه‌مدت را کاهش دهد.^[۶۸] باید توجه داشت در حال که قانون سابق، حداکثر حبس تأدیبی را ۵ سال تعیین کرده بود، حداکثر مجازات حبس تأدیبی در قانون جدید تا ده سال تعیین شده است. هم‌چنین قانون‌گذار حداکثر

حبس تأدیبی در صورت تکرار را تا ۲۰ سال نیز مجاز دانسته است.^[۶۹]

به طور کلی کیفر حبس دارای خصوصیات است:

نخست: بازدارندگی، اعم از ایجاد هراس در بزهکار و ایجاد رعب در جامعه و به تبع، بازداشتن آن‌ها از ارتکاب جرم.

دوم: اجرای کیفر حبس زمینه را برای انجام برنامه‌های اصلاحی و درمانی و به عبارتی بازسازی بزهکار فراهم می‌کند.

سوم: کیفر حبس باعث دورنگه داشتن جامعه از مجرمان، به طور موقت یا دائم خواهد شد.

در نهایت باید گفته شود که جرم آدم‌ربایی در زمره جرایمی است که دارای مجازات سالب آزادی می‌باشد. کیفر مقرر برای این جرم نیز حبس تعزیری از ۵ تا ۱۵ سال می‌باشد. در کشور فرانسه نیز مجازات حبس جنایی عمومی تا بیست سال مقرر گردیده است.

۲-۱-۱-۱-۱-۳. جزای نقدی

جزای نقدی از جمله کیفرهای مالی است که مانند مجازات حبس، تمایل به آن در پی ظهور جنبش ترک کیفرهای بدنی افزایش یافته است، و آن مجازاتی است که به موجب آن، مجرم به تأدیه مبلغی به خزانه دولت محکوم می‌شود. بنابراین این مجازات به اموال مرتکب مربوط می‌شود. در نتیجه جزای نقدی برخلاف سایر مجازات‌های بدنی یا سالب آزادی هیچ‌گونه تصرفی بر جسم، شخصیت و آزادی فرد محکوم ندارد. بلکه موضوع مورد نظر در این زمینه ایجاد نقصان در اموال شخص محکوم می‌باشد.^[۷۰] در رابطه با ماهیت جزای نقدی اختلاف نظر وجود دارد؛ از سویی می‌توان گفت که جزای نقدی شبیه دین افراد نسبت به طلبکاران می‌باشد و در این‌جا دولت به عنوان طلبکار محسوب می‌شود. از طرف دیگر نیز باید گفته شود که جزای نقدی مجازات محسوب می‌شود. قانون‌گذار نیز پیرو همین نظر می‌باشد استفاده محدود از جزای

جزای نقدی شده است.^[۷۱]

۲-۱-۱-۱-۱-۱-۲. جزای نقدی اصلی و تکمیلی

با توجه به این که جزای نقدی در ماده ۲۳ و به عنوان مجازات تکمیلی نیامده است بنابراین باید آن را در زمره مجازات‌های اصلی به حساب آورد. در حقوق کشور فرانسه تعیین جزای نقدی برای جرایم جنایی به عنوان کیفر تکمیلی (م ۲-۱۳۱) و برای جرایم جنحه و خلاف به عنوان کیفر اصلی مورد پذیرش قرار گرفته است. (۳-۱۳۱ و ۱۲-۱۳۱)

۲-۱-۱-۱-۲. مجازات‌های اصلی مشدده

گاهی پدیده مجرمانه به اندازه‌ای برای جامعه خطرناک است که قانون‌گذار به منظور مقابله با آن مقررات تشدید مجازات را وضع می‌کند. جرم آدم‌ربایی نیز از آنجا که امنیت جامعه و آزادی شهروندان را مورد هدف قرار می‌دهد، قانون‌گذار پس از تعیین مجازات برای آدم‌ربایی در صدر ماده مرقوم مبادرت به احصاء جهات تشدید مجازات کرده است. «... در صورتی که سن مجنی‌علیه کمتر از پانزده سال تمام باشد یا ربودن توسط وسایل نقلیه انجام پذیرد یا به مجنی‌علیه آسیب جسمی یا حیثیتی وارد شود مرتکب به حداکثر مجازات تعیین شده محکوم خواهد شد.»

در قانون مجازات فرانسه نیز مقنن طی مواد مختلفی به ذکر عوامل مشدده پرداخته است. در ادامه به شرح و تفصیل هر یک از موارد ذکر شده در قانون ایران و فرانسه می‌پردازیم.

۲-۱-۱-۱-۲-۱. ملاک‌های مجازات تشدید در قانون ایران

اول: سن قربانی، در بزه مورد بحث چنان‌چه سن مجنی‌علیه کمتر از پانزده سال تمام باشد به علت آسیب‌پذیری بیشتر و ضرورت حمایت از اطفال مزبور، مرتکب به حداکثر مجازات محکوم می‌گردد. با توجه به منطوق ماده «در صورتی که سن مجنی‌علیه کمتر از پانزده سال تمام

باشد...» و نیز نظر قانون‌گذار به تشدید مجازات، به نظر می‌رسد جهل مرتکب آدم‌ربایی به سن مجنی‌علیه مؤثر نباشد و اشتباه او تأثیری در تشدید مجازات نخواهد داشت و کافی است که مرتکب، در ارتکاب جرم عامد بوده و سن نیز کم‌تر از نصاب مقرر باشد.

دوم: ربودن با وسیله نقلیه، آدم‌ربایی در زمره جرایمی است که نوع وسیله ارتكابی در ماهیت آن مؤثر نیست و فقط می‌تواند در میزان مجازات اثرگذار باشد. هر چند وسیله نقلیه در ماده‌ی ۶۲۱ بیشتر منصرف به وسیله نقلیه موتوری می‌باشد، اما اطلاق آن شامل وسیله نقلیه موتوری و غیر موتوری می‌باشد.^[۷۲]

سوم: ایراد آسیب جسمی یا حیثیتی به مجنی‌علیه؛ آسیب جسمی اگر چه ظهور در آسیب بدنی دارد، اما آسیب روحی و روانی را هم دربر می‌گیرد. ایراد صدمه به مجنی‌علیه یا بر اثر عملیات آدم‌ربایی است؛ مانند این‌که مجنی‌علیه در برابر اقدامات آدم‌ربا مقاومت کرده و به او آسیبی برسد و یا این‌که آدم‌ربایی به قصد اذیت و آزار مجنی‌علیه باشد و در نتیجه به او آسیبی برسد. آنچه حائز اهمیت است وجود رابطه علیت میان ربودن و ورود آسیب می‌باشد. بنابراین اگر مجنی‌علیه در محل اختفای خود اقدام به خودکشی کند و یا برای فرار، خود را از جایی پرت کند مشمول این عنوان مشدده نخواهد شد؛ اما چنان‌چه بر اثر ربودن و عدم تغذیه صحیح، آسیبی به او برسد موجب تشدید مجازات خواهد بود.

ذکر چند نکته در مورد این علت مشدده لازم و ضروری است:

۱- اعمال تشدید در این مورد، موقوف به دو جهت قبلی نمی‌باشد و به تنهایی برای تشدید مجازات کافی خواهد بود.

۲- در صورت جمع جهات تشدید تنها یک مجازات آن هم مجازات اشد اعمال می‌شود.

۳- آسیب‌های جسمی اعم از قتل، ضرب یا جرح است و اهمیتی ندارد که این صدمات از جانب

آدم‌ربا یا غیر آن وارد شده باشد. ولی باید در رابطه با جرایم مذکور باشد و به عبارت دیگر میان آدم‌ربایی با صدمه رابطه سببیت وجود داشته باشد تا بتوان مجازات اشد را اجرا کرد.

۴- تشدید مجازات در موارد فوق (حداکثر مجازات) به معنی تعیین یک مجازات برای جرایم ارتكابی نیست و لذا چنانچه آدم‌ربا مرتکب جرایم دیگری شود به مجازات آن جرم نیز محکوم می‌شود. اعم از آن که جرایم دیگر حد، قصاص، دیه، تعزیر باشد.

آسیب حیثیتی نیز به معنای آن است که آبرو و حیثیت مجنی علیه در معرض تضییع قرار بگیرد و چنین آسیبی باید از سوی مجنی علیه به اثبات برسد. هر چند در مواردی که مجنی علیه، پسر بچه‌ای زیبا یا از جنس مؤنث باشد، مفروض دانسته شده است.^[۷۳]

۲-۱-۱-۱-۱-۲. قانون فرانسه

اول: قربانی کم‌تر از پانزده سال، ماده ۵-۲۲۴ در راستای همین موضوع می‌باشد که چنانچه قربانی کم‌تر از پانزده سال داشته باشد موجبی برای تشدید مجازات می‌باشد. «اگر بزه‌دیده یکی از جنایت‌های پیش‌بینی شده در مواد ۱-۲۲۴ تا ۴-۲۲۴ کودک زیر پانزده سال باشد و مجازات جرم، حبس عمومی جنایی تا سی سال باشد، به حبس جنایی عمومی تا ابد و اگر حبس جنایی تا بیست سال باشد به حبس جنایی عمومی تا سی سال افزایش می‌یابد.»

دوم: قطع عضو، معلولیت، شکنجه، اعمال وحشیانه شکنجه‌گری قربانی و مرگ وی، ماده‌ی ۲-۲۲۴ بیانگر این علل مشدده می‌باشد. با این توضیح که: «اگر بزه‌دیده دچار نقص عضو یا معلولیت دائمی باشد که عمداً یا به علت شرایط نگهداری، از غذا یا مراقبت محروم شده باشد مجازات جرم پیش‌بینی شده در ماده ۱-۲۲۴، حبس جنایی عمومی تا سی سال خواهد بود. اگر پیش از این جرم یا همراه با آن، شکنجه یا اعمال وحشیانه ارتکاب یابد یا منجر به مرگ بزه دیده شود، مجازات آن، حبس جنایی عمومی تا ابد خواهد بود.»

سوم: باند سازمان‌دهی شده و تعداد افراد دستگیر و حبس شده؛ مطابق ماده ۳-۲۲۴: «اگر جرم پیش‌بینی شده در ماده ۱-۲۲۴ یا در باند سازمان‌یافته یا نسبت به چند شخص ارتکاب یابد مجازات حبس جنایی عمومی تا سی سال خواهد داشت.» با وجود این، اگر شخصی که حبس یا توقیف شده یا کلیه‌ی اشخاص حبس یا توقیف شده، به طور ارادی، در مهلت پیش‌بینی شده در بند سوم ماده ۱-۲۲۴ (پیش از پایان هفتمین روز از تاریخ زندانی) آزاد شوند مجازات حبس جنحه‌ای تا ده سال خواهد شد مگر این‌که بزه‌دیده، یا یکی از بزه‌دیدگان، متحمل یکی از آسیب‌های جسمی مذکور در ماده ۲-۲۲۴ شود.»

بنابراین اگر هر کدام از اعمال مطرح شده در ماده ۲-۲۲۴ رخ ندهد و افراد دستگیر شده به طور ارادی قبل از پایان روز هفتم از شروع حبس، آزاد شوند، محکومیت به ده سال زندان تغییر می‌یابد. [۷۴]

چهارم: قربانی دستگیر و حبس شده به عنوان گروگان، ماده ۴-۲۲۴ بیان می‌دارد «اگر شخص به عنوان گروگان، برای زمینه‌سازی یا کمک به ارتکاب جنایت یا جنحه، یا برای کمک به فرار یا برای مصون ماندن مباشر یا معاون جنایت یا جنحه برای اجرای دستور یا شرط، به ویژه پرداخت باج، بازداشت، ربوده، حبس یا توقیف شده باشد جرم پیش‌بینی شده در ماده‌ی ۱-۲۲۴ مجازات حبس جنایی عمومی تا سی سال خواهد داشت.»

با وجود این، بند سوم این ماده مشخص می‌کند که اگر فرد گروگان گرفته شده به طور ارادی قبل از پایان روز هفتم از زمان دستگیری‌اش آزاد شود و هیچ‌گونه شرط و دستوری اجرا نشده باشد و هیچ‌گونه شکنجه‌ای که در ماده ۲-۲۲۴ بیان شده، بر قربانی تحمیل نشده باشد، محکومیتی معادل با ۱۰ سال زندان پیش‌بینی شده است. [۷۵]

۲-۱-۱-۱-۳. مجازات‌های ناظر بر اشخاص حقوقی

در حقوق کیفری ایران با آن که مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی به صورت صریح توسط قانون‌گذار مورد پذیرش قرار نگرفته بود اما در برخی از مواد قانونی بر مسئولیت اشخاص حقوقی به صورت استثنا اشاره شده بود. برای مثال در مقررات مصوب قبل از انقلاب در ماده واحده مربوط به ضبط اموال متعلق به احزاب منحل شده مقرر شده بود: «اموال متعلق به هر حزب و هر دسته یا جمعیت یا شبه جمعیتی که به هر نحوی مشمول مواد ۱، ۲، ۳، ۴، ۵ قانون مصوب خرداد ماه ۱۳۱۰ بوده و از طرف دولت به استناد اصل ۲۱ قانون اساسی منحل می‌شود ضبط می‌گردد.»

قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ بر خلاف قانون مجازات اسلامی سابق مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی را به صورت صریح پذیرفته است و طی مواد ۲۰ تا ۲۲ ق.م.ا. جدید به آن اشاره کرده است و از یک‌سو ضمانت اجرای قابل اعمال بر اشخاص حقوقی را شامل:

الف: انحلال شخص حقوقی، ب: مصادره کل اموال، پ: ممنوعیت از یک یا چند فعالیت شغلی یا اجتماعی به طور دائم یا حداکثر برای مدت پنج سال، ت: ممنوعیت از دعوت عمومی برای افزایش سرمایه به طور دائم یا حداکثر برای مدت پنج سال، ث: ممنوعیت از اصدار برخی اسناد تجاری حداکثر برای مدت پنج سال، ج: جزای نقدی، چ: انتشار حکم محکومیت به وسیله رسانه‌ها دانسته است و از طرف دیگر برخلاف نظام حقوق فرانسه که مجازات شخص حقوقی را فرع بر مجازات شخص حقیقی پذیرفته و هرگاه به هر دلیلی شخص حقیقی مجازات نشود، مجازات شخص حقوقی نیز ساقط می‌گردد. در حقوق ایران مجازات‌های ناظر بر اشخاص حقوقی و حقیقی به صورت مجزا پذیرفته شده است و سقوط مجازات شخص حقیقی به معنای سقوط مجازات شخص حقوقی نیست.^[۷۶]

تحولات حقوق کیفری فرانسه در زمینه‌ی مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی را در چهار مرحله می‌توان مورد بررسی قرار داد:

مرحله نخست مربوط به زمانی است که دکترین حقوق و رویه قضایی با استناد به دلایلی مانند عدم قصد مجرمانه و نیز مشکلات مربوط به اجرای مجازات معمول بر اشخاص حقوقی، به صورت کلی مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی را منتفی می‌دانستند. در مرحله دوم به دلیل افزایش روز افزون فعالیت‌های گوناگون شرکت‌ها و سایر اشخاص حقوقی، مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی به تدریج مورد پذیرش واقع شد؛ اما باید توجه داشت که پذیرش صریحی در متون قانونی مصوب مشاهده نمی‌شد. تصویب ماده ۲-۱۲۱ قانون جزای جدید فرانسه که مربوط به دوران سوم تحولات ناظر بر مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در حقوق کیفری کشور فرانسه است، مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی را مورد پذیرش قرار می‌دهد. مرحله چهارم این تحولات نیز به دلیل تصویب ماده قانونی ۲۰۴ در تاریخ ۹ مارس ۲۰۰۴ به وجود آمد که بر اساس آن به‌طور کلی در همه جرایم مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در حقوق کیفری فرانسه مورد پذیرش قرار گرفت.

بر اساس قانون کیفری کشور فرانسه قانون‌گذار مجازات‌های «انحلال، ممنوعیت دائمی یا برای مدت حداکثر پنج سال جهت اجرای مستقیم یا غیرمستقیم یک یا چند فعالیت شغلی، مشمول مراقبت قضایی قرار گرفتن به مدت پنج سال، بسته شدن دائمی یا برای مدت حداکثر پنج سال، اخراج دائمی یا برای مدت حداکثر پنج سال از بازارهای عمومی، ممنوعیت دائمی یا برای مدت حداکثر پنج سال از فراخوان عمومی برای سرمایه‌گذاری، ممنوعیت برای مدت حداکثر پنج سال از صادر کردن چک، ضبط و مصادره شیء که در ارتکاب جرم به‌کاررفته یا مقصود، به‌کارگیری آن در ارتکاب جرم بوده یا از ارتکاب جرم به‌دست‌آمده است، اعلان رأی دادگاه یا نشر آن توسط مطبوعات یا به وسیله ارتباط جمعی سمعی و بصری» را برای اشخاص حقوقی در نظر گرفته است.

بنابراین از مقایسه سیاست کیفری ایران و فرانسه در این زمینه می‌توان این‌گونه نتیجه گرفت

که در حقوق هر دو کشور، سیاست‌ها و رویکردهای جدیدی از سوی قانون‌گذار در زمینه‌ی مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی قابل مشاهده است.^[۷۷]

۲-۱-۲. مجازات‌های تکمیلی

مجازات‌های تکمیلی به مجازاتی گفته می‌شود که به مجازات اصلی افزوده می‌شود و مجازات اصلی را تکمیل خواهد کرد و قاضی موظف به قید آن‌ها در دادنامه می‌باشد. این نوع مجازات‌ها به تشخیص دادگاه بر مجرم تحمیل می‌شود.^[۷۸] مجازات تکمیلی در قوانین ایران از حیث ماهیت دارای ابهام هستند و به تبع آن در رویه قضایی کم‌تر به آن توجه شده است. چرا که گاهی تحت عنوان مجازات اصلی و گاهی زیر عنوان اقدامات تأمینی و یا مجازات‌های تبعی مورد توجه بوده است. مطابق اصول، مجازات‌های تکمیلی به مجازات‌های اصلی اضافه می‌شوند. خود مجازات‌های تکمیلی نیز به دو گروه مجازات‌های تکمیلی اجباری و مجازات‌های تکمیلی اختیاری تقسیم می‌شوند. برای مجازات‌های تکمیلی اجباری می‌توان به ضبط اموال اشاره کرد که یکی از فراوان‌ترین این نوع مجازات‌هاست. در مورد مجازات‌های تکمیلی اختیاری نیز می‌توان به منع اقامت، ضبط اموال و هم‌چنین ممنوعیت از حقوق مدنی، اجتماعی یا خانوادگی اشاره کرد.^[۷۹]

مجازات‌های تکمیلی در قوانین ایران برگرفته از حقوق جزای فرانسه است و نظریات حقوقدانان فرانسوی بر دیدگاه تدوین‌کنندگان سیاست جنایی ایران تأثیر به‌سزایی داشته است. در اینجا لازم است مجازات تکمیلی در حقوق فرانسه به نحو اجمالی مورد بررسی قرار گیرند.

در حقوق کشور فرانسه مجازات‌های تکمیلی دارای مشخصات اصلی هستند. از جمله این‌که می‌توانند در کنار مجازات‌های اصلی مورد حکم واقع شوند و قانون‌گذار باید برای هر جرمی به صورت خاص مجازات تکمیلی تعیین کند.^[۸۰] قانون مجازات جدید فرانسه که در سال ۱۹۹۲

میلادی تصویب شد و در سال ۱۹۹۴ میلادی لازم‌الاجرا گردید، جدول مجازات را در مواد ۱۳۱-۱ تا ۱۳۱-۱۸ و ۱۳۱-۲۷ تا ۱۳۱-۴۴ پیش‌بینی کرده است. این جدول مبنای طبقه بندی جرایم به جنایت، جنحه و خلاف است. این قانون با قبول مسئولیت جزایی برای اشخاص حقوقی، مجازات‌های تکمیلی را نیز، هم برای اشخاص حقوقی و هم برای اشخاص حقیقی تعیین نموده است. برای اشخاص حقیقی در محکومیت به جرایم جنحه و خلاف، مجازات تکمیلی تعیین می‌شود. این مجازات ممکن است شامل ممنوعیت حق، سقوط حق، عدم اهلیت یا استرداد یک حق و... باشد. (۱۳۱-۱۰ قانون جزای فرانسه). قاضی می‌تواند در امور جنحه فقط به یک یا چند مجازات تکمیلی به عنوان مجازات اصلی حکم دهد. در این صورت، حبس و یا جزای نقدی که به عنوان مجازات اصلی پیش‌بینی شده است، توأم با مجازات تکمیلی نمی‌توانند مورد حکم واقع شوند. ماده ۱۶-۱۳۱ قانون مجازات جدید فرانسه، مجازات تکمیلی را که ممکن است به وسیله آیین‌نامه‌ای برای خلاف‌های طبقه پنجم پیش‌بینی شود، تعیین می‌کند. این مجازات‌ها عبارت‌اند از ممنوعیت حداکثر به سه سال، صدور چک غیر از چک وصول وجه چک گواهی شده و مجازات کار عام‌المنفعه برای مدت ۲۰ تا ۱۲۰ ساعت. مجازات‌های تکمیلی عمومی نیز عبارت‌اند از: تعلیق گواهینامه رانندگی حداکثر به مدت سه سال، استرداد پروانه شکار با منع درخواست پروانه جدید حداکثر به مدت سه سال و ضبط چیزی که در ارتکاب جرم به کار رفته است و یا به این منظور اختصاص یافته و یا از آن به دست آمده است. در مورد اعمال مجازات‌های تکمیلی برای اشخاص حقوقی نیز، در صورت پیش‌بینی آیین‌نامه‌ای برای کلیه خلاف‌ها، قاضی می‌تواند حکم ضبط مال صادر کند. برای خلاف‌های طبقه پنجم ماده ۴۵-۱۳۱ منع صدور چک به مدت سه سال پیش‌بینی می‌کند. این مجازات‌های تکمیلی ممکن است به عنوان مجازات اصلی به جای جزای نقدی مورد حکم واقع شوند. مطابق اصول، مجازات‌های تکمیلی به مجازات‌های اصلی اضافه می‌شوند.

هم‌اکنون مجازات‌های تکمیلی در ماده‌ی ۲۳ قانون مجازات اسلامی ذکر شده است. در قانون جدید مجازات اسلامی، مجازات‌های تکمیلی از دو بعد توسعه پیدا کرده است.

نخست، مصادیقی که قانون جدید مجازات اسلامی تحت عنوان مجازات تکمیلی در نظر گرفته است، نسبت به قوانین سابق دامنه وسیع‌تری را شامل می‌شود. گرچه اغلب این مصادیق در قوانین سابق تحت عنوان مواد خاصی جهت اعمال به همراه مجازات‌های اصلی، شناسایی شده بودند ولی مجازات تکمیلی بودن آن‌ها همیشه با تردید مواجه بوده است. برای نمونه می‌توان به مجازات محرومیت از رانندگی یا تصدی وسایل موتوری ذکر شده در ماده ۷۱۸ قانون تعزیرات اشاره کرد.

دیگری، مربوط به محکومیت‌هایی است که می‌توان مجازات تکمیلی را افزون بر آن‌ها اعمال کرد. در قوانین بعد از انقلاب، دادگاه‌ها تنها در موارد محکومیت‌های تعزیری (قانون راجع به مجازات اسلامی) یا تعزیری و مجازات‌های بازدارنده (قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰) می‌توانست مجازات‌های تکمیلی را مورد حکم قرار دهد. این محکومیت‌ها در قانون جدید به حدود و قصاص نیز تسری پیدا کرده است.^[۸۱]

در نهایت باید گفته شود که با توجه به ماده‌ی ۲۳، جرم آدم‌ربایی در زمره جرایمی است که می‌توان مجازات‌های تکمیلی را بر آن بار کرد.

در کشور فرانسه نیز نسبت به اشخاص حقیقی که مرتکب جرم آدم‌ربایی شده‌اند با توجه به پیش‌بینی‌های ماده ۹-۲۲۴ مجازات‌های تکمیلی به شرح زیر اعمال می‌شود:

۱. محرومیت از حقوق اجتماعی، مدنی و خانوادگی.

۲. ممنوعیت اشتغال به شغل عمومی یا اشتغال به فعالیت حرفه‌ای یا اجتماعی که جرم به هنگام یا به مناسبت آن ارتکاب یافته است.

۳. ممنوعیت نگه‌داری یا حمل سلاح نیازمند پروانه، حداکثر تا پنج سال .

۳-۱-۲. مجازات‌های تبعی

یکی از انواع مجازات‌ها، مجازات تبعی است که در تقسیم‌بندی مجازات‌ها به اصلی و تکمیلی و تبعی مطرح می‌شود.

مجازات تبعی به تبع حکم محکومیت کیفری قطعی و مؤثر، بی‌آنکه در حکم دادگاه قید شود به عنوان مکمل مجازات اصلی نسبت به محکوم‌علیه بار می‌شود. محکومیت‌های مؤثر و نوع و میزان مجازات‌های تبعی به موجب قانون تعیین می‌شود. وقتی کسی مرتکب جرمی شود دیگر جامعه به او اعتماد نمی‌کند و او را از تمام یا پاره‌ای از حقوق اجتماعی محروم می‌کند. مدت مجازات‌های تبعی باید مشخص و معقول باشد. امروزه بحث مجازات‌های تبعی از آن جهت حائز اهمیت است که اگر چه وضعیت این نوع مجازات‌ها در قوانین روشن و مدون بود ولی مجازات‌های تبعی در قوانین جزایی پس از انقلاب به سکوت برگزار شد و دچار ابهام گردید.

بالاخره در سال ۱۳۷۷ قانون‌گذار به این نقیصه بزرگ توجه کرد و با تصویب ماده ۶۲ مکرر قانون مجازات اسلامی درصدد رفع آن برآمد. ذکر سوابق تقنینی مجازات‌های تبعی به روشن شدن مطلب کمک خواهد کرد.

ماده‌ی ۱۵ از قانون مجازات عمومی سال ۱۳۵۲ به مجازات‌های تبعی اختصاص داشت. پس از انقلاب اولین قانون جزایی که جانشین و ناسخ قانون مجازات عمومی سال ۱۳۵۲ محسوب می‌گردد در سال ۱۳۶۱ تحت عنوان «قانون راجع به مجازات اسلامی» به تصویب رسید که مجازات‌های تبعی اصولاً می‌بایست در بخش کلیات و مواد عمومی گنجانده می‌شد لیکن وضعیت مجازات‌های تبعی در سکوت باقی ماند. با توجه به سکوت قانون‌گذار، در این زمینه اختلاف نظر پیش آمد از یک سو می‌توان گفت که در موارد سکوت می‌توان به قانون مجازات

عمومی ۱۳۵۲ مراجعه کرد. لیکن از طرف دیگر باید گفته شود که قانون‌گذار بعد از انقلاب با وضع قوانین به طور ضمنی تمام مقررات مجازات عمومی (۱۳۵۲) را نسخ کرد. رویه قضایی نیز به نظر دوم توجه کرد و هیچ‌گاه به قانون مجازات عمومی توجه نکرد. ق.م.ا. مصوب ۱۳۷۰ نیز هم چنان مجازات‌های تبعی را به سکوت برگزار کرد تا این که در خرداد ۱۳۷۷ مجلس شورای اسلامی با وضع ماده ۶۲ مکرر، مجازات‌های تبعی را مجدداً تدوین و قانون‌مند کرد.^[۸۲]

هم‌اکنون نیز مجازات‌های تبعی در ماده ۲۵ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ مورد شرح واقع گردیده است. اولین نکته‌ای که در این ماده باید به آن توجه کرد این است که مجازات‌های تبعی صرفاً در مورد جرایم عمدی اعمال می‌گردد. دیگر این که ذکر قید «پس از اجرای حکم یا شمول مرور زمان» از نوآوری‌های قانون جدید محسوب می‌شود.

در حقوق فرانسه تحولات تقنینی ناظر بر کیفرهای تبعی در راستای حذف یا محدود کردن آن‌ها بوده است. درحالی‌که در برخی از مواد قانون جزای سابق فرانسه (۲۸ و ۲۹) به برخی از محرومیت‌های اجتماعی مانند ممنوعیت به اشتغال برخی از مشاغل تجاری و صنعتی اشاره کرده بود. در قانون جزای جدید اشاره‌ای به کیفرهای تبعی نشده است و قانون‌گذار در برخی از مواد قانونی خارج از قانون جزا، به برخی از کیفرهای تبعی اشاره کرده است.^[۸۳] برای مثال می‌توان به ممنوعیت اشتغال به یک حرفه تجاری اشاره کرد که به موجب قانون ۳۰ اوت ۱۹۴۷ نسبت به تمام کسانی که به سه ماه حبس بدون تعلیق محکوم شده‌اند قابلیت اجرایی دارد.^[۸۴] جرم آدم‌ربایی هم در حقوق ایران و هم در حقوق کشور فرانسه در زمره جرایمی است که می‌توان محکوم را از حقوق اجتماعی به عنوان مجازات تبعی (بند ب ماده ۲۵) محروم کرد. برای مثال در فرانسه مطابق ماده‌ی ۱۰-۲۲۴ در مورد اشخاص حقیقی مرتکب جرم آدم‌ربایی مراقبت اجتماعی - قضایی پیش‌بینی شده است. در اینجا لازم است به وجه تفاوت مجازات‌های تبعی و تکمیلی پرداخت:

پیش از این هر جا که مجازات‌های تکمیلی بیان می‌شدند، مجازات‌های تبعی در کنار آن ذکر شده و مرز بین این دو مجازات با توجه به مصادیق مشترکی که داشتند، از هم مشخص نبود. از این رو تفکیک بین مجازات تکمیلی و تبعی به ذکر یا عدم ذکر آن در دادنامه واگذار شده بود. لیکن در قانون جدید، قانون‌گذار سعی کرده است بین مجازات‌های تکمیلی و تبعی تفکیک قائل شود. به این صورت که مصادیق ذکر شده برای مجازات‌های تکمیلی متفاوت از مجازات‌های تبعی می‌باشد. گرچه در برخی موارد ممکن است باهم، هم‌پوشانی داشته باشند؛ برای مثال منع از اشتغال به شغل یا حرفه معین در ماده‌ی ۲۳ می‌تواند از مصادیقی باشد که فرد به عنوان مجازات‌های تبعی از آن محروم می‌شود. علاوه بر این می‌توان به مدت‌های ذکر شده برای این دو نیز اشاره کرد. به این صورت که مجازات تکمیلی بنا به تبصره یک ماده‌ی ۲۳ بیش از دو سال نخواهد بود مگر در مواردی که در قانون به نحو دیگر مقرر شده باشد. درحالی‌که مدت مجازات‌های تبعی هفت سال، سه سال و دو سال، حسب مورد خواهد بود.^[۸۵]

۲-۲. مبحث دوم: عوامل مشدده و اقدامات ارفاقی

تخفیف و تشدید مجازات‌ها از راه کارهای سیستم‌های جزایی جهان در مبارزه علیه جرم است. اصل شخصی بودن مجازات‌ها ایجاب می‌نماید بر مرتکبانی که جرایم مشابه از آن‌ها سرزده متناسب با وضعیت و شخصیت آن‌ها و جرم ارتكابی برخورد شود. علل تخفیف و تشدید، گاه در مجرم نهفته است و گاه به جرم بر می‌گردد و این علل در دو مجرای کیفیات و معاذیر به تطبیق مجازات با مرتکب جرم می‌پردازد. کیفیات مخففه و مشدده جهاتی هستند که به طور عموم و صرف‌نظر از نوع جرم، زمینه تخفیف و تشدید مجازات را فراهم می‌نماید؛ و عذرها یا جهات تخفیف دهنده را فراهم می‌آورد؛ و عذرها یا جهات تخفیف دهنده مجازات یا تشدیدکننده آن، علی هستند که در جرمی خاص مدنظر قانون‌گذار قرار گرفته و به منظور رسیدن به اهداف خاص مجازات‌ها اعمال می‌گردد.

در ادامه طی دو گفتار به بررسی عوامل مشدده و مخففه پرداخته خواهد شد.^[۸۶]

۲-۲-۱. عوامل مشدده

جهت تشدید مجازات اوصاف و کیفیاتی است که قانون‌گذار تعیین نموده و سبب بالا رفتن میزان مجازات می‌شود. تشدید مجازات تنها در صورتی ممکن است که از طرف خود قانون پیش‌بینی شده باشد و قاضی نمی‌تواند به میل خود و در غیر از مواردی که تشدید مجازات از طرف قانون مقرر شده، مجازات جرمی را افزایش دهد. فلسفه تشدید مجازات درباره‌ی مجرم و وارد ساختن زیان شدید به وی در واقع شدت زبانی است که بر اثر ارتکاب جرم، وارد می‌آورد و همان‌طور که بنا و اساس ساختمان جرم و لزوم مجازات بر روی پایه و اصل زیان گذاشته شده است، کیفیت شدت و ضعف زیان جرم هم اصل دیگری است به منظور تشدید و تخفیف مجازات‌ها. موجبات تشدید مجازات‌ها به اعتبار ذات و طبیعت فعل و جرم و حالات فاعل و از حیث اختصاص و تعمیم در جرائم به چهار نوع تقسیم می‌شوند:

۱. موجبات تشدید مفعولی که به اعتبار ذات و طبیعت عمل و جرم می‌باشد؛ مثلاً چنانچه آدم‌ربایی همراه با ارکان دیگری همچون استفاده از وسایل نقلیه موتوری باشد مجازات حبس چنین عملی اشد می‌باشد.

۲. موجبات تشدید فاعلی که به اعتبار حالات فاعل جرم است. مثلاً در جرم آدم‌ربایی اگر در همان لحظه آدم‌ربایی، برای مجرم قصد آسیب رساندن جسمی و حیثیتی پیش بیاید بدون آن‌که قبل از مواجهه، تصمیم به رساندن آسیب داشته باشد مجازات چنین اشخاصی نباید یکسان باشد؛ زیرا قصد و تصمیم قبلی کاشف از شدت زشتی سرشت مرتکب جرم و شر بزرگ و خطیری برای جامعه و سلامت عمومی می‌باشد.

۳. موجبات تشدید به اعتبار وجود آن‌ها در جرایم مخصوصه که اسباب تشدید خاص نامیده

می‌شود.

۴. موجبات تشدید به اعتبار تعمیم و توسعه آن‌ها در جرایم که آن‌ها را اسباب تشدید عام گویند.^[۸۷] در ادامه بیشتر به شرح این دو مورد پرداخته خواهد شد.

همان‌گونه که گفته شد؛ در یک طبقه‌بندی، جهات تشدید مجازات به کیفیات مشدده عمومی (عام) و کیفیات مشدده اختصاصی (خاص) تقسیم می‌شوند. که در ادامه مورد بحث و بررسی قرار خواهند گرفت.

۲-۱-۱-۱. عوامل مشدده عام

کیفیات مشدده عمومی به اسباب و عواملی اطلاق می‌شود که به جرایم معینی اختصاص ندارد، بلکه در هر جرمی مصداق پیدا کند باعث تشدید مجازات خواهد شد. تعدد و تکرار، دو مصداق انحصاری کیفیات مشدده عمومی در قوانین کیفری می‌باشند. قواعد تعدد و تکرار در مباحث تعزیری، مجزا از مبحث حدود می‌باشد و هر یک تابع احکام و قواعد خاص خود می‌باشد. فصل پنجم و ششم بخش چهارم قانون مجازات اسلامی اختصاص به این دو عنوان دارد.

۲-۱-۱-۲. تعدد جرم

یکی از راه‌کارهای فردی کردن مجازات‌ها، کیفیت واکنش در برابر تعدد جرایم است که از علل تشدید مجازات محسوب می‌شود. در مقررات قبل از انقلاب قانون‌گذار به تبعیت از حقوق فرانسه تعدد را ارتکاب جرایم متعدد، بدون آن‌که در مورد هر کدام حکم محکومیت قطعی کیفری صادر شده باشد می‌دانست، اما پس از انقلاب تعدد را عبارت از ارتکاب جرایم متعددی که برای هر یک از آن‌ها حکم محکومیت قطعی صادر شده باشد اما به مرحله اجرا نرسیده باشد می‌دانست؛ و در حال حاضر مطابق قانون مجازات اسلامی ۹۲ تعدد جرم عبارت است از ارتکاب جرایم متعدد بدون آن‌که متهم برای اتهامات متعدد پیشین خود به محکومیت کیفری قطعی

رسیده باشد، خواه جرایم متعدد در فواصل کوتاهی ارتکاب یافته باشد، خواه متهم متواری بوده و یا جرایم او به دلایل گوناگونی کشف نشده باشد. تعدد جرم همان‌گونه که قبلاً مورد اشاره واقع شد از جهات تشدید مجازات است؛ زیرا عدالت و انصاف حکم می‌کند که مجازات کسی که یک‌بار مرتکب جرم شده و آن‌کسی که چندین بار نظم اجتماعی را مختل کرده است یکسان نباشد. از سوی دیگر ارتکاب جرایم متعدد گاه نشانه ناسازگاری و حالت خطرناک بزه‌کار است. در نتیجه دفاع جامعه اقتضاء می‌کند که نسبت به حالت خطرناک بزه‌کاران ناسازگار تصمیم دیگری غیر از مجازات اتخاذ شود. تعدد جرم صورت‌های گوناگونی دارد. گاه کسی مرتکب افعال متعددی شده است که هر یک از آن‌ها جرم واحدی به شمار می‌رود، یعنی افعال مادی‌ای که هر یک وصف قانونی مستقلی دارد، در این صورت با فرض تعدد واقعی روبه‌رو هستیم. ولی تعدد جرم فرض دیگری نیز دارد با عنوان تعدد اعتباری و آن به این صورت است که کسی فعل واحدی مرتکب شده، لیکن فعل او دارای عناوین متعدد جرم است؛ به عبارت دیگر فعل واحد مشمول چند توصیف مجرمانه است.^[۸۸] مواد قانونی مربوط به تعدد جرم در قانون مجازات اسلامی از مواد ۱۳۱ الی ۱۳۵ می‌باشد، ولی با توجه به این‌که جرم آدم‌ربایی در زمره جرایم قابل تعزیر می‌باشد صرفاً مقررات تعزیری مورد شرح و بررسی قرار خواهد گرفت.

ماده ۱۳۱ مقرر می‌دارد: «در جرایم موجب تعزیر هرگاه رفتار واحد دارای عناوین متعدد مجرمانه باشد، مرتکب به مجازات اشد محکوم می‌شود.»

این ماده بیان‌گر تعدد معنوی می‌باشد؛ مثلاً چنان‌چه شخصی، فردی را که همراه او ساکی پر از شمش طلا می‌باشد را برباید دو جرم آدم‌ربایی و سرقت رخ داده است. در این‌گونه موارد دادگاهی که صلاحیت رسیدگی به جرم اشد را دارد برای رسیدگی به موضوع، صالح می‌باشد. در رابطه با این موضوع که چنانچه مرتکب به جهت جرم اشد برائت یابد می‌توانیم او را به واسطه‌ی عنوان مجرمانه‌ی دیگری تعقیب نماییم، میان حقوقدانان اختلاف نظر می‌باشد، برخی

معتقدند که عنصر مادی واحد، مجازات واحد را در پیش دارد و چون با یک تعقیب، مجازات از آن نفی شده است، مجازات مجدد مفهومی ندارد.^[۸۹] برخی دیگر معتقدند که چون عمل وی نقض ماده قانونی دیگری هم هست، مشمول امر مختومه نیست و قابل تعقیب می‌باشد.^[۹۰]

این نظر از پشتوانه منطقی برخوردار است. یکی از آثار تعدد جرم در قانون جدید مجازات اسلامی، تشدید مجازات است که قانون‌گذار آن را فقط در جرایم تعزیری البته به جز تعزیرات درجه هفت و هشت که در آن‌ها مجازات‌ها با هم و با سایر مجازات‌های تعزیری جمع می‌شود، پذیرفته است. ماده ۱۳۴ بیان‌کننده این مطلب است و دربردارنده نکات زیر می‌باشد:

الف) در صورتی که شخص، مرتکب دو یا سه فقره جرم شده: چنانچه همه مجازات‌ها دارای حداقل و حداکثر باشند، حداکثر مجازات تعیین می‌شود و از میان آن‌ها مجازات اشد اجرا می‌شود و چنانچه همه یا برخی از مجازات‌ها دارای حداقل و حداکثر نباشند، در مجازات‌های ثابت تا یک‌چهارم به مجازات اضافه می‌شود و در سایر موارد، مرتکب به حداکثر مجازات محکوم می‌شود و از میان این مجازات‌ها، مجازات اشد اجرا می‌شود.

ب) در صورتی که جرایم شخص بیش از سه فقره باشد: چنانچه همه مجازات‌ها دارای حداقل و حداکثر باشند مجازات مرتکب تا حداکثر به‌علاوه‌ی نصف مجازات حداکثر تعیین می‌شود و از میان آن‌ها، مجازات اشد اجرا می‌شود. و در صورتی که همه یا برخی از مجازات‌ها دارای حداقل و حداکثر نباشند، در مجازات‌های ثابت تا نصف به مجازات افزوده می‌شود و در سایر موارد مجازات مرتکب تا حداکثر به‌علاوه نصف مجازات تعیین می‌شود و از میان این مجازات‌ها، مجازات اشد اجرا می‌شود.^[۹۱]

۲-۲-۱-۱-۲. تکرار جرم

منظور از تکرار جرم آن است که مرتکب پس از محکومیت قطعی نسبت به رفتار مجرمانه،

دوباره مرتکب جرم شود؛ صرف‌نظر از این‌که هر دو جرم از عناوین مجرمانه واحد باشند یا متعدد.^[۹۲] مواد قانونیه مربوط به تکرار جرم مواد ۱۳۶ الی ۱۳۹ می‌باشد. از آنجایی‌که جرم آدم‌ربایی در زمره جرایم تعزیری می‌باشد لازم است در اینجا صرفاً به شرح و بررسی مواد ۱۳۷ و تبصره و بند الف ماده ۱۳۹ پرداخته شود:

ماده ۱۳۷ مقرر می‌دارد: «هرکس به‌موجب حکم قطعی به یکی از مجازات‌های تعزیری از درجه‌یک تا شش محکوم شود و از تاریخ قطعیت حکم تا حصول اعاده حیثیت یا شمول مرور زمان اجرای مجازات، مرتکب جرم تعزیری درجه یک تا شش دیگری گردد، به حداکثر مجازات تا یک ونیم برابر آن محکوم می‌شود.»

باتوجه به ماده فوق‌الذکر، برخلاف قانون سابق که معیار تکرار جرم را اجرای حکم می‌دانست، در این قانون ملاک، قطعیت حکم است نه اجرای آن. دیگر این‌که مرور زمان و اعاده حیثیت باعث می‌شود که مقررات تکرار جرم اعمال نشود. البته وقوع هر یک از آن‌ها به‌تنهایی برای اعمال نشدن مقررات تکرار جرم کفایت می‌کند. ذکر این نکته نیز لازم است که چنان‌چه قصاص به هر دلیلی اجرا نشود و تبدیل به مجازات‌های تعزیری شود بازهم مشمول مقررات تکرار جرم است زیرا حکم این ماده شامل محکومیت به یکی از «مجازات‌های تعزیری» می‌باشد. ماده دیگری که در جرم آدم‌ربایی کاربرد دارد بند الف و تبصره ماده ۱۳۹ می‌باشد. مقنن در این ماده این‌گونه مقرر کرده است: «در تکرار جرایم تعزیری در صورت وجود جهات تخفیف به شرح زیر عمل می‌شود: الف) چنان‌چه مجازات قانونی دارای حداقل و حداکثر باشد، دادگاه می‌تواند مجازات مرتکب را تا میانگین حداقل و حداکثر مجازات تقلیل دهد.

تبصره-چنان‌چه مرتکب دارای سه فقره محکومیت قطعی مشمول مقررات تکرار جرم یا بیشتر از آن باشد، مقررات تخفیف اعمال نمی‌شود.»

در این ماده برای تخفیف مجازات مرتکبان مشمول مقررات تکرار جرم، مقررات خاصی

پیش‌بینی شده است و لذا در مقام تخفیف مجازات، استناد به ماده ۳۷ این قانون جایز نیست، ولی جهات تخفیف همان است که در ماده ۳۸ ذکر شده است. هم‌چنین با توجه به عبارت «مشمول مقررات تکرار جرم» این حکم فقط شامل تعزیرات درجه‌های یک تا شش است، چون مجازات‌های تعزیری درجه‌های هفت و هشت مشمول تکرار جرم نیستند.^[۹۳]

بنابراین از آنجایی که جرم آدم‌ربایی دارای مجازات حداقل و حداکثر می‌باشد دادگاه می‌تواند در صورت وجود جهات تخفیف، مجازات مرتکب را تا میانگین حداقل و حداکثر کاهش دهد. هم‌چنین در صورتی که شخصی سه بار مرتکب جرم آدم‌ربایی شده و در هر بار حکم قطعی صادر شود مقررات تخفیف در مورد وی اعمال نمی‌گردد.

در حقوق کشور فرانسه نیز تکرار جرم دو مرحله دارد:

نخست، محکومیت قطعی به علت ارتکاب جرم اولیه

دوم، ارتکاب یک جرم ثانویه مستقل از جرم اولیه.

در کشور فرانسه، تنها تحت تعقیب قرار گرفتن برای تحقق جرم، کافی نیست و از طرف دیگر، تحمل کیفر هم از شرایط تحقق آن نمی‌باشد بلکه یک محکومیت اعلام‌شده در یک رأی قطعی برای تحقق آن کافی است.^[۹۴]

۲-۲-۱-۲. عوامل مشدده خاص

عوامل مشدده اختصاصی عبارت است از اسباب و عواملی که در جرایم خاصی موجب تشدید مجازات می‌شود. در واقع نقطه مقابل عوامل مشدده عام می‌باشند. این عوامل قرینه معاذیر قانونی بوده و به عوامل مشدده عینی و شخصی تقسیم می‌شوند. در ادامه به شرح این دو عنوان پرداخته خواهد شد.

۲-۲-۱-۲-۱. عوامل مشدده عینی

این عوامل که به عنصر مادی جرم مربوطاند، وقایع خارجی مقارن با ارتکاب جرم می‌باشند. و آن عبارت از شرایط و اوضاع واحوال خارجی است که با عمل مجرمانه انجام‌یافته مربوط می‌باشد و جرم را به نحو خاصی خطرناک می‌سازد. بنابراین کیفیات مشدده عینی ناظر بر ماهیت و نحوه‌ی تحقق عنصر مادی جرم است بدون این‌که ارتباطی با خصوصیات فاعل جرم داشته باشد. به‌بیان‌دیگر جهات تشدید مجازات عینی، واقعیات خارجی است که توأم با ارتکاب جرم بوده و جرم را خطرناک می‌سازد؛^[۹۵] مثلاً به‌موجب م ۵۴۷ ق. م. ا. محبوسی که از محبس فرار کرده، محکوم به ۷۴ ضربه شلاق می‌شود. اگر برای فرار در محبس را شکسته، علاوه بر تأمین خسارت وارده به شلاق تا ۷۴ ضربه و ۳ تا ۶ ماه حبس محکوم می‌شود.

در جرم آدم‌ربایی نیز با عوامل مشدده عینی روبه‌رو هستیم که سبب تشدید مجازات این جرم می‌شود:

نخست: استفاده از وسیله خاص در این جرم: و آن هر وسیله‌ای است که ارتکاب جرم را تسهیل می‌کند. استفاده از وسیله نقلیه با توجه به اطلاق ماده، وسیله نقلیه اعم از وسیله نقلیه زمینی، دریایی یا هوایی و اعم از وسیله نقلیه موتوری یا غیر موتوری می‌باشد. از سوی دیگر استفاده از وسیله نقلیه به‌خودی خود موجب تشدید نخواهد شد مگر آن‌که ربودن با آن انجام پذیرد و لذا اگر در آغاز، ربایش بدون وسیله نقلیه صورت پذیرد و پس از چند روز، ربوده‌شده را با وسیله نقلیه به محل دیگری منتقل نمایند، اقدام اخیر را نمی‌توان مصداق این علق مشدده دانست. علت تشدید در این مورد، نقش تسهیل و تسریع‌کنندگی وسایل نقلیه در ارتکاب این جرم است.^[۹۶]

دوم: ورود آسیب جسمی و حیثیتی به مجنی‌علیه: اگر چه منظور از آسیب جسمی، آسیب بدنی

است اما ظاهراً آسیب روحی و روانی را هم در برمی‌گیرد. ایراد صدمه به مجنی‌علیه یا بر اثر عملیات آدم‌ربایی است؛ مانند این‌که قربانی در برابر آسیب در مقابل عملیات آدم‌ربایی مقاومت کند و آسیبی به او برسد و گاهی آدم‌ربا به قصد آزار و اذیت مجنی‌علیه آسیبی به او وارد می‌کند که ظاهر ماده، همه این حالات را در برمی‌گیرد. و آسیب حیثیتی به معنای آن است که آبرو و حیثیت مجنی‌علیه در معرض تضییع قرار گیرد. به نظر می‌رسد با توجه به عبارت «آسیب جسمی» و نیز منصرف بودن تشدید مجازات از شخصیت مرتکب آن، هر نوع صدمه اعم از عمدی و غیرعمدی می‌تواند موجب تشدید مجازات شود ولی باید بین این دو رابطه سببیت وجود داشته باشد. بنابراین، هرگاه رباینده قربانی را به خانه دیگری در همان شهر ببرد و در اثر وقوع زلزله آن خانه ویران شود و قربانی نیز مجروح شود، این تشدید بر رباینده بار نخواهد شد. اما اهمیتی ندارد که صدمه را شخص رباینده وارد کرده باشد. به این ترتیب هرگاه بر اثر تصادف خودرویی که راننده آن اقدام به ربودن شخصی کرده است، شخص ربوده‌شده آسیب ببیند، رباینده مشمول تشدید مجازات خواهد شد. در رابطه با این‌که آسیب حیثیتی باید همراه با آسیب جنسی باشد یا خیر میان حقوق‌دانان اختلاف نظر می‌باشد؛ برخی معتقدند «آسیب حیثیتی ممکن است بدون این‌که سوءاستفاده جنسی از قربانی شده باشد به وی وارد شود»^[۹۷] اما عده‌ای دیگر آسیب حیثیتی را شامل تمام جرایم جنسی اعم از زنا، لواط، تقبیل، مضاجعه، هم بستری و تفخیز می‌دانند و صرف اظهارات موهون و یا دعوت به جرایم فوق را آسیب حیثیتی قلمداد نمی‌کنند.^[۹۸]

عبارت انتهایی ماده «...و در صورت ارتکاب جرایم دیگر به مجازات آن جرم نیز محکوم می‌گردد» مؤید آن است که چنان‌چه آدم‌ربا، مرتکب جرایم دیگر به‌غیراز آدم‌ربایی و اخفا شود به مجازات آن جرم نیز محکوم می‌شود، به‌عبارت‌دیگر قاعده جمع مجازات جاری می‌شود. اعم از آن‌که مجازات‌های جرایم دیگر، حدود، قصاص، دیه و تعزیر، باشد. اما چنان‌چه مرتکب

جرایم دیگر، کسی غیر از آدم‌ربا و مخفی کننده باشد ولی مرتبط با آدم‌ربایی بوده، می‌توان علاوه بر تعیین حداکثر مجازات برای آدم‌ربا، آن دیگری را نیز به جرم آدم‌ربایی محکوم کرد.^[۹۹]

عوامل مشدده عینی در حقوق کشور فرانسه در مورد جرم آدم‌ربایی طی مواد ۲-۲۲۴ و ۳-۲۲۴ و ۲۲۴-۴ مورد اشاره قرار گرفته است.

نخست: این‌که مطابق ماده ۲-۲۲۴ اگر بزه‌دیده دچار نقص عضو یا معلولیت دائمی شود به طوری که عمداً یا به علت شرایط نگهداری، از غذا یا مراقبت، محروم شده باشد مجازات وی حبس جنایی عمومی تا سی سال خواهد بود. همچنین اگر پیش از این جرم یا همراه با آن، شکنجه یا اعمال وحشیانه‌ای ارتکاب یابد یا منجر به مرگ بزه‌دیده شود، مجازات آن حبس جنایی تا ابد خواهد بود.

دوم: اگر جرم آدم‌ربایی در باند سازمان‌یافته یا نسبت به چند شخص ارتکاب یابد مجازات حبس جنایی تا سی سال خواهد داشت (م ۳-۲۲۴).

سوم: اگر شخص به عنوان گروگان، به منظور زمینه‌سازی یا کمک به ارتکاب جنایت یا جنحه، یا برای کمک به فرار یا مصون ماندن مباشر یا معاون جنایت یا جنحه یا به منظور اجرای دستور یا شرط، مخصوصاً پرداخت باج، ربوده شده باشد. مجازات حبس جنایی تا سی سال خواهد داشت (م ۴-۲۲۴).^[۱۰۰]

۲-۲-۱-۲-۲. عوامل مشدده شخصی

کیفیات مشدده شخصی اسباب و عواملی هستند که در شخص مرتکب جرم وجود داشته و این کیفیات به اوصاف و صفات مجرم یا مجنی‌علیه بستگی دارد و مجرمیت شخصی را تشدید می‌کند که واجد این وصف و صفت می‌باشد و موجب تشدید مجازات می‌شود. مثلاً اگر سارق، مستخدم منزل باشد (۶۵۶ ق. م. ا.) و یا زنی واجد شرایط احسان باشد مجازات مرتکب تشدید

می‌شود.^[۱۰۱] مصادیق تشدید شخصی در جرم آدم‌ربایی نیز می‌تواند محقق شود به این شرح که: سن بلوغ به موجب ماده ۱۲۱۰ قانون مدنی برای دختر، ۹ سال تمام قمری و برای پسر ۱۵ سال قمری می‌باشد. ملاک سن در بزه آدم‌ربایی ۱۵ سال تمام است و در این‌جا منظور، سال شمسی است و تفاوتی میان دختر و پسر نیست و سن بلوغ در اینجا تأثیری ندارد، بلکه مهم آن است که مجنی‌علیه در سنی باشد که آسیب‌پذیری او زیاد باشد. علت این‌که قانون‌گذار صغر سن را از علل تشدید مجازات قرار داده آن است که این افراد نیاز به حمایت بیش‌تری دارند. هم‌چنین افراد کم‌سن، زودتر فریب دیگران را می‌خورند و اغفال می‌شوند. بنابراین صرف سن مجنی‌علیه موجب تشدید مجازات است و اقدام یا نتیجه دیگری در این مورد برای تشدید مجازات لازم نیست. هم‌چنین به نظر می‌رسد جهل و اشتباه مرتکب در مورد سن مجنی‌علیه تأثیری در تشدید مجازات نداشته باشد و کافی است که مرتکب در ارتکاب جرم آدم‌ربایی عامد بوده و سن طرف نیز کم‌تر از نصاب مقرر باشد.^[۱۰۲]

آنچه در کشور فرانسه در زمینه‌ی جرم آدم‌ربایی علل مشدده شخصی محسوب می‌شود و مشابه قانون جزایی ایران است، کم‌تر از ۱۵ سال بودن سن مجنی‌علیه می‌باشد. با این توضیح که اگر بزه‌دیده جرم آدم‌ربایی کودک زیر ۱۵ سال باشد و مجازات جرم، حبس عمومی جنایی تا ۳۰ سال باشد به حبس عمومی تا ابد و اگر حبس جنایی تا بیست سال باشد به حبس جنایی عمومی تا سی سال افزایش می‌یابد.^[۱۰۳]

درنهایت باید گفته شود که وجه تمایز میان کیفیات مشدده عینی و شخصی بیش‌تر از نظر رعایت مقررات کیفری شرکت و معاونت در ارتکاب جرم است، زیرا وجود کیفیات عینی مجازات باعث تشدید مجازات مرتکب جرم و سایر کسانی که در وقوع آن جرم، شرکت یا معاونت کرده‌اند، خواهد شد. ولی کیفیات مشدده شخصی، تنها در مورد مرتکب قابل‌اجراست؛ زیرا علت تشدید فقط مربوط به شخص مجرم است.^[۱۰۴]

۲-۲-۲. اقدامات ارفاقی

پس از صدور حکم محکومیت نوبت به اجرای آن می‌رسد. مطابق قاعده، احکام جزایی به محض قطعیت باید به اجرا دربیایند. با این وجود قانون‌گذار به دلیل ارفاق در حق محکوم‌علیه با پیش‌بینی نهادهایی همچون تعلیق اجرای مجازات، آزادی مشروط، عفو و تخفیف اجرای تمام یا بخشی از مجازات‌ها را به تعویق می‌اندازد. در این گفتار سعی بر این است که به شرح و بررسی اقدامات ارفاقی پرداخته شود.

۲-۲-۱. تعلیق اجرای مجازات

تعلیق اجرای مجازات از عوامل تعدیل‌کننده‌ی محکومیت‌های کیفری است و امروزه به عنوان یکی از مجازات‌های جایگزین یا مجازات‌های بینابینی مطرح است. برای اجرای تعلیق مراقبتی، بسیاری از کشورها با ایجاد نهادهای اجتماعی مناسب، قدم‌های مؤثری را در راه اصلاح بزهکاران غیر خطرناک برداشته‌اند. در کشور ما نیز از اوایل قرن حاضر ایده تعلیق مجازات در قوانین جزایی نمود پیدا کرده است.^[۱۰۵] تعلیق اجرای مجازات در حقوق ایران و فرانسه دارای قدمت طولانی است. تحولات تقنینی این نهاد به این ترتیب می‌باشد:

تعلیق اجرای مجازات اولین بار در قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴ طی مواد ۴۷ تا ۵۰ و از نوع تعلیق ساده پیش‌بینی گردید. در سال ۱۳۰۷ اصلاحیه‌ای قانونی با عنوان «قانون راجع به موارد تعلیق» موارد شمول تعلیق را به بیست و هفت جرم محدود کرد. و در سال ۱۳۴۶ قانون «تعلیق اجرای مجازات» در ۱۸ ماده به تصویب رسید. تصویب نامه امور زندان‌ها در جلسه ۲۷۳ مورخ ۱۳۶۱/۲/۷ شورای عالی قضایی سابق به‌جای آیین نامه قانون مزبور تصویب گردید. متعاقباً تعلیق اجرای مجازات در قالب ماده ۴۰ در ق.م.ا.مصوب ۱۳۶۱ پیش‌بینی شد. نهایتاً

تعلیق اجرای مجازات موضوع مواد ۲۵ تا ۳۷ ق.م.ا. مصوب ۱۳۷۰ گردید.^[۱۰۶] در حال حاضر مواد ۴۶ تا ۵۵ ق.م.ا. مصوب ۱۳۹۲ این نهاد حقوقی ارفاق آمیز را نسبت به بخش عمده‌ای از مجازات‌های تعزیری حفظ کرده است. قانون مصوب ۹۲ تغییرات مهمی را نسبت به قانون سابق در زمینه تعزیرات به وجود آورده است. با این توضیح که دامنه شمول تعلیق را فقط نسبت به مجازات‌های تعزیری درجه ۳ تا ۸ مورد پذیرش قرار داده و حدود و قصاص و دیات و تعزیرات درجه ۱ و ۲ از شمول تعلیق خارج می‌باشد. البته با توجه به ماده ۴۷ ق.م.ا. اجرای مجازات‌های تعزیری خاصی قابل تعلیق نمی‌باشد. ضمناً تعلیق اجرای مجازات مشروط به شرایط خاصی می‌باشد که عبارت‌اند از: ۱- وجود جهات تخفیف، ۲- پیش‌بینی اصلاح مرتکب، ۳- جبران ضرر و زیان، ۴- فقدان سابقه کیفری مؤثر. در حقوق جزای ایران، تعلیق اجرای مجازات به دو نوع تعلیق ساده و مراقبتی تقسیم می‌شود^[۱۰۷]

در حقوق فرانسه قانون‌گذار سه نوع تعلیق را پیش‌بینی کرده است:

نخست: «تعلیق ساده» که برای نخستین بار قانون ۲۶ مارس ۱۹۸۲ آن را مطرح کرده است و آن تأسیسی است که اجازه می‌دهد محکومیت مرتکب به یک مجازات به شرط آن که در یک دوره زمانی مشخصی مرتکب جرم دیگری نشود، کان لم یکن و بی‌اثر اعلان شود. قانون‌گذار در ارتباط با اشخاص حقیقی و در مورد مجازات‌های جنایی، جنبه‌ای و خلافی اعمال تعلیق ساده را هنگامی مجاز دانسته که متهم در ظرف پنج سال قبل از انجام عمل مجرمانه به دلیل ارتکاب جنایت یا جنبه عمومی به مجازات حبس جنایی یا جنبه ای محکوم نشده باشد. همچنین قانون‌گذار در مورد اشخاص حقیقی، کیفرهای قابل تعلیق را شامل حبس تا پنج سال پیش‌بینی کرده است.^[۱۰۸]

دوم: «تعلیق آزمایشی یا مراقبتی» که با تصویب قانون آیین دادرسی کشور فرانسه در سال ۱۹۵۸ اجرا شد و به معنای معلق کردن حبس تأدیبی است، مشروط به آن که محکوم‌علیه

الزامات و تکالیف تعیین شده در دوره آزمایش را رعایت نماید.^[۱۰۹] این نظام شامل تعلیق صدور حکم یا اجرای حکم محکومیت متهم و قرار دادن وی تحت مراقبت در طی یک دوره آزمایشی می‌شود. در انتهای این مدت، چنانچه مجرم از خود حسن رفتار نشان دهد حکم محکومیت وی صادر نخواهد شد یا اجرای آن منتفی می‌شود و هرگاه مرتکب مجدداً اقدام به ارتکاب جرم نماید، محکومیت معوقه بزهکار هم به اجرا درمی‌آید. صدور تعلیق مراقبتی در حقوق فرانسه تنها در مورد مجازات‌های سالب آزادی جنحه‌ای امکان دارد که میزان مدت آن از پنج سال تجاوز ننماید.^[۱۱۰]

سوم: «تعلیق همراه با تعهد انجام کار عام‌المنفعه» که به وسیله قانون ۱۰ ژوئن ۱۹۸۳ به وجود می‌آید. از دیدگاه حقوقدانان، این نوع تعلیق، زمانی که مقررات تعلیق مراقبتی را به عاریه می‌گیرد (م ۵۶-۱۳۲) به تعلیق آزمایشی نزدیک می‌شود و زمانی که تعلیق بخشی از کیفر را قابل مجازات نمی‌داند یا اعمال این تعلیق را موقوف به رضایت محکوم‌علیه می‌سازد (م ۵۴-۱۳۲) جلوه خاص خود را پیدا می‌کند. علاوه بر این با توجه به ماده ۴۱-۱۳۲ باید گفته شود که اعطای تعلیق همراه با کار عام‌المنفعه تنها نسبت به محکومانی صورت می‌گیرد که به علت ارتکاب جنایت یا جنحه عمومی به زندان تأدیبی تا پنج سال محکوم شده‌اند.^[۱۱۱] به دلیل تشابه شرایط این نوع تعلیق با تعلیق مراقبتی است که قاضی دادگاه موظف است نتایج احتمالی محکومیت جدید را در طول مدت تعیین شده برای اجرای کار عام‌المنفعه و نیز نتایج گذراندن موفقیت آمیز دوره تعیین شده را به محکوم‌علیه یادآوری کند.

در جرم آدم‌ربایی نیز بنا به تصریح صریح بند «ب» ماده ۴۷ ق.م.ا. جدید این جرم قابل تعلیق نمی‌باشد و میان حقوقدانان در این زمینه اختلاف نظری وجود ندارد.^[۱۱۲] اما مطابق نظر برخی از حقوقدانان، شروع در آدم‌ربایی و معاونت در آدم‌ربایی قابل تعلیق می‌باشند.^[۱۱۳] هر چند مطابق متن صریح ماده ۴۷ شروع به آدم‌ربایی غیر قابل تعقیب است. در حقوق فرانسه نیز

همان گونه که شرح داده شد، بزه آدم‌ربایی مشمول تعلیق مجازات نمی‌شود.

۲-۲-۲. آزادی مشروط

درواقع آزادی مشروط مربوط به بزهکاری است که به عنوان زندان بخشی از مدت حبس خویش را در زندان سپری کرده، سپس بنا به تصمیم قانون و دادگاه آزاد می‌شود.^[۱۱۴] درواقع از جمله نهادهای ارفاقی حقوق کیفری در راستای فردی کردن مجازات‌ها، جلوگیری از تکرار جرم و نیز فراهم کردن زمینه انطباق اجتماعی مجدد محکومین به زندان، آزادی مشروط می‌باشد. در اصطلاح حقوقی منظور از آزادی مشروط، اقدام قضایی است که بر اساس آن در صورتی که محکوم، علائمی از باز اجتماعی شدن را در رفتار خود نشان دهد بخشی از مجازات سالب آزادی وی منتفی می‌شود.^[۱۱۵]

آزادی مشروط از قرن ۱۹ میلادی با پیدایش مکتب تحقیقی مطرح گردید. ریشه‌های این تفکر در فرانسه وجود داشت و به موجب قانون ۱۴ اوت ۱۸۸۵ این نهاد تحت عنوان جلوگیری از تکرار جرم، معمول گردید. این نهاد تا سال ۱۳۳۷ در قوانین جزایی ایران وجود نداشت؛ اما با اقتباس از حقوق فرانسه در ۲۳ اسفند ۱۳۳۷ ماده واحده‌ای با ۹ تبصره در این خصوص تصویب گردید. در سال ۱۳۶۱ این ماده واحده تغییر پیدا کرد و به ماده ۳۹ ق.م.ا. مصوب ۱۳۶۱ تبدیل شد و در نهایت به مواد ۳۸ و ۳۹ و ۴۰ ق.م.ا. مصوب ۱۳۷۰ تغییر یافت.^[۱۱۶] و اینک در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ مواد قانونی ۵۸ تا ۶۲ به بیان شرایط و احکام این نهاد ارفاق آمیز اختصاص یافت. قانون مجازات اسلامی جدید نسبت به قانون سابق چندین تغییر اساسی کرده است.

نخست آن که قانون‌گذار برخلاف ماده ۳۸ قانون سابق دامنه حبس مشمول آزادی مشروط را محدود به حبس‌های تعزیری کرده است. دیگر این که مطابق ماده ۵۸، محکومیت سابق به مجازات حبس در صورت اجرا نیز مانع استفاده از آزادی مشروط نمی‌شود.^[۱۱۷]

نهاد آزادی مشروط در حقوق فرانسه همراه با تحولات تقنینی بسیاری بوده است. ورود آزادی مشروط در حقوق کیفری فرانسه با تصویب قانون ۴ اوت ۱۸۸۵ صورت گرفته است. در سال‌های ۱۹۵۲ به بعد، تأسیس مزبور تحولات زیادی را شاهد بوده است. در سال ۱۹۴۵ اصلاح مقررات ناظر بر زندان‌ها در حقوق فرانسه تغییرات نسبی را در زمینه آزادی مشروط پدید آورد. تحولات اساسی در این زمینه به وسیله قوانین ۱۷ ژوئیه ۱۹۷۱ و ۱۹ دسامبر ۱۹۷۲ و ۱۵ ژوئن ۲۰۰۰ بوده است. آخرین مقررات لازم‌الاجرا در این زمینه در حقوق کیفری فرانسه مواد ۷۲۹ تا ۷۳۳ قانون آیین دادرسی کیفری و نیز مواد ۵۲۰ تا ۵۳۶ همان قانون است.^[۱۱۸]

آزادی مشروط در حقوق فرانسه مانند حقوق ایران اختصاص به مجازات سالب آزادی دارد. سمت و سوی اصلاحات اخیر حقوق فرانسه در زمینه آزادی مشروط مربوط به انتقال صلاحیت اعطای آزادی مشروط از مقامات سیاسی به مسئولین قضایی بوده است.^[۱۱۹]

نتیجه آزادی مشروط این است که محکوم‌علیه محیط زندان را ترک کرده و به زندگی اجتماعی برمی‌گردد. پس از آزادی نیز مکلف‌اند مطابق شرایطی که در موقع آزادی امضا نموده‌اند مشغول به کار شوند. حکم آزادی مشروط چنانچه با رعایت تمامی شرایط صادر شود دارای فواید بسیاری است؛ مانند این که متهم سعی می‌کند در زندان رویه و رفتار خوبی داشته باشد و در مدت آزادی مشروط خود را کنترل کرده و مرتکب جرم دیگری نشود تا آزادی او قطعی گردد. دیگر این که از هزینه‌ها و مخارج تحمیلی بر دولت که ناشی از نگهداری زندانیان است کاسته خواهد شد. هم‌چنین با توجه به این که برخی از محکومین، نان‌آور و سرپرست خانواده نیز می‌باشند از ابتلاء احتمالی خانواده محکوم، به ناهنجاری‌های اجتماعی جلوگیری می‌شود.^[۱۲۰]

با توجه به ماده ۵۸ ق.م.ا. دادگاه صادرکننده حکم می‌تواند محکومین به جرم آدم‌ربایی را مشمول نظام آزادی مشروط قرار دهد.

در کشور فرانسه نیز همان‌گونه که قبلاً توضیح داده شد آزادی مشروط مختص مجازات حبس

می‌باشد و از آنجاکه بزه آدم‌ربایی مطابق قانون کشور فرانسه دارای حبس جنایی تا بیست سال است بنابراین نسبت به مرتکبین این جرم نیز می‌توان مقررات آزادی مشروط را اعمال کرد.

۲-۲-۳. عفو

از دیگر اقدامات ارفاقی که می‌تواند اسباب تعدیل یا زوال مجازات کیفری را فراهم نماید عفو می‌باشد. از لحاظ حقوق کیفری عفو عبارت است از عدم اجرای مجازات یا قسمتی از آن درباره‌ی محکومی که می‌بایست مجازات شود. در حقوق کیفری ایران و فرانسه، عفو شامل عفو عمومی و خصوصی می‌باشد.

قانون ایران همانند قانون فرانسه عفو عمومی را از وظایف قوه مقننه شمرده است. عفو عمومی از قدیم‌الایام معمول و در تمامی کشورها مورد استفاده واقع گردید. در حقوق کیفری ایران و در دوران قبل از انقلاب، قانون‌گذار در ماده ۵۴ ق.م.ا. مصوب ۱۳۰۴ دامنه شمول عفو عمومی را تنها به جرایم سیاسی و جرایم عمومی ارتکاب یافته با انگیزه سیاسی محدود کرد. با تصویب ماده ۵۵ قانون مجازات عمومی اصلاحی ۱۳۵۲ این محدودیت برطرف شد. در قانون مجازات اسلامی ۹۲ قانون‌گذار مواد قانونی بیشتری را در زمینه عفو مقرر کرد. با توجه به این مواد باید گفت که قلمرو عفو عمومی تنها شامل اقدامات کیفری به معنای خاص شده و شامل اقدامات تأمینی و تربیتی و نیز محکومیت‌های انتظامی نمی‌شود و علاوه بر آن بر حقوق زیان‌دیدگان از جرم تأثیری ندارد. در ماده ۹۶ که جایگزین ماده ۲۴ ق.م.ا. سابق شده قانون‌گذار عفو یا تخفیف مجازات محکومان را پس از پیشنهاد رئیس قوه قضاییه با رهبری دانسته است. هم‌چنین در ماده ۹۷ مقرر کرده که عفو عمومی در جرایم تعزیری اعمال می‌شود و تعقیب و دادرسی را موقوف می‌کند و در صورت صدور حکم محکومیت، اجرای مجازات را موقوف کرده و آثار محکومیت را نیز زایل می‌کند.^[۱۲۱]

مطابق بند ۵ از ماده ۲۵ آیین‌نامه کمیسیون عفو، تخفیف و تبدیل مجازات (مصوب ۱۳۸۷)

آدم‌ربایی مشمول عفو قرار نمی‌گیرد.

در حقوق کیفری فرانسه از سوی قانون‌گذار سه نوع عفو عمومی ایجاد شده است.

نوع نخست آن مربوط به دوران‌هایی است که قانون‌گذار به صورت سنتی بعد از ایراد لطمات شدید به نظام سیاسی و اجتماعی و در مقام ایجاد آرامش و ثبات در جامعه، اعمال ارتكابی از سوی برخی مجرمین را مورد عفو قرار می‌دهد.

نوع دوم اجرای عفو عمومی مربوط به شکل خاصی است که اخیراً در فرانسه ایجاد شده و طی آن قانون‌گذار با ایجاد شفافیت در متون ابهام‌آمیز قبلی و با لحاظ شرایطی، ارتكاب برخی از اعمالی را که تاکنون جرم بوده قانونی جلوه می‌دهد.

سومین شکل عفو عمومی که به دلیل ایجاد هزینه‌های اجتماعی زیاد، مورد انتقاد قرار گرفته، اعمال عفو عمومی بعد از انتخابات ریاست جمهوری است که به آن «عفو ریاست جمهوری» اطلاق می‌شود.

دامنه عفو عمومی در حقوق فرانسه شامل تمامی مجازات‌ها (اعم از اصلی، تبعی، تکمیلی) است و عفو عمومی هیچ تأثیری در حقوق خصوصی متضرران از جرم ندارد (مواد ۹-۱۳۳ تا ۱۱-۱۳۳). اعمال عفو خصوصی بیش از عفو عمومی مورد انتقاد حقوقدانان قرار گرفته است.

باین‌وجود، قوانین فعلی ایران و فرانسه، این نهاد ارفاقی را پذیرفته‌اند. بند یازده اصل ۱۱۰ قانون اساسی و ماده ۹۶ ق.م.ا. ۹۲ در این زمینه در حقوق ایران قابل استناد می‌باشند. با توجه به وضعیت خاص جرایم حدی و نیز جرایم مستوجب قصاص به نظر می‌رسد تمامی مجازات‌های تعزیری البته به‌غیر از جرایم ذکر شده در ماده ۲۵ آیین‌نامه کمیسیون عفو و بخشودگی مشمول عفو خصوصی می‌باشند.

اعمال عفو خصوصی در حقوق فرانسه همواره از مقولات بحث برانگیز بوده است زیرا بسیاری از

حقوقدانان به دلیل آن که منبع اصلی این نوع عفو را مربوط به حقوق قدیم و نظام سلطنتی می‌دانند پذیرش آن را در یک نظام جمهوری و مبتنی بر تفکیک قوا تعجب‌آور ارزیابی می‌کنند. از این رو نهاد عفو خصوصی در سال ۱۸۷۱ لغو و مجدداً در قانون اساسی ۴ اکتبر ۱۹۵۸ پیش‌بینی شد. [۱۲۲]

مهم‌ترین اثر عفو خصوص در حقوق کیفری فرانسه همچون حقوق ایران، در معافیت یا کاهش مجازات کیفری بوده است (م ۸-۱۳۳ قانون فرانسه و ۹۸ ق.م.ا.). بنابراین در حقوق فرانسه بر خلاف حقوق ایران، آدم‌ربایی مشمول عفو قرار می‌گیرد.

در پایان باید از مبحث عفو عمومی و عفو خصوصی این‌گونه نتیجه گرفت:

اولاً؛ عفو خصوصی از شخص خاصی نشأت می‌گیرد نه از قانون‌گذار.

ثانیاً؛ در عفو خصوصی جرم به اعتبار خود باقی می‌ماند، محکومیت در سجل کیفری درج می‌شود و احتمالاً تأثیری بر وضعیت شرکا و معاونین جرم ندارد؛ چراکه تنها مباشر جرم از مجازات معاف می‌شود؛ در حالی که در عفو عمومی، خاصیت مجرمانه عمل و به تبع آن، مجازات ساقط می‌شود. [۱۲۳]

۲-۲-۴. تخفیف

در قوانین و حقوق جزای ادوار قدیم نهاد تخفیف مجازات وجود نداشته بود و برعکس همواره سعی بر این بوده است که مجرمین به شدیدترین و حداکثر مجازات‌ها محکوم شوند و به همین علت بود که مجازات فاقد حداقل و حداکثر بود.

سبب‌های تخفیف مجازات، موجباتی است که هرگاه با اوضاع و احوال وقوع جرم قرین گردد مجازات‌های بزهکار تخفیف می‌یابد؛ که از این حیث شبیه عذرهای مخفف هستند با این تفاوت که هرگاه وجود آن‌ها برای قاضی محرز گردد در اعطای تخفیف مجازات مختار است.

بنابراین سبب تخفیف مجازات در حقوق ایران به صورت عذرهای تخفیف دهنده و کیفیات مخففه می‌باشد. عذرهای مخففه همچون عذر همکاری، ترک جرم و عذر خانوادگی و... می‌باشد. کیفیات مخففه در قانون مصوب ۱۳۷۰ در شش بند ذیل ماده ۲۲ مورداشاره واقع شده بود.^[۱۳۴] این‌گونه کیفیات در قانون سال ۱۳۷۰ هیچ‌گونه حد و مرزی نداشت و قانون‌گذار صرفاً اعلام کرده بود که مجازات تخفیف یافته باید از مجازات قبلی به حال متهم مناسب‌تر باشد. در قانون سال ۱۳۹۲ ماده ۳۷ موضوع تخفیف و تبدیل مجازات را نظام‌مند کرده است. در نظام قضایی ایران تخفیف مجازات به دو صورت انجام می‌شود:

الف) تخفیف قانونی: که تخفیفی الزامی است یعنی قانون‌گذار دادگاه را مکلف کرده است در موارد خاصی، مجازات را تخفیف دهد.

ب) تخفیف قضایی: در این نوع تخفیف دادگاه نسبت به اعمال تخفیف در مجازات قانونی مختار می‌باشد. ماده ۳۷ نیز در مقام بیان تخفیف قضایی می‌باشد. این نوع تخفیف مخصوص مجازات‌های تعزیری است و در حدود و قصاص و دیات مصداق ندارد. زیرا مجازات‌های آن‌ها ثابت هستند و امکان تغییر در آن‌ها وجود ندارد.^[۱۳۵]

در حقوق فرانسه، اولین نمونه این کیفیات و واگذاری اختیارات به قاضی به وسیله تعیین حداقل و حداکثر مجازات در قانون مجازات ۱۶۹۷ فرانسه بروز کرد. در قانون مصوب ۱۸۱۰ که حدود کیفیات مخففه محدود به موارد و جرائم خاص بود و تنها امور جنحه آن‌هم مشروط بر آن‌که خسارت ناشی از جرم، زائد بر ۲۵ فرانک نباشد را در برمی‌گرفت، مبحث کیفیات مورد توجه مقنن قرار گرفت و برای آن شرایطی وضع گردید. باگذشت زمان اختیار قاضی در رعایت کیفیات مخففه روز به روز افزایش یافت و قانون ۲۵ ژوئن ۱۸۲۴ ملحقه به قانون مجازات فرانسه اختیارات قاضی را وسیع‌تر کرد. به‌طوری‌که جرایمی همچون بچه کشی به وسیله مادر مشمول تخفیف می‌شد؛ اما این توسعه باز هم استادان حقوق را قانع نکرد تا آن‌که در قانون

۱۸۳۳ دامنه کیفیات مخففه به تمام جنایات و جنحه‌هایی که در قانون مجازات عمومی ذکر شده بود گسترده شد. در حقوق کشور فرانسه کیفیات مخففه نظیر معاذیر قانونی هستند که اجرای آن به اختیار مطلق هیئت منصفه یا قضات واگذار شده است. کیفیات مخففه از حیث تعداد غیرقابل تعریف و نامحدود است و در ماهیت جرم تغییری نمی‌دهد. در موضوع امر جنایی، هیئت منصفه می‌تواند به متهم اجازه دهد که از کیفیات مخففه استفاده نموده یا مانع استفاده او از آن شود و این در صورتی می‌باشد که مجازات تهریبی یا تردیلی باشد. آنچه از این قاعده در حقوق کشور مزبور استنتاج می‌شود این است که:

اولاً: اگر در اثر پذیرفته شدن کیفیات مخففه برای مجازات یک جنایت، مجازات جنحه مقرر شده باشد، ماهیت جرم تغییر پیدا نمی‌کند.

ثانیاً: چون ملحوظ شدن کیفیات مخففه مطلقاً اختیاری است قضات هیچ‌گاه مجبور نیستند علل اعمال این کیفیات را در حکم خود قید نمایند.

بنابراین، در صورتی که کیفیات مخففه در مورد جرم لحاظ شود دادگاه می‌تواند مجازات را تا یک درجه تخفیف دهد ولی این اختیار به قضات داده شده است که تا دو درجه هم تخفیف دهند مگر در مواردی که بر اثر تخفیف، درجه اول مجازات منجر به حبس تأدیبی شود؛ مثلاً اگر مجازات جرمی اعدام باشد تبدیل به حبس ابد با اعمال شاقه (درجه اول) و حبس موقت با اعمال شاقه (درجه دوم) می‌شود.^[۱۲۶]

با توجه به ماده ۳۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲ جرم آدم‌ربایی در زمره جرایمی است که مشمول تخفیف قرار می‌گیرد. بنابراین می‌توان این نهاد ارفاقی را نسبت به مرتکبان جرم آدم‌ربایی قابل اجرا دانست و مجازات آن‌ها را تخفیف داد.

آدم‌ربایی نیز در حقوق فرانسه مشمول تخفیف مجازات قرار می‌گیرد، علاوه بر آن، قانون‌گذار به

طور اختصاصی در مورد این جرم بیان کرده است که چنانچه، شخص حبس یا توقیف شده پیش از پایان هفتمین روز از تاریخ زندانی شدنش آزاد شود، مجازات مرتکب حبس جنحه‌ای تا پنج سال خواهد بود. (م ۱-۲۲۴)

نتیجه‌گیری

۱. با توجه به این که بزه آدم‌ربایی، استیلا یافتن و نقل مکان دادن انسانی از مکانی به مکان دیگر دانسته شده است مشخص می‌شود که این جرم توسط همه افراد جامعه قابل ارتکاب است و همین امر بیانگر تفکیک میان این جرم با توقیف غیر قانونی می‌باشد. چرا که فاعلین جرم مزبور مقامات قضایی و مأمورین ذی صلاح هستند که سلب آزادی تن را به عنوان اجرای قانون انجام می‌دهند ولی به‌واقع غیر قانونی می‌باشد. با این وجود مجازات آدم‌ربایی در حقوق فرانسه برای انسان‌های عادی با مقامات قضایی و مأمورین دولتی متفاوت است.

۲. سیاست کیفری فرانسه در جهت حمایت از بزه‌دیده بسیار کامل‌تر از موضع سیاست کیفری ایران بوده است. مقنن این کشور از یک سو مجازات مرتکبین را به مدت زمان ربوده شده مرتبط ساخته است. رویکردی که هم در قانون مجازات قدیم و نیز جدید فرانسه دنبال شده است، چنین رویکردی در حقوق کیفری ایران مشاهده نمی‌شود. از طرف دیگر، قانون‌گذار فرانسوی با پذیرش جرم‌انگاری‌های مشدده به مانند ارتکاب آن از سوی مأمورین قضایی و اداری، سازمان‌یافتگی و بانندی بودن جرم آدم‌ربایی و نیز بروز خشونت و تهدید نسبت به فرد ربوده شده اقدامات سرکوب‌گرانه‌ای را پیش‌بینی نموده است. علاوه بر این پذیرش نهادهای معاف‌کننده و مخففه در سال ۲۰۰۴ در حقوق کیفری کشور فرانسه، مرتکبین را متمایل به ارائه‌ی اطلاعات جهت کشف جرم و دستگیری سایر مجرمین می‌سازد که در نهایت به نفع بزه‌دیدگان آدم‌ربایی خواهد بود.

۳. سیاست کیفری هر دو کشور از جهت مفهوم ربایش، لزوم فعل مثبت، موضوع جرم و مقید بودن آن مشابه بوده و از جهت طراحی جرم‌انگاری برای مأمورین و مقامات قضایی به صورت جداگانه و نیز مرتبط بودن مجازات مرتکبین با زمان ربایش متفاوت می‌باشد.

۴. سیاست کیفری ایران همواره مبنی بر جداسازی بزه نوزادربایی (۶۳۱) از آدم‌ربایی (۶۲۱) بوده که مشابه سیاست کیفری فرانسه در قانون قدیم می‌باشد که در طی اصلاحات قانون مجازات ۱۹۹۴ این جداسازی جرم‌انگاری از بین رفته است.

۵. سیاست کیفری ایران بر آن بوده که مجازات شروع به آدم‌ربایی را کمتر از انجام دهنده جرم تام تعیین نماید، لیکن در حقوق فرانسه بر اساس قاعده‌ی عام، شروع به جرم مذکور در ماده‌ی ۴-۱۲۱ قانون مجازات جدید، در اختیار قاضی بوده و می‌تواند به میزان جرم تام و یا کمتر تعیین نماید.

۶. از آن جا که جرم آدم‌ربایی تهدید علیه امنیت عمومی و آزادی شهروندان به حساب می‌آید هیچ‌گاه از نگاه قانون گذاران ایران و فرانسه به دور نمانده است. مقنن قوانین جزایی ایران هم در مقررات قبل از انقلاب -قانون مجازات عمومی ۱۳۰۴ و قوانین دیگری هم‌چون ماده واحد طرح قانونی مربوط به تشدید مجازات رانندگان متخلف مصوب ۱۳۳۵ و قانون تشدید مجازات ربایندگان اشخاص مصوب ۱۳۵۳- و هم در مقررات پس از انقلاب (م ۶۲۱) به جرم انگاری آن پرداخته است. در کشور فرانسه نیز در ماده ۱-۲۲۴ مورد توجه قرار گرفته است.

۷. جرم آدم‌ربایی در زمره جرایمی است که به صورت فعل واقع می‌شود و رفتار فیزیکی لازم برای تحقق این جرم «ربودن» می‌باشد. منظور از ربودن نیز جابه‌جایی فردی بدون میل و رضایت خودش می‌باشد. اعم از آن که به صورت علنی یا پنهانی باشد.

بنابراین صرف بازداشت و سلب آزادی تن از اشخاص را نمی‌توان آدم‌ربایی دانست. در تحلیل مفهوم ربودن باید متذکر شویم که جابه‌جایی باید به گونه‌ای باشد که مفهوم عرفی ربودن را متبادر نماید. لذا اگر کسی شخصی را از طبقه اول به طبقه دوم یک ساختمان منتقل نماید نمی‌توان صرف این عمل را آدم‌ربایی دانست. لازم به ذکر است که ربودن باید همراه با تهدید، حيله و به صورت غیر قانونی انجام پذیرد.

موضوع بزه آدم‌ربایی در قوانین هر دو کشور انسان زنده است، اعم از زن و مرد و پیر و جوان. و سن و جنسیت تأثیری در ماهیت این جرم ندارد و تنها در صورتی که سن مجنی علیه کم تر از پانزده سال تمام باشد مجازات مرتکب حداکثر مجازات قانونی خواهد بود.

با وجود این که در مورد مطلق و مقید بودن جرم آدم ربایی میان حقوقدانان اختلاف نظر می باشد اما نظر غالب مبنی بر مقید بودن این جرم می باشد. چرا که، درست است که نقل مکان نتیجه این جرم می باشد اما هر نقل مکان دادنی نتیجه این جرم نیست و جابه‌جایی باید به نحوی باشد که منتهی به سلب آزادی فرد ربوده شده گردد.

مطابق منطوق ماده ۶۲۱ ق.م.ا. آدم‌ربایی به دو صورت مداخله مستقیم (مباشرت) و غیرمستقیم (تسبیب) تحقق می‌یابد.

۸. از جمله شرایط لازم برای تحقق بزه مزبور در حقوق هر دو کشور وجود عنصر معنوی و به عبارت دیگر رکن روانی (سوء نیت عام و خاص) می باشد. یعنی مرتکب باید بداند عملی را که انجام می دهد از نظر قانون جرم است و با این حال عمدا آن را انجام دهد. هم چنین لازم است از موضوع جرم اطلاع داشته باشد. به عبارت دقیق تر قصد ربودن و مخفی کردن متهم، سوء نیت خاص این جرم می‌باشد.

انگیزه مجرمانه در بزه آدم‌ربایی، با توجه به ماده ۶۲۱ قصد مطالبه وجه، قصد انتقام و هر منظور دیگری می باشد که همچون سایر جرایم در تحقق جرم بی تأثیر است و تنها در میزان مجازات مؤثر است.

۹. از حیث ضمانت‌اجرا، مجازات ناظر بر آدم‌ربا شامل اصلی، تکمیلی و تبعی می‌باشد. مجازات های ذکر شده در ماده ۶۲۱ به دو صورت ساده و مشدده می‌باشد. در حقوق کشور فرانسه نیز مطابق ماده ۱-۲۲۴، تا ۲۰ سال حبس می‌باشد.

از دیگر مجازات‌های تعیین شده برای بزه آدم‌ربایی مجازات تکمیلی می باشد. این مجازات‌ها در

قانون مجازات اسلامی ایران در ماده ۲۳ مورد اشاره قرار گرفته‌اند. آدم‌ربایی مطابق همین ماده در زمره جرایمی است که می‌توان مجازات تکمیلی را بر آن بار کرد. در کشور فرانسه نیز نسبت به اشخاصی که مرتکب جرم مزبور شده‌اند مجازات‌های تکمیلی اعمال می‌شود.

سومین نوع از مجازات‌ها، مجازات‌های تبعی می‌باشند. این مجازات‌ها به تبع محکومیت کیفری قطعی و مؤثر و بی‌آن که در حکم دادگاه قید شود به عنوان مکمل مجازات اصلی بر محکوم‌علیه بار می‌شوند. این مجازات‌ها در ماده ۲۵ ق. م. ا. مورد شرح واقع گردیده است. در فرانسه سیاست‌های تقنینی در راستای حذف یا محدود کردن مجازات‌های تبعی بوده است. به گونه‌ای که در قانون جزای جدید اشاره‌ای به کیفرهای تبعی نشده است و قانون‌گذار در برخی از مواد قانونی خارج از قانون جزا به برخی از کیفرهای تبعی اشاره کرده است. جرم آدم‌ربایی نیز از آن دسته از جرایمی است که می‌توان محکوم را از حقوق اجتماعی به عنوان مجازات تبعی محکوم کرد. م. ۱۰-۲۲۴ در فرانسه در مورد اشخاص حقیقی مرتکب جرم آدم‌ربایی مقرر می‌دارد که این افراد مشمول مراقبت قضایی-اجتماعی می‌شوند.

۱۰. تشدید و تخفیف مجازات‌ها از راه‌کارهای سیستم جزایی جهان در راستای اصل شخصی بودن مجازات‌ها می‌باشد. عوامل مشدده خود به دو دسته علل مشدده عام- تعدد و تکرار- و علل مشدده خاص-عینی و شخصی- تقسیم می‌شوند. بنابراین هر گاه شخصی مرتکب دو فقره بزه آدم‌ربایی گردد بدون آن که حکم محکومیت قطعی نسبت به او صادر شده باشد- تعدد- و یا این که پس از محکومیت قطعی نسبت به رفتار مجرمانه، دوباره مرتکب جرم شود-تکرار- مشمول مقررات تعدد و تکرار جرم شده و مجازات وی افزایش می‌یابد. عوامل مشدده اختصاصی نیز اسباب و عواملی هستند که در جرایم خاصی موجب تشدید مجازات می‌شود. علل مشدده عینی که به عنصر مادی جرم مربوط‌اند، وقایع خارجی مقارن با ارتکاب جرم می‌باشد. در بزه آدم‌ربایی نیز با عوامل مشدده عینی و شخصی در حقوق ایران و فرانسه- استفاده از وسیله

خاص، ورود آسیب جسمی و حیثیتی، ارتکاب جرم در باند سازمان یافته و ربودن شخصی با هدف گروگان گیری او و کم تر از پانزده سال بودن سن قربانی - روبه رو هستیم که افزایش مجازات مرتکب را به همراه دارد.

۱۱. پس از صدور حکم محکومیت نوبت به اجرای آن می رسد. با این وجود قانون گذار به دلیل ارفاق در حق محکوم علیه با پیش بینی نهادهایی هم چون تعلیق اجرای مجازات، آزادی مشروط، عفو و تخفیف اجرای تمام یا بخشی از مجازات ها را به تعویق می اندازد. مرتکبین بزه آدم ربایی نیز در برخی از موارد از این اقدام ارفاق آمیز مقنن بهره مند می شوند. هر چند بزه آدم ربایی و شروع به آن در ایران مشمول تعلیق نمی شود اما معاونت در آن قابل تعلیق می باشد. دیگر نهاد ارفاقی در ایران و فرانسه، آزادی مشروط می باشد. مطابق ماده ۵۸ ق. م. ا. دادگاه صادر کننده حکم می تواند محکومین به جرم آدم ربایی را مشمول آزادی مشروط قرار دهد.

عفو، دیگر اقدام ارفاقی می باشد که می تواند سبب تعدیل یا زوال مجازات کیفری شود. اما مطابق بند پنج از ماده ۲۵ آیین نامه کمیسیون عفو، تخفیف و تبدیل مجازات، آدم ربایی مشمول عفو قرار نمی گیرد. اما قانون فرانسه برخلاف قانون ایران، آدم ربایی را مشمول عفو قرار داده است.

دیگر نهاد ارفاقی در قوانین و حقوق جزای ایران و فرانسه نهاد تخفیف مجازات می باشد. در نظام قضایی ایران تخفیف مجازات به دو صورت قانونی و قضایی انجام می شود. با توجه به ماده ۳۷ ق. م. ا. که بیانگر تخفیف قضایی می باشد، آدم ربایی در زمره جرایمی است که مشمول تخفیف قرار می گیرد و مرتکبان این جرم از این نهاد ارفاق آمیز بهره مند می باشند. در حقوق کشور فرانسه نیز آمده است که چنان چه شخص ربوده شده پیش از پایان هفتمین روز از تاریخ زندانی، آزاد شود مجازات، حبس جنحه ای تا پنج سال خواهد بود که این خود بیانگر پذیرش تخفیف مجازات نسبت به بزه آدم ربایی می باشد.

پیشنهادات

۱. پیشنهاد می‌شود که قانونگذار در جهت کشف جرم، دستگیری مجرمین و نیز حمایت از بزه‌دیده آدم‌ربایی اقدام به پذیرش نهادهای معاذیر قانونی معاف‌کننده و مخففه کند. رویکردی که قانون‌گذار فرانسه در سال ۲۰۰۴ نهادهای ارفاقی یاد شده را مورد پذیرش قرار داده است.
۲. پیشنهاد می‌شود با توجه به کثرت وقوع آدم‌ربایی به صورت بانندی و سازمان‌یافته قانون‌گذار اقدام به جرم‌انگاری مشدده این وضعیت در حقوق کیفری ایران نماید.
۳. پیشنهاد می‌شود قانون‌گذار در جهت حمایت از آزادی فرد ربوده شده، مجازات مرتکبین را بسته به مدت زمان سپری شده از زمان ربایش تا آزادی وی تعیین نماید. این رویکرد اجازه می‌دهد تا مرتکبین با تعمق و اندیشه در صورت اقدام به ربایش فردی هر چه زودتر زمینه‌ی آزادی وی را فراهم نماید.
۴. پیشنهاد می‌شود قانونگذار اقدام به آدم‌ربایی را از سوی مقامات انتظامی و صلاحیت‌دار به دلیل سهولت تحقق آن از سوی این افراد به صورت مشدده جرم‌انگاری نماید.

منابع و مأخذ

۱. میر زنده‌دل، احمد (۱۳۹۳). فرهنگ حقوقی، چاپ سوم، تهران: انتشارات کتاب آمه، صص ۱۲ و ۱۸۷.
۲. کاتبی، حسینقلی (۱۳۸۰). فرهنگ حقوق فرانسه به فارسی، چاپ دوم، تهران: انتشارات گنج دانش، ص ۵۵.
۳. آذرنوش، آذرتاش (۱۳۸۵). فرهنگ معاصر عربی به فارسی، چاپ هفتم، تهران: نشر نی، ص ۱۷۲.
۴. دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۳). لغت‌نامه، جلد هفتم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ص ۱۰۴۷۸.
۵. جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۸۵). ترمینولوژی حقوق، چاپ شانزدهم، تهران: انتشارات گنج دانش، ص ۳۱.
۶. جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۹۳). مبسوط در ترمینولوژی حقوق، جلد اول، چاپ ششم، تهران: انتشارات گنج دانش، ص ۱۸.
۷. شاملو احمدی، محمد حسین (۱۳۸۰). فرهنگ اصطلاحات و عناوین جزایی، چاپ اول، ص ۱۴؛ گلدوزیان، ایرج (۱۳۸۲). محشای قانون مجازات اسلامی، چاپ اول، تهران: انتشارات مجد، ص ۳۲۴.
۸. ادیب، مجید (۱۳۹۳). جرایم علیه اشخاص، چاپ اول، تهران: نشر میزان، ص ۱۵۰.
۹. اساتید حقوق کیفری و جرم‌شناسی سراسر کشور (۱۳۹۳). دانشنامه‌ی بزه‌دیدة‌شناسی و پیشگیری از جرم، جلد اول، چاپ اول، تهران: نشر میزان، ص ۱۲۰.
۱۰. میرمحمد صادقی، حسین (۱۳۸۹). جرایم علیه اشخاص، چاپ ششم، تهران: نشر میزان، ص ۴۸۹.
۱۱. زراعت، عباس (۱۳۹۲). جرایم علیه اشخاص، چاپ اول، تهران: انتشارات جاودانه - جنگل، ص ۳۲۳.
۱۲. زراعت، عباس، جرایم علیه اشخاص، همان، ص ۴۸۹.
۱۳. میر محمد صادقی، حسین، جرایم علیه اشخاص، همان، ص ۴۹۳.
۱۴. Larguier (Jean et Anne – Marie), Droit penal special, Dallaz, 14^É paris, 2008.
۱۵. زراعت، عباس، جرایم علیه اشخاص، همان، ص ۳۳۳.
۱۶. Pradel (j) et Danti – Juan (M), op.cit.p.282.
۱۷. Pradel (j) et Danti – Juan (M), op.cit.p.263-264.
۱۸. Pradel (j) et Danti – Juan (M), op.cit.p.268.
۱۹. دنیادیده، هادی (۱۳۹۲). رساله‌ی کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد واحد دامغان، صص ۲۴ و ۲۵.
۲۰. دنیادیده، هادی، همان، ص ۲۵ و ۲۶.
۲۱. Larguier (J.), op.cit.p.97.
۲۲. ذره کارگر، رشید (۱۳۸۷). «بررسی شروع به نوزادربایی در حقوق موضوعه‌ی کنونی»، نشریه‌ی دادرسی، شماره‌ی ۷۰، ص ۴۸؛ آقایی‌نیا، حسین (۱۳۹۲). جرایم علیه اشخاص (شخصیت معنوی)، چاپ ششم، تهران: نشر میزان، ص ۱۷۶.
۲۳. زراعت، عباس، جرایم علیه اشخاص، همان، ص ۳۲۸.

۲۴. صبحی، صالح (۱۴۱۲). الکافی فی الفقه ابن حنبل، گردآوری شده در اهو سوعات الفقیه، توسط علی اصغر مروارید، بیروت: دارالتراث، ص ۳۴.
۲۵. جعفرپور، جمشید؛ احمدزاده، ابوالفضل (۱۳۸۸). «بررسی جرم آدم‌ربایی در فقه و حقوق موضوعه با رویکردی به نظر امام خمینی (ره)»، نشریه فصلنامه علمی-پژوهشی متین، شماره ۴۲، ص ۹۲
۲۶. ابن قدامه، عبدالله بن احمد (بی‌تا). تحریر الروضه، بی‌جا، ص ۷۸.
۲۷. حر عاملی، محمدبن حسن (بی‌تا). وسائل الشیعه، جلد ۱۸، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی، ص ۵۱۴.
۲۸. مرعشی، سید محمد حسن (۱۳۷۶). «افساد فی الارض»، مجله‌ی قضایی و حقوقی دادگستری، شماره ۲۰، ص ۳۳؛ موسوی بجنوردی، سید محمد (۱۳۸۴). «فقه تطبیقی بخشی جزایی»، چاپ اول، تهران: انتشارات سمت، ص ۱۵۲.
۲۹. امینی، علیرضا و آیتی، سید محمدرضا (۱۳۸۸). تحریر الروضه فی شرح اللمعه، جلد دوم، چاپ دوازدهم، تهران: انتشارات طه، ص ۲۳۹.
۳۰. موسوی خمینی، روح الله (۱۳۸۶). تحریر الوسیله، جلد چهارم، چاپ چهارم، ص ۳۶۸.
۳۱. شاهرخی، حسین و مرادی هوشنگ (۱۳۸۴). «حقوق شهروندی و کاهش جرایم»، نشریه اصلاح و تربیت، شماره ۴۷، ص ۳۰.
۳۲. مجیدی، سید محمود (۱۳۸۶). جرایم علیه امنیت، چاپ اول، تهران: نشر میزان، ص ۳۱.
۳۳. Gategno (P), op.cit.p. 62.
۳۴. ولیدی، محمد صالح (۱۳۸۸). بایسته‌های حقوق جزای عمومی ۱-۲-۳، چاپ اول، تهران: انتشارات جاودانه - جنگل، ص ۱۲۹.
۳۵. اکبری، عباسعلی (۱۳۸۸). رساله کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد دامغان، ص ۳۷.
۳۶. حبیب‌زاده، محمد جعفر و رحیمی‌نژاد، محمد اسماعیل (۱۳۸۳). «جرم آدم‌ربایی در ایران»، نشریه دادرسی، شماره ۴۳، ص ۴۷.
۳۷. زراعت، عباس، جرایم علیه اشخاص، ص ۳۲۳.
۳۸. حبیب‌زاده، محمد جعفر و رحیمی‌نژاد، محمد اسماعیل، «آدم‌ربایی در حقوق ایران»، همان، ص ۴۷؛ زراعت، عباس، جرایم علیه اشخاص، همان، صص ۳۲۴ تا ۳۲۷.
۳۹. نوربها، رضا (۱۳۸۴). زمین‌های حقوق جزای عمومی، چاپ چهاردهم، تهران: کتابخانه‌ی گنج دانش، ص ۱۶۲؛ الهی‌منش، محمدرضا و مرادی اوجقاز، محسن (۱۳۹۲). جرایم علیه اشخاص، چاپ اول، ص ۹۵.
۴۰. میرمحمد صادقی، حسین، جرایم علیه اشخاص، همان، ص ۴۹۵.
۴۱. زراعت، عباس، جرایم علیه اشخاص، همان، ص ۳۳۶؛ حبیب‌زاده، محمدجعفر و رحیمی‌نژاد، اسماعیل و صبری، نورمحمد (۱۳۸۰)، «بررسی جرم آدم‌ربایی در ایران و اسلام»، نشریه دادرسی، شماره ۲۵، ص ۷۵.
۴۲. مجموعه نشست‌های قضایی (۱۳۸۳). مسائل قانون مجازات اسلامی، جلد دوم، معاونت آموزش و تحقیقات قوه قضائیه، ص ۹۴۶.

۴۳. Larguier (J.), op.cit. p.263-264.

۴۴. Larguier (J.), op.cit. p.263-264.

۴۵. خالقی، علی (۱۳۹۰). آیین دادرسی کیفری، چاپ پانزدهم، تهران: شهر دانش، ص ۱۲۹.
۴۶. زراعت، عباس، جرایم علیه اشخاص، همان، ص ۳۳۵؛ گلدوزیان، ایرج (۱۳۹۲). بایسته‌های حقوق جزای اختصاصی ۱-۲-۳، چاپ سوم، تهران: نشر میزان، ص ۱۱۱؛ آقای‌نیا، حسین، جرایم علیه اشخاص (شخصیت معنوی)، ص ۱۶۵.

۴۷. برگرفته از سایت: (mostafaabasi.blogfa.com) محمد علی جاهد، دکتری حقوق جزا، تاریخ مراجعه ۱۲ اردیبهشت ۱۳۹۵.

۴۸. حبیب‌زاده، محمد جعفر و رحیمی‌نژاد، محمد اسماعیل (۱۳۸۳). «آدم‌ربایی در حقوق ایران»، نشریه دادرسی، شماره ۴۳، ص ۴۸.

۴۹. آقای‌نیا، حسین، جرایم علیه اشخاص (شخصیت معنوی)، همان، ص ۱۶۶ تا ۱۶۸.

۵۰. زراعت، عباس، جرایم علیه اشخاص، همان، ص ۳۳۹.

۵۱. آقای‌نیا، حسین، جرایم علیه اشخاص (شخصیت معنوی)، همان، ص ۱۶۴.

۵۲. حسین‌جانی، بهمن (۱۳۸۲). حقوق جزای اختصاصی، چاپ اول، انتشارات نسل نیکان، صص ۲۹۸ و ۳۰۴.

۵۳. آقای‌نیا، حسین، جرایم علیه اشخاص (شخصیت معنوی)، همان، ص ۱۶۷.

۵۴. میرمحمد صادقی، حسین، جرایم علیه اشخاص، همان، ص ۴۹۶.

۵۵. شگری، رضا و قادر، سیروس (۱۳۹۰). قانون مجازات اسلامی در نظم حقوق کنونی، چاپ دهم، تهران: نشر مهاجر، ص ۶۸۳.

۵۶. Larguier (J.), op. cit. p. 264.

۵۷. آقای‌نیا، حسین، جرایم علیه اشخاص (شخصیت معنوی)، همان، ص ۱۶۴؛ زراعت، عباس، جرایم علیه اشخاص، همان، صص ۳۴۱-۳۳۹.

۵۸. اردبیلی، محمد علی (۱۳۹۴). حقوق جزای عمومی، جلد دوم، چاپ بیست و هفتم، تهران: نشر

میزان، ص ۵۳؛ ساولانی، اسماعیل (۱۳۹۲). حقوق جزای عمومی، چاپ سوم، تهران: میزان، ص ۱۷۳.

۵۹. گلدوزیان، ایرج (۱۳۹۱). بایسته‌های حقوق جزای اختصاصی ۱-۲-۳، چاپ بیست و دوم، تهران: نشر میزان، ص ۱۱۲؛ زراعت، عباس (۱۳۹۲). حقوق جزای عمومی ۱ و ۲، چاپ سوم، تهران: انتشارات جاودانه، ص ۱۹۷.

۶۰. میرمحمد صادقی، حسین، جرایم علیه اشخاص، همان، ص ۴۹۷؛ زراعت، عباس، جرایم علیه اشخاص، همان، صص ۳۳۸ و ۳۳۷؛ گلدوزیان، ایرج، بایسته‌های حقوق جزای اختصاصی ۱-۲-۳، همان، ص ۱۱۲.

۶۱. گس، ریموند، جرم‌شناسی نظری، ترجمه مهدی کی‌نیا (۱۳۸۸). چاپ سوم، تهران: انتشارات مجد، ص ۲۷.

۶۲. حاجی ده‌آبادی، احمد (۱۳۸۹). «طبقه بندی مجازات‌ها در قانون مجازات اسلامی؛ جایگاه تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده»، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۶۹، ص ۱۰.

۶۳. اردبیلی، محمد (۱۳۸۸). حقوق جزای عمومی، جلد دوم، چاپ بیستم، تهران: نشر میزان، صص ۱۶۲ و ۱۶۱.
۶۴. فرنی، محمد (۱۳۲۷). «مجازات شلاق از نظر قضایی و اجتماعی»، تهران: انتشارات کانون وکلاء، شماره ۴، ص ۴۵.
۶۵. صفاری، علی (۱۳۸۸). چاپ ششم، تهران: انتشارات جادوانه - جنگل، صص ۱۲۶ و ۱۲۵ و ۱۲۲.
۶۶. مجیدی، سید محمود (۱۳۹۳). جرایم علیه امنیت، چاپ دوم، تهران: نشر میزان، صص ۳۲۶ و ۳۲۷.
۶۷. Pierrette ponclea, Droit de la peine, puf, le éd. Paris, 1995, p. 131
۶۸. Desportes (fré dérid et francis le Gunenec, Droit penal General, Economica, ge éd, Paris, 2002, p. 102.
۶۹. کوشا، جعفر (۱۳۸۱). جرایم علیه عدالت قضایی، چاپ اول، تهران: نشر میزان، ص ۱۳۲.
۷۰. Desportes (F.), et le Genehec (F.), op. cit. p. 742.
۷۱. Desportes (F.), op. cit. p. 744.
۷۲. حساس خواه، آناهید (۱۳۹۱). «»، رساله کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد دامغان، ص ۴۷.
۷۳. آقایی نیا، حسین، جرایم علیه اشخاص (شخصیت معنوی)، همان، صص ۱۷۵ و ۱۷۴.
۷۴. Larguier (J.), op.cit. p. 270.
۷۵. Ibid
۷۶. مجیدی، سید محمود، جرایم علیه امنیت، همان، ص ۳۳۸.
۷۷. مجیدی، سید محمود، جرایم علیه امنیت، همان، ص ۳۳۹.
۷۸. اردبیلی، محمد علی، حقوق جزای عمومی، همان، ص ۱۵۵؛ نوریان، علی رضا و عزیزی، غلام علی و شاه محمدی، حمید (۱۳۹۳). «واکاوی مجازات‌های تکمیلی در قانون مجازات اسلامی»، ماهنامه‌ی ندای عدالت، شمارگان ۱۳۸ و ۱۳۹، ص ۵۰.
۷۹. نوریان، علی رضا و عزیزی، غلام علی و شاه محمدی، حمید، «واکاوی مجازات‌های تکمیلی در قانون مجازات اسلامی»، همان، ص ۳۸.
۸۰. مجیدی، سید محمود، جرایم علیه امنیت، همان، ص ۳۳۹.
۸۱. نوریان، علی رضا و عزیزی، غلام علی و شاه محمدی، حمید، «واکاوی مجازات‌های تکمیلی در قانون مجازات اسلامی»، همان، صص ۵۷ و ۵۶.
۸۲. سلیمی، صادق (۱۳۷۹). «مجازات‌های تبعی در حقوق کیفری ایران»، نشریه کانون وکلاء، شماره ۱۷۱، صص ۷۶-۷۱.
۸۳. Robert (Jacques – Henri), Droit Pénal Général, puf. 2e éd, Paris, 1992. p.78.
۸۴. Pradel (J.), op.cit. p. 603.

۸۵. نوریان، علی‌رضا و عزیزی، غلام‌علی و شاه‌محمدی، حمید، «واکاوی مجازات‌های تکمیلی در قانون مجازات اسلامی»، همان، ص ۵۶.
۸۶. جعفری دولت‌آبادی، عباس (۱۳۸۴). «بررسی تطبیقی تعدد و تکرار در حقوق ایران و اردن»، ماهنامه، شماره ۵۱، ص ۱۱.
۸۷. فتحی، محمد جواد (۱۳۷۹). «بررسی انتقادات کیفیات مشدده عمومی در قانون مجازات اسلامی»، مجله مجتمع آموزش عالی قم، شماره هفتم، ص ۷۸؛ لطفی، (۱۳۱۷). «تشدید و تخفیف در مجازات»، انتشارات مجموعه حقوقی، شماره ۵۷، صص ۱۵ و ۱۴.
۸۸. پوربافرانی، حسن (۱۳۸۴). «تعدد و تکرار در حقوق کیفری ایران»، نشریه، مدرس علوم انسانی - پژوهش‌های حقوق تطبیقی، شماره ۴۱، ص ۲۶؛ مصدق، محمد (۱۳۹۳). شرح قانون مجازات اسلامی، چاپ ششم، تهران: انتشارات جاودانه - جنگل، ص ۲۲۰؛ اردبیلی، محمد علی، حقوق جزای عمومی، همان، ص ۲۲۰.
۸۹. صانعی، پرویز (بی تا). حقوق جزای عمومی، جلد دوم، تهران: انتشارات گنج دانش، ص ۲۶۶.
۹۰. علی‌آبادی، عبدالحسین (۱۳۸۵). حقوق جنایی، جلد دوم، تهران: انتشارات فردوسی، ص ۲۰۷.
۹۱. جعفری، مجتبی (۱۳۹۳). «تعدد جرم و آثار آن در قانون جدید مجازات اسلامی»، پژوهش حقوق کیفری، شماره پنجم، ص ۱۸۹؛ مصدق، محمد، شرح قانون مجازات اسلامی، همان، صص ۳۶۹ و ۳۷۳.
۹۲. مصدق، محمد، شرح قانون مجازات اسلامی، همان، صص ۳۹۳.
۹۳. مصدق، محمد، شرح قانون مجازات اسلامی، همان، صص ۴۰۱.
۹۴. طوسی، عزیز (۱۳۷۹). «مرز قانونی بین تعدد جرم و تکرار جرم»، ماهنامه دادرسی، شماره ۲۰، ص ۶۵.
۹۵. ولیدی، محمد صالح، بایسته‌های حقوق جزای عمومی ۱-۲-۳، همان، ص ۴۱۷؛ باهری، محمد (۱۳۸۱). تقریرات درس حقوق جزای عمومی، تهران: انتشارات رهام، ص ۳۱۸.
۹۶. میرمحمد صادقی، حسین، جرایم علیه اشخاص، همان، ص ۴۹۸؛ آقای‌نیا، حسین، جرایم علیه اشخاص (شخصیت معنوی)، همان، ص ۱۷۴.
۹۷. میرمحمد صادقی، حسین، جرایم علیه اشخاص، همان، ص ۴۹۸.
۹۸. آقای‌نیا، حسین، جرایم علیه اشخاص (شخصیت معنوی)، همان، ص ۱۷۵.
۹۹. همان؛ گلدوزیان، ایرج، بایسته‌های حقوق جزای اختصاصی ۱-۲-۳، همان، ص ۱۱۴.
۱۰۰. ادیب، محمد، جرایم علیه اشخاص، همان، ص ۱۵۲.
۱۰۱. فتحی، محمد جواد، «بررسی انتقادات کیفیات مشدده عمومی در قانون مجازات اسلامی»، همان، ص ۷۹.
۱۰۲. زراعت، عباس، جرایم علیه اشخاص، همان، ص ۳۳۸؛ جرایم علیه اشخاص (شخصیت معنوی)، همان، ص ۱۷۳.
۱۰۳. ادیب، محمد، جرایم علیه اشخاص، همان، ص ۱۵۳.
۱۰۴. ولیدی، محمد صالح، بایسته‌های حقوق جزای عمومی ۱-۲-۳، همان، صص ۴۱۷ و ۴۱۸.

۱۰۵. محمد نسل، غلامرضا (۱۳۸۲). «بررسی کاربردی تعلیق مجازات در حقوق جزا و رویه محاکم ایران»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره ۶۴، ص ۲۴۱.
۱۰۶. گلدوزیان، ایرج، بایسته‌های حقوق جزای اختصاصی ۳-۲-۱، همان، ص ۳۵۸
۱۰۷. شامبیاتی، هوشنگ (۱۳۷۴). حقوق جزای عمومی، جلد دوم، چاپ پنجم، تهران: انتشارات ویراستار، ص ۴۴۰.
۱۰۸. Robert (H.). op.cit.p.475.
۱۰۹. Herzog – Evans (M.). op.cit.p.173.
۱۱۰. بولک، برنارد، ترجمه نجفی ابرندآبادی، علی حسین و بیگی هاشم (۱۳۷۳). کیفرشناسی، چاپ اول، تهران: انتشارات مجد، ص ۲۷۸.
۱۱۱. Poncela (P.). op.cit.p. 145.
۱۱۲. عسگری ارجلو، هومان (۱۳۹۰). حقوق جزای اختصاصی، چاپ اول، تهران: انتشارات راه نوین، ص ۳۷۵؛ آقای‌نیا، جرایم علیه اشخاص (شخصیت معنوی)، همان، ص ۱۷۱؛ زراعت، عباس، جرایم علیه اشخاص، همان، ص ۳۴۱؛ گلدوزیان، ایرج، بایسته‌های حقوق جزای اختصاصی ۳-۲-۱، همان، ص ۱۱۴.
۱۱۳. زراعت، عباس، جرایم علیه اشخاص، همان، ص ۳۴۱.
۱۱۴. غلامی، حسین (۱۳۸۰). «ارزیابی جرم‌شناختی دو نهاد حقوق کیفری؛ تعلیف مراقبتی و آزادی مشروط»، نشریه پژوهش حقوق و سیاست، شماره پنجم، ص ۱۱۴.
۱۱۵. Herzog – Evans (M.). op.cit.p. 282.
۱۱۶. کارمزدی، عبدالکریم (۱۳۷۶). «آزادی مشروط زندانیان»، نشریه دادرسی، شماره ۱، ص ۲۵.
۱۱۷. مجیدی، سید محمود، جرایم علیه امنیت، همان، ص ۳۶۰.
۱۱۸. Herzog – Evans (M.). op.cit.p. 898.
۱۱۹. Ibid
۱۲۰. بلوری، اکبر (۱۳۳۷). «آزادی مشروط»، نشریه کانون وکلا، شماره ۶۳، ص ۳۵؛ کارمزدی، عبدالکریم، «آزادی مشروط زندانیان»، همان، ص ۳۹؛ شاهکار، محمد (۱۳۲۱). «محکومیت مشروط - عفو قضایی - آزادی مشروط»، نشریه کانون وکلا، شماره ۲۴، ص ۱۱.
۱۲۱. وحدت، محمدی (۱۳۱۷). «عفو و عفو عمومی عقاید علمای فرانسه و بلژیک»، نشریه مجموعه حقوقی، شماره ۱۳، ص ۳۷.
۱۲۲. Desportes (F.). et le Gunehec (F.). op.cit. p.928.
۱۲۳. آشوری، محمد (۱۳۸۸). آیین دادرسی کیفری، جلد دوم، چاپ یازدهم، تهران: انتشارات سمت، ص ۲۲۸.
۱۲۴. حائری، مجیدی (۱۳۳۰). «کیفیات مخفیه»، مجموعه حقوقی، شماره ۲۹۹، ص ۱۳۴۳؛ اردبیلی، محمد علی، حقوق جزای عمومی، همان، صص ۲۰۷ و ۲۰۶؛ مصدق، محمد، شرح قانون مجازات اسلامی، همان، ص ۱۴۸ و ۱۴۷

۱۲۵. امیر علائی، ش (۱۳۹۱)، «کیفیات مخففه در حقوق جزایی فرانسه»، نشریه مجموعه حقوقی، شماره ۱۴، ص ۴۱.

۱۲۶. امیر علائی، ش، «کیفیات مخففه در حقوق جزایی فرانسه»، همان، ص ۴۲.

Abstract

Acomparative study of criminal low offence of Kidnapping in Iran and france

BY

Ameneh Morad pour

Defects and flaws in the penal policy are visible only when its legislative conditions are evaluated by criminal policy of other country in a comparative study . In this thesis,in addition tocomparative study oncriminal elements as well as ensuring the enforcement of supervisor on kidnap in criminal law of Iran and France, penal politicssupervising this crime have been also analyzed. Although it seems that there is little difference in penal law of these two countries in term of criminal elements and guarantee of lawful enforcements, but there is seen significant differences in implementing the penal policies supervising this crime. Penal policy of France based on law act of March 9 2004 and Law 1994 took various measures toward supporting kidnap victim. On one hand, through associating the punishment of kidnap delinquent to the time spent from kidnap and criminalization of aggravating circumstances, legislator tends to suppressive penal responses and on the other hand he tends to mitigating measures through accepting exempting legal excuses in 2004. Accepting simultaneously two policies as suppressive and mitigating has been toward more supporting the kidnapped person. Writer recommends designing innovative measures including aggravated criminalization of organized form of this crime and accept the mitigating institutes exempting delinquency in Iran law.

Key of the Words: kidnap, organized, hijack, legal excuse

Ministry of Science, Research, and Technology



Damghan University
School of humanistic Sciences

M. Sc. Thesis
In Organic Law

By

Ameneh Moradpour

Supervisor:

Dr. Mahmood Majidi

Summer 2016

In The Name Of God

BY

Ameneh Morad pour

THESIS

Acomparative study of criminal low offence of kidnapping in Iran and
france

IN

ORGANIC LAW
DAMGHAN UNIVERSITY
DAMGHAN, ISLAMIC REPUBLIC OF IRAN

EVALUATED AND APPROVED BY THE THESIS COMMITTEE AS:

Dr.S. M. MAJIDI (Ph. D.), ASISTANT PROF. IN JURISPRUDENCE AND CRIMINAL LAW,
DAMGHAN UNIVERSITY(SUPERVISOR)

Dr.H. HASANI(Ph. D.), ASISTANT PROF. IN ORGANIC LAW, DAMGHAN
UNIVERSITY (EXAMINER)

Dr.M. ZOLFAGHARI(Ph.D.),ASISTANT PROF IN JURISPRUDENCE AND THE
FUNDAMENTS OF ISLAMIC LAW.ISLAMIC AZAD UNIVERSITY OF
DAMGHAN(EXAMINER)

Dr.R.GHANBARI ABDOLMALEKI.(PH.D). ASSISTANTPROF. IN PERSIAN LITERATURE
DAMGHAN UNIVERSITY(Representative of the Graduate Studies)

JULY 2016

jjj